



قیمت خود واقعیت است و حرکاتش حقایق پشت پرده آن؛
 حرکات قیمت به تنهایی برترین و تنها سرنخ برای شناسایی رد پای
 پول های جاری در بازار و هرآنچه بیشتر از این ابزاریست برای سرگرمی.
 «نویسنده»

ISBN:978-622-6695-51-0



کتاب شماره ۱۲۲ نشر شفاف

9

786226

695510



سرشناسه	: جیل عاملی، احمد رضا، ۱۳۶۳
عنوان و نام پدیدآور	: تحلیل سنتیمنتال، نویسنده: احمد رضا جیل عاملی؛ باهمت علی شجاعی فر.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات شفاف، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۹۵۵۱-۰۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: بالای عنوان : خودآموز جامع روش نوین معامله‌گری انواع بازار بورس.
عنوان دیگر	: خودآموز جامع روش نوین معامله‌گری انواع بازار بورس.
موضوع	: سرمایه‌گذاری -- تجزیه و تحلیل
موضوع	: Investment analysis
موضوع	: بورس
موضوع	: Stock exchanges
شناسه افزوده	: شجاعی فر، علی، ۱۳۷۰
رده بندی کنگره	: HG۴۵۲۹
رده بندی دیویی	: ۶۳۲.۰۴۲/۳۳۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۱۱۴۱۹۲

خودآموز جامع روش نوین معامله گری انواع بازار بورس

تحلیل سنتیمنتال

نویسنده:

احمد رضا جبل عاملی

با همت:

علی شجاعی فر

نشر شفاف، بهار ۱۳۹۹



تحلیل سنتیمنتال

خودآموز جامع روش نوین معامله گری انواع بازار بورس

نویسنده: احدر ضاجیل عاملی

با همت: علی شجاعی فر، طرح جلد: علی شجاعی فر

ناشر: شفاف

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۹

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه، قیمت: ۷۵۰۰۰ تومان، شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۹۵-۵۱-۰

©./ تمام حقوق محفوظ است./

نشانی: تهران . م انقلاب . خ انقلاب . ۱۲ فروردین . پلاک ۳۱۶ طبقه ۴

تلفن: ۶۶۴۸۴۶۳۸ - ۶۶۴۸۶۴۸۲ - ۰۲۱

پیامک، واتساپ، تلگرام: ۰۹۳۶۰۹۳۶۸۸۸

نشر شفاف

(ناشر عمومی و ناشر تخصصی اقتصاد)

www.shafaaf.ir

خرید اینترنتی از دیجی کالا

www.digikala.com



تقدیم به

روح پاک پدرم که عالمانه به من آموخت تا چگونه در عرصه زندگی،
ایستادگی و گذشت را تجربه نمایم.

و

تقدیم به همسر،

اسطوره زندگیم، پناه خستگی و امید بودنم.

تحليل سنتيمنتال؛

جام مقدس كسب درآمد مستمر از بازارهای سرمایه

فهرست

۱۱ فصل اول : چشم انداز

- ۱۳ - بازار کارا
- ۲۲ - کار شما به عنوان معامله گر بازار بورس چیست؟
- ۲۲ - این کتاب برای چه کسانی مناسب است؟
- ۲۴ - اهداف این کتاب
- ۲۵ - مخاطبین این کتاب
- ۲۵ - پیشنهاد
- ۲۶ - درباره نویسنده
- ۲۸ - آکادمی جبل عاملی در یک نگاه
- ۲۹ - توصیه
- ۳۰ - پیام ویژه
- ۳۲ - مقدمه
- ۳۸ - چقدر درآمد خواهید داشت؟
- ۳۹ - یادگیری این روش چه مقدار طول خواهد کشید؟
- ۳۹ - در چه بازارهایی می توانید معامله کنید؟

۴۱ فصل دوم: تحلیل سنتیمنتال

- ۴۳ - انواع معامله گر و نقش و تاثیر آنها در بازار بورس
- ۴۴ - هدف تحلیل سنتیمنتال
- ۴۸ - مفهوم بازار کارا
- ۵۰ - مفهوم اصول اولیه بازار

- قیمت چیست؟ ۵۱
- چگونگی حرکت قیمت ۵۲
- انواع اقدامات معامله گران و تاثیر آنها بر قیمت ۵۸
- انواع رفتار معاملاتی ۶۱
- شناسایی حرکت و روند قیمت ۶۵
- تعریف روند ۶۶
- نحوه تشکیل روند ۶۸
- شپارد ۷۰
- برهان خلف ۷۴
- چگونگی ادامه روند ۷۶
- چگونگی پایان و تغییر روند ۷۸
- پایان روند ۷۸
- تغییر روند ۸۰
- نحوه تشکیل و پایان روند رنج ۸۲
- Sideway رنج ۸۲
- Choppy رنج ۸۳
- پایان روند رنج ۸۴
- نحوه شناسایی و رسم چارچوب حرکتی قیمت ۸۵
- خمیازه ۸۶
- سوئینگ موثر ۸۹
- سطوح کلیدی ۹۰
- سطوح طلایی ۹۴
- قاعده Movement ۹۷
- شناسایی سماجت مالی و روانی معامله گران ۱۰۱
- سرنخ شناسایی سماجت مالی معامله گران در جهت روند ۱۰۴

- ۱۰۶ سرنخ شناسایی سماجت مالی معامله گران در جهت خلاف روند
- ۱۰۷ سرنخ شناسایی سماجت روانی معامله گران
- ۱۰۹ چگونگی مطلوبیت سودهی
- ۱۱۲ اصول روند
- ۱۱۳ اصل تداوم روند
- ۱۱۳ اصول برگشت روند
- ۱۱۵ اصول شکست سطوح
- ۱۱۶ چرخه بازار
- ۱۲۰ شناسایی قدرت روند
- ۱۲۱ انواع فرصت های معاملاتی
- ۱۲۱ شناسایی تغییر وزن جریان سفارشات
- ۱۲۹ اقدامات قبل از معامله، حین معامله و بعد از خروج
- ۱۳۳ استراتژی خروج از معاملات
- ۱۴۴ مدل های نقد کردن معامله
- ۱۴۵ ژورنال معاملاتی

فصل سوم: روانشناسی معامله گری ۱۴۹

- ۱۵۲ معامله بیش از حد
- ۱۵۲ تامین
- ۱۵۴ سروتونین
- ۱۵۵ شک و تردید
- ۱۵۶ هدف گذاری
- ۱۵۷ نکات ۱۵ گانه معامله گری بازار سرمایه

هدف ما، پرورش معامله گر است نه آموزش تحلیل گری؛

آکادمی معامله گری بورس جبل عاملی

فصل اول

چشم انداز

بازار کارا

چرا تنها راه برای کسب سود سرشار و پایدار از بورس، استفاده از «تحلیل سنتیمنتال» است؟

میخواهم شما را با مفهوم **بازار کارا** آشنا کنم؛ دانستنش انقلابی در آینده معامله گری شما ایجاد می کند.

از طریق تحلیل سنتیمنتال شما بدون استفاده از هیچ ابزار و یا انواع روش های تحلیل تکنیکال و حتی بدون استفاده از تجزیه و تحلیل های فاندمنتال، فقط و فقط با شناسایی رفتار معامله گران موثر حاضر در بازار اعم از بازارسازها، بازارگردانها، موسسات مالی، بانک ها، حقوقی ها و حقیقی ها به سادگی طی ۳ الی ۱۰ ثانیه می توانید حرکات آینده قیمت را در هر بازار و هر تایم فریمی با احتمال ۷۰ درصد پیش بینی کنید.

تمرکز اصلی این نوع تحلیل، شناسایی رفتار معامله گران موثر حاضر در بازار که منجر به حرکات قیمت می شوند، می باشد.

بایاید خیلی ساده و سریع شروع کنیم. به مثال زیر توجه کنید تا متوجه شوید که چطور در کمتر از ۱۰ ثانیه می توانید در این بازار معامله کنید:



فرض کنید برای اولین بار این نمودار را مشاهده می کنید و تصمیم دارید تا بر روی آن اگر شرایط مناسب باشد معامله انجام دهید.

گفتیم که ما در تحلیل سنتیمنتال از هیچ ابزاری استفاده نمی کنیم و همین طور که در این نمودار مشاهده می کنید به غیر از کندل و ترکیبی خاص از رنگ ها هیچ چیز دیگری نیست و همین طور گفتیم که در این نوع تحلیل تمرکز اصلی معامله گر بر روی رفتارشناسی معامله گران موثر حاضر در بازار است.

به رفتار اخیر قیمت نگاه کنید (داخل کروه روی نمودار).

همانطور که می دانید دو دسته معامله گر در بازار وجود دارند. یکی خریدار و دیگری فروشنده. هر زمان که قدرت خریداران از فروشندگان بیشتر باشد قیمت صعود و هرگاه که قدرت فروشندگان از خریداران بیشتر باشد قیمت نزول می کند.

در حرکت آخر خیلی ساده می توانید مشاهده کنید که قیمت بعد از انجام یک حرکت پرقدرت صعودی، یک اصلاح ضعیف را انجام داده است.

این حرکت پرقدرت چون در جهت صعود بوده، خیلی ساده می توانید نتیجه بگیرید که خریداران منجر به این صعود شده اند و در زمانی که قیمت وارد اصلاح شده، فروشندگان

نتوانستند قیمت را در جهت نزول به اندازه ای که قدرت خریداران را تضعیف کنند، حرکت دهند.

پس در این جا می توانیم نتیجه بگیریم که همین حالا در این بازار قدرت در دست خریداران است و می توانیم وارد معامله Long (خرید) شویم.

به همین سادگی!

در این کتاب یاد می گیرید که:

- چطور ردپای پولهای جاری در بازار را با هدف شناسایی روندها پیدا کنید؟
- چطور نقطه دقیق ورود به معامله را پیدا کنید؟
- وقتی وارد معامله ای شدید، چطور آن را مدیریت کنید؟
- چه زمانی از آن خارج شوید؟ یعنی چطور متوجه شوید که مثلاً قدرت خریداران چه زمانی در حال کاهش است یا قدرت فروشندگان در حال افزایش؟
- چطور نقطه خروج از معامله را پیدا کنید؟
- چطور تشخیص دهید که قیمت تا چه زمانی به صعود یا نزول خود ادامه خواهد داد، تا آنرا همراهی کنید؟
- و ده ها مورد دیگر.

مطمئن باشید که اگر همین حالا در حال مطالعه این کتاب هستید، اصلاً اتفاقی نیست. به احتمال زیاد شما در جستجوی جام مقدس بازارهای سرمایه بوده اید تا بتوانید با آن سرمایه خود را تا حد ممکن توسعه دهید و درآمد نامحدود و پایداری برای خود بسازید.

با مطالعه این کتاب شما مسیری که طی ۱۷ سال سپری شده است را به صورت کاملاً سازمان یافته و منسجم می آموزید، پس ارزش آن را بر اساس مبلغی که بابت آن پرداخت کرده اید نسنجید. بلکه بر اساس ارتقایی که می تواند به زندگی و درآمد شما بدهد، بسنجید.

فکر می کنید که کدام روش تحلیل تکنیکال و یا تحلیل فاندامنتال یا کدام اندیکاتور و اسیلاتور می توانند تا این اندازه شفاف و با دلایل معتبر بر پایه دانش اقتصاد نوین به شما نشان دهد که حرکت بعدی قیمت چیست؟

باز هم فکر می کنید که آیا به یادگیری انواع و اقسام روش های تحلیل تکنیکال و فاندامنتال و یا استفاده از اندیکاتورهای مختلف که بیشتر برای محتواسازی و سرگرمی استفاده می شوند، نیاز دارید؟

خیلی ساده، قیمت خود واقعیت است چون تمامی حرکاتش فقط و فقط به خاطر معاملاتی است که دیگر معامله گران به هر دلیلی اعم از انتظارات تکنیکال، فاندامنتال، تمایلات شخصی، احساسات، رویدادها و اخبار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از معامله گران سازمانی تا کوچکترین معامله گران خرد انجام داده اند و قیمت به جز گردش پولهایی که حاصل معاملات معامله گران است هیچ محرک دیگری ندارد.

پس شما برای اینکه واقعیت بازار را درک کنید نیاز به هیچ ابزار اضافی ندارید. تنها باید خود قیمت را ببینید.

شما نیازی به تحلیل اخبار اقتصادی و سیاسی برای کسب درآمد از این بازار ندارید، چون حرکات قیمت به شما حقایق پشت پرده خود را به صورت کاملاً واضح می گوید؛ به عبارتی در دانش اقتصاد نوین قیمت آینه ای از تمام پشت پرده خودش می باشد. **بازار کارا.**

استفاده از هر گونه اندیکاتور، اسیلاتور و یا تحلیل های مختلف مانند فاندامنتال و تکنیکال تنها باعث می شود تا شما از حقیقت اصلی که خود قیمت است دور شوید که نتیجه آن، چیزی جز ضرر یا سودهای اندک نیست. چون تصمیمات شما دیگر بر اساس شناسایی واقعیت شرایط جاری قیمت نبوده و اجازه داده اید تا ابزارهای فریب دهنده که خود درکی از واقعیات و حقایق تاثیرگذار بر قیمت ندارند، به جای شما تصمیم بگیرند.

اجازه دهید تا تحلیل سنتیمنتال نسبت به تحلیل فاندامنتال و تکنیکال که در حال حاضر منجر به ضررده شدن بیشتر معامله گران شده اند را مقایسه کنیم.

تمرکز اصلی در تحلیل فاندامنتال یا بنیادی روی بررسی و تجزیه و تحلیل اخبار اقتصادی، سیاسی و آمارها است.

یعنی شخص معامله گر باید بتواند هر نوع خبر اقتصادی و سیاسی را به صورت کامل و صحیح تجزیه و تحلیل و بعد با توجه به تاثیر احتمالی که در بازار خواهد داشت، معامله کند.

این نوع تحلیل نقاط ضعف بسیاری دارد که برجسته ترین آن ناکارآمدیش در تصمیمات معاملاتی است که نمی تواند نقطه ورود و خروج دقیق و مشخص برای معامله گر ارائه دهد. سالیان زیادی است که با ارتقاء دانش اقتصاد در رابطه با معامله گری بازارهای مالی در کشورهای پیشرفته دیگر از این نوع تحلیل برای معامله گری استفاده نمی شود و تنها برای محتواسازی، خبرسازی و بررسی شرایط اقتصادی حوزه مورد نظر استفاده می گردد.

در این نوع تحلیل هیچ گاه به شخص معامله گر یک نقطه ورود و خروج مشخصی داده نمی شود و همین طور به ندرت پیش بینی ها به موفقیت می انجامند زیرا در نهایت این معامله گران حاضر در بازار هستند که تصمیم می گیرند چه رفتار و واکنشی در معاملاتشان نسبت به آن داشته باشند، چون معامله گران تحت تاثیر احساسات، تمایلات، انتظارات و منافع خود تصمیم می گیرند و دستانشان در انتخاب گزینه خرید و فروش در اختیار مغزشان است نه نتایج تحلیل های فاندامنتال و این دلیلی است که در موارد بسیار شاهد هستیم قیمت برخلاف انتظارات نتایج تحلیل فاندامنتال حرکت کرده و اتفاقا محرکی برای حرکت بیشتر و سریع تر قیمت در جهت خلاف انتظار هستند.

تحلیل فاندامنتال در گذشته از محبوبیت خوبی برخوردار بود؛ اما علت اصلی اینکه اخیرا در معامله گری کاربرد موثر ندارد این است که ماهیت حرکتی بازارها بخاطر ارتقاء و تغییر سیاست های مالی (بازارسازی و بازارگردانی به هدف کشف بهتر قیمت) و همچنین توسعه نقدینگی و عمق چشمگیر بازارها کاملا تغییر کرده است.

آنچه با توسعه چشمگیر نقدینگی و عمق بازارها منجر به تغییر ماهیت حرکتی قیمت شده است تفاوت واضح در فراریت قیمت چه از نظر اندازه و چه از نظر رفتار است.

نقش اخبار و مسائل بنیادی در معامله گری به روش تحلیل سنتیمنتال بسیار کم است، در حدی که تنها در لحظه انتشار اخبار بسیار مهم، فقط وارد معامله ای نمی شویم و هیچ تاثیری بر تصمیمات معاملاتی ما ندارد. چرا؟

ما نیازی به تحلیل اخبار اقتصادی و مسائل بنیادی نداریم. چون، قیمت آینه ای از تمامی اتفاقات پشت پرده در حال رخ دادن است و شما تنها با نگاه کردن به حال جاری قیمت می توانید با احتمال بسیار بالا تشخیص دهید که الان خریدارید، فروشنده اید و یا لازم است تا صبر کنید.

و اما تحلیل تکنیکال - که از فاندامننتال در بین معامله گران بیشتر رواج دارد - تمرکز اصلی اش بر گذشته بازار است.

معامله گرانی که از این نوع تحلیل استفاده می کنند بر این عقیده هستند که تاریخ دوباره تکرار می شود و آن اتفاقی که در گذشته رخ داده است، حتما در آینده هم مجددا رخ خواهد داد.

این اعتقاد باعث شده تا درصد خیلی بالایی از معامله گران، همواره در حال ضرر کردن باشند و علت این موضوع باور یک سری اطلاعات اشتباه و منسوخ شده است.

دقت کنید! فقط همین یک اعتقاد ساده که: «تاریخ دوباره تکرار می شود.»

اگر کمی با بازار بورس آشنا باشید، پس حتما با انواع الگوهای هارمونیک، کلاسیک، کندل استیک و انواع اندیکاتورها و اسیلاتورها، انواع روش های تحلیل بر پایه تکنیکال مانند الیوت، گن، بیل ویلیامز، ایچیموکو، چنگال اندروز و صدها مورد دیگر آشنا هستید.

یک سوال مهم:

آیا به نظر شما یک معامله گر سازمانی که سرمایه عظیمی در اختیارش دارد، فقط با تکیه بر اینکه «تاریخ دوباره تکرار می شود» در این بازار معامله می کند؟

آیا به نظر شما آن شخصی که بازارگردانی و یا بازارسازی می کند، اصلاً کوچکترین اعتقادی به تکرار گذشته بازار دارد؟

اندیکاتورها، فقط یک سری محاسبات ریاضیاتی هستند که اطلاعات دریافتی خود را از قیمت می گیرند (شامل: قیمت باز شدن، قیمت بسته شدن، بیشینه قیمت، کمینه قیمت و حجم در تعدادی کندل)؛ حال به نظر شما چیزی که خودش محتاج به قیمت و همیشه یک قدم از آن عقب تر است، آیا می تواند به شما کمک کند تا آینده قیمت را شناسایی کنید و به سود مستمر و سرشار در این بازار برسید؟

معامله گران سازمانی و بازیگران اصلی که تصمیمات و اقداماتشان باعث شکل گیری و حرکات قیمت می شود، هرگز به اینها توجهی ندارند و آن ها بر اساس سیاست ها و اهداف مالی و بعضاً دستوراتی که دریافت کرده اند، قیمت را به هدف کشف بهتر قیمت حرکت می دهند نه بر اساس یک سری اطلاعات سوخته و منسوخ شده.

معامله گری که از تحلیل تکنیکال برای تشخیص جهت آینده قیمت استفاده می کند، هیچ گاه سود و درآمدی که کسب می کند برایش رضایت بخش و کافی نیست و هیچ گاه هم آرامش روحی و روانی که باید در هنگام معامله کردن داشته باشد را حس نخواهد کرد و نمی تواند طعم خوش آزادی و استقلال مالی را به معنای واقعی آن تجربه کند، چون از سیستمی استفاده می کند که او را همیشه یک قدم عقب تر از بقیه نگه می دارد و موقعیت رشد و پیشرفت را برایش فراهم نمی آورد.

من شخصا پنج سال در جستجوی این بوده ام تا بتوانم الگویی، اندیکاتوری یا روش تحلیلی را پیدا کنم تا ورودها و خروج های به موقع و دقیقی را به من ارائه دهد.

زیرا من هم مانند دیگران توهم این را داشتم که معامله گران سازمانی و بازیگران اصلی از چنین ابزارهایی برای تصمیمات خود استفاده می کنند که اگر من هم آنرا در اختیار گیرم می توانم مثل خودشان بازار را دیده و معاملاتی مشابه آنان داشته باشم. اما هر چه جلوتر رفتم و بیشتر جستجو کردم دیدم تنها جام مقدس خود قیمت است.

چون قیمت اولین و تنها چیزی است که تأثیرات تصمیمات معامله گران بزرگ را بدون واسطه و دستکاری و تاخیر به من نشان می دهد.

موفقیت از آن کسانی است که یک قدم از دیگران جلوتر هستند!

- ✓ اگر می خواهید در این بازار به سود واقعی و قابل لمسی دست پیدا کنید،
- ✓ اگر می خواهید طعم خوش آزادی و استقلال مالی را تجربه کنید،
- ✓ اگر می خواهید آرامش و راحتی را در زمان معاملات خود حس کنید،
- ✓ اگر می خواهید کاملاً قانون مند و پر قدرت در بازار معامله کنید،
- ✓ اگر می خواهید با اطمینان خاطر واقعی در این بازار فعالیت کنید،
- ✓ اگر می خواهید در کمتر از ۶ ماه، در مسیر رسیدن به رویاهای خود قرار بگیرید،
- ✓ اگر می خواهید در هر بازاری که دوست داشته باشید و هر تایم فریمی که بخواهید، معامله کنید،
- ✓ اگر می خواهید بدون استفاده از هیچ گونه اندیکاتور، اسیلاتور و انواع و اقسام روش های تحلیل تکنیکال و پیچیدگی های آنها فعالیت کنید،
- ✓ اگر می خواهید بدون اینکه حتی یک خبر اقتصادی و یا سیاسی را مجبور باشید تحلیل کنید، در بازار معامله کنید،
- ✓ اگر می خواهید بین ۳ الی ۱۰ ثانیه بدون استفاده از هیچ ابزار و تنها با نگاه کردن به قیمت، با احتمال ۷۰ درصد آینده آن را تشخیص دهید،

لازمه اش فقط و فقط یادگیری قوانین و اصول بسیار ساده ای که در این کتاب تحت عنوان تحلیل سنتیمنتال بیان شده است، می باشد.

تحلیل سنتیمنتال ۲۰

پس بیایید با هم قدم به قدم پیش ببریم تا زمانی که شما به هدف نهایی خود در این بازار که کسب درآمد نامحدود، پایدار و مستمر از بازار بورس می باشد، برسید.

تمرکز اصلی تحلیل سنتیمنتال نه بر اخبار است و نه بر گذشته بازار، بلکه بر لحظه جاری بازار است.

اینکه همین حالا معامله گران بزرگ بازار چه تصمیمی گرفته اند و می خواهند در کدام جهت حرکت کنند.

شما با استفاده از تحلیل سنتیمنتال به این مهارت و توانایی خواهید رسید که فقط با نگاه کردن به بازار در زمانی بین ۳ الی ۱۰ ثانیه بتوانید بفهمید، همین حالا:

- آیا معامله گران بزرگ در بازار انتخابی شما حضور دارند یا خیر؟
- اگر حضور دارند، در کدام جهت هستند؟ خرید یا فروش؟
- اگر در جهت خرید یا فروش هستند، چه میزان قدرت (نقدینگی) دارند؟
- این وضعیت تا چه زمانی پایدار است که شما بتوانید وارد بازار شوید و از ادامه حرکت سود ببرید؟
- اگر این طور هست از نظر سماجت مالی و روانی، معامله گران موثر و بزرگ حاضر در بازار، تا چه زمانی تمایل به ماندن در روند دارند تا شما از حضور آنها بتوانید سود کنید؟

و تمامی اینها فقط و فقط از طریق رفتار شناسی معامله گران موثر حاضر در بازار اتفاق می افتد.

کار شما به عنوان یک معامله گر بازار بورس چیست؟

بدون استفاده از هر گونه تحلیل فاندامنتال و تکنیکال و تنها با تکیه بر آموزشی که در این کتاب و یا دوره های آموزش آنلاین ما دریافت می کنید، یاد می گیرید که چگونه و چگونه سریع، ساده و قدرتمند موقعیت های سودده با احتمال بالاتر را در بازار پیدا کنید و در این مسیر ما از طریق پشتیبانی تخصصی کار با مربی که از طریق سامانه LMS (Learning Management System) وبسایت انجام می شود تا رسیدن شما به استقلال در تصمیمات معاملاتی و رسیدن به سود پایدار همراهتان هستیم، تا جایی که در نهایت به تسلط و مهارت کافی دست یابید تا بتوانید در زمانی بین ۳ الی ۱۰ ثانیه در هر بازاری و هر تایم فریمی بهترین موقعیت های با احتمال بالاتر را پیدا کرده و از آنها کسب درآمد کنید و با استفاده از اصل اثر مرکب (کتاب دارن هاردی) آن را به یک درآمد نامحدود و توقف نشدنی تبدیل کنید.

این کتاب برای چه کسانی مناسب است؟

این کتاب برای تمامی افراد جویای کار، معامله گران بازار بورس، مدیران یا سرمایه گذاران، مناسب است. مزایای جالب توجه برای افرادی که به دنبال شغلی با درآمد نامحدود و مستقل هستند:

- به شغل خاص و باکلاس، در رده جهانی.
- دستیابی به درآمد مستمر و بدون محدودیت با هر میزان سرمایه اولیه.
- بی نیاز از هر مدرک تحصیلی، سابقه کاری یا هر نوع مجوز.
- آموزش ۰ تا ۱۰۰ به صورت گام به گام با استانداردهای روز بین المللی.
- در کمتر از ۶ ماه در مسیر رسیدن به استقلال و آزادی مالی قرار خواهید گرفت.
- رئیس خود هستید. انتخاب مکان و زمان فعالیت و میزان سرمایه گذاری با خودتان است.

مزایای فوق العاده مهم برای فعالان بازار بورس که مدت هاست به دنبال یک استراتژی سودده، قدرتمند و فوق العاده راحت می گردند:

- بدون نیاز به هیچ روش تحلیل تکنیکال اعم از: هارمونیک، کلاسیک، انواع الیوت، گن، چنگال اندروز، فیبوناچی، کندل استیک و...
- بدون نیاز به هیچ اندیکاتور یا اسیلاتور اعم از: ایچیموکو، بیل ویلیامز، ATR، RSI، MACD و...
- مناسب همه تایم فریم ها و انواع بازارهای مالی اعم از: بورس و اوراق بهادار، آتی، کالا، انرژی، فلزات گرانبها، ارز (داخلی و خارجی).
- ساده، سریع و قدرتمند. شناسایی موقعیت های معاملاتی با بالاترین احتمال موفقیت در کمتر از ۱۰ ثانیه.
- بدون استفاده از تحلیل فاندامنتال و تجزیه و تحلیل اخبار اقتصادی و بدون تاریخ انقضا در گذر زمان.
- پشتیبانی چند جانبه و حرفه ای توسط مدرس با استانداردهای بین المللی به صورت رایگان و مادام العمر (بسته پشتیبانی دوره آنلاین).

مزایای جذاب و استثنایی برای مدیران و یا سرمایه گذرانی که به دنبال رشد عالی و حفظ ارزش سرمایه خود هستند:

- برترین راه حفظ ارزش سرمایه در برابر نواسانات نرخ ارز و تورم.
- رشد تصاعدی سرمایه از طریق اثر مرکب.
- امنیت و حمایت قانونی سرمایه گذار از طریق قانون گذاری و نظارت مستقیم سازمان بورس و اوراق بهادار کشور.
- تنوع در سرمایه گذاری. انتخاب مشارکت در صنایع و معادن متعدد تنها با یک بار سرمایه گذاری.
- کنترل آگاهانه ریسک از طریق استراتژی و مدل های مدیریت مالی به روز بین المللی.
- مناسب شرایط مختلف اقتصادی بدون هیچ محدودیتی.

در این کتاب به صورت عملیاتی با کسب درآمد و رشد سرمایه از طریق معامله گری بازار بورس آشنا خواهید شد. به نحوی که نگرش شما به پشتوانه محتوای به روز و استاندارد بین المللی در خصوص این بازار و نحوه کسب درآمد از آن تغییر خواهد یافت و متوجه می شوید که چطور هر شخص می تواند تنها با صرف کمتر از ۲ ساعت در طول روز آن هم به صورت ناپیوسته، سرمایه های کوچک را به سرمایه های بزرگ تبدیل و درآمد ماهانه قابل توجهی را دریافت کند.

همچنین اگر مدیر و یا سرمایه گذاری هستید که به دنبال راهی برای حفظ ارزش و رشد سرمایه در برابر نوسانات نرخ ارز و تورم می باشید، می توانید با استفاده از این علم و به کارگیری آن به نهایت اطمینان و رضایت برسید.

سطح کیفیت محتوا و اطلاعاتی که شما عزیزان در این کتاب دریافت می کنید، کاملاً برابر با سطح کیفیت محتوا و اطلاعات دوره های برتر خارج از کشور در زمینه معامله گری بازار سرمایه می باشد.

اهداف این کتاب:

این کتاب سه هدف اساسی را دنبال می کند:

- هدف نخست، کمک به جوانان کشور برای دستیابی به شغلی با درآمد مناسب و پرستیژ کاری عالی.
- هدف دوم، آموزش معامله گری سازمانی و روش صحیح بررسی و ارزیابی بازار به مدیران، سازمان ها و صندوق های سرمایه گذاری.
- هدف سوم، کمک به حفظ ارزش سرمایه ها در برابر نوسانات نرخ ارز و تورم، ضمن ایجاد تعادل نقدینگی در جامعه است.

مخاطبین این کتاب:

- تمامی افراد جویای کار با هر رشته و سطح تحصیلی و میزان سرمایه
- معامله گران و فعالان بازار سرمایه
- طلاسازها و طلا فروش ها
- سبذگردان ها و مدیران آنها
- مدیران شرکت های تولیدی، معدنی، صنعتی، بازرگانی و خدماتی
- صرافان ارز
- صندوق های سرمایه گذاری
- موسسات بازارگردان / بازارساز
- شرکت هایی که به هر نحوی وابسته به واردات یا صادرات هستند
- شرکت هایی که فعالیت آنها مرتبط با نرخ مواد اولیه، محصولات و یا ارز های خارجی هستند

پیش نیاز:

اگر مبتدی هستید و هیچ اطلاعاتی در مورد بورس ندارید، به وب سایت ما به نشانی www.priceactionteam.com یا از طریق جستجوی عبارت «آموزش بورس جبل عاملی» در گوگل به وبسایت ما مراجعه کرده و روی دکمه شناور گوشه سمت چپ سایت «آموزش صفر تا صد معامله گری (تحلیل سنتیمنتال)» کلیک کرده و ویدیوهای آموزشی گام اول را به صورت کاملاً رایگان مشاهده کنید.

این ویدیوها به تنهایی تمام آن چیزی هستند که هر کس که مایل به آشنایی کسب درآمد از معامله گری هر بازار بورسی می باشد به آن نیاز دارد؛ کامل، ساده، خلاصه و کاربردی.

همچنین در نظر داشته باشید که این کتاب هر چقدر هم که کامل باشد، هیچگاه نمی تواند به طور همه جانبه جای آموزش ویدیوئی دوره را که توسط اینجانب به صورت تصویری و شامل توضیحات گرافیکی و نمونه مثال های متعدد از بازار زنده می باشد را بگیرد.

این کتاب به شما کمک می کند تا ضمن آگاهی کامل از واقعیت چگونگی کسب درآمد از بازارهای سرمایه آمادگی لازم جهت دریافت و مشاهده دوره ویدیوئی تحلیل سنتیمنتال را کسب کرده و با گذراندن آن گام آخر را برای به دست گرفتن جام مقدس مالی بردارید.

درباره نویسنده کتاب، احمد رضا جبل عاملی

زندگی نامه حرفه ای

من از سال ۱۳۸۳ با بازار سرمایه آشنا شدم و تاکنون حدود ۱۷ سال است که در تحقیق، یادگیری، داده پردازی و معامله گری انواع بازارهای سرمایه فعال هستم. پس از ۵ سال یعنی در سال ۱۳۸۸ برای اولین بار معامله گری در بازار بورس را آغاز و حدودا از سال ۱۳۹۱ در معاملات خود به کسب سود مستمر دست یافتم.

از سال ۱۳۹۵ با توجه به نیازی که در میان معامله گران مشاهده کردم اقدام به تاسیس آکادمی آموزش معامله گری بورس کردم تا عموم علاقه مندان و معامله گران بتوانند با کمترین هزینه ممکن و به طور ساده به ممتازترین و معتبرترین منابع بین المللی در زمینه معامله گری انواع بازار سرمایه دسترسی داشته باشند تا مسیری را که خودم سالیان زیادی به هدف رسیدن به موفقیت طی کردم را دیگران با صرف زمان و هزینه کمتر به راحتی به آن دست یابند.

سمت:

- بنیانگذار و رئیس آکادمی معامله گری بورس جبل عاملی،

تخصص ها:

- مالی رفتاری (رفتارشناسی شخصیتی معامله گران در بازارهای مدرن / روانشناسی معامله گری)
- عصب شناسی معامله گری
- اقتصادرفتاری (رفتارشناسی شخصی و اجتماعی معامله گران در تصمیمات و اقدامات مالی مرتبط با بازار سرمایه)
- طراح مدل های مدیریت ریسک
- طراح ابزارهای معامله گری (ابزارهای دستیار معامله گر جهت استفاده سازمان ها و معامله گران)

فعالیت ها:

- همکاری آموزشی در سال ۹۵ با کارگزاری فارابی،
- همکاری آموزشی در سال ۹۵ با کارگزاری ایساتیس پویا،
- همکاری آموزشی در سال ۹۶ با موسسه آسا سرمایه،
- همکاری آموزشی در سال ۹۶ با مجتمع تخصصی بورس اصفهان،
- همکاری آموزشی در سال ۹۶ با مرکز آموزش علمی و کاربردی عتیق،
- همکاری آموزشی در سال ۹۷ با آموزین،
- همکاری آموزشی در سال ۹۷ با دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروز آباد،
- همکاری آموزشی در سال ۹۸ با سازمان مدیریت صنعتی،
- ایده پردازی و طراحی ابزار محاسبه عمق بازار به سفارش کارگزاران بازارهای معامله گری خارج از کشور،
- ایده پردازی و طراحی سامانه جعبه ابزار معامله گر،

- ایده پردازی و طراحی ربات مشاور هوشمند معامله گران (اولین و تنها ربات مشاور هوشمند در دنیا)،
- ایده پردازی و طراحی ماشین حسابهای دستیار معامله گر،
- بیش از ۱۲ سال معامله گری در انواع بازارهای سرمایه.

آکادمی جبل عاملی در یک نگاه:

- تنها مجموعه دارای سیستم مدیریت آموزش LMS^۱ مطابق با استانداردهای روز اروپا و آمریکا در میان فعالان این حوزه در تمام دنیا
- طراحی و ارائه کننده تنها ربات مشاور هوشمند معامله گری و مدل مدیریت ریسک هوشمند،
- آموزش و پرورش معامله گر بازار سرمایه مطابق با استانداردهای روز بین المللی با تکیه بر اقتصاد رفتاری برای اولین بار در ایران،
- بهره مندی از اقتصاد رفتاری، عصب شناسی و روان شناختی معامله گری در پرورش معامله گران رسمی و سازمانی همراه با طراحی، اجرا، آموزش و مشاوره پشتیبانی اتاق معاملات،
- ارائه دهنده بهترین و کاربردی ترین خدمات آموزشی در قالب پشتیبانی تخصصی ویژه معامله گران آکادمی (هفته ای ۵ روز، روزانه ۵ ساعت کار با مربی زیر نظر احمد رضا جبل عاملی)
- تنها مجموعه دارنده آزمایشگاه که شامل ابزارهای کاربردی برای معامله گران می باشد،
- تنها مجموعه دارای بیشترین سطح رضایت مندی و اعتبار در بین فعالان با سابقه بازار بورس.
- تالیف و نشر مقالات، ویدیوها، پادکست ها به صورت مدون در راستای حفظ سطح آگاهی معامله گران همگام با دانش سطح بین المللی

^۱ Learning Management System

راه های ارتباط با آکادمی:

آدرس وب سایت : www.priceactionteam.com

تماس با کارشناسان آکادمی: ۰۹۱۹۰۱۶۵۲۵۴ - ۰۹۱۹۷۰۶۰۸۴۷

راه ارتباطی مستقیم با احمدرضا جبل عاملی : [jabalameli@yahoo.com](mailto:jabalamelir@yahoo.com)

توصیه

متأسفانه اکثر معامله گران تصور می کنند که یکی از ویژگی های استراتژی معاملاتی سودده، پیچیده بودن است.

یعنی تصور می کنند که هر چه استفاده از یک استراتژی معاملاتی سخت تر و پیچیده تر باشد، آن روش موفق تر است. در صورتی که دقیقاً خلاف آن صادق است یعنی: «قدرت در سادگی است».

در معامله گری با استفاده از تحلیل سنتیمنتال از هیچ فرمول یا قاعده پیچیده ای استفاده نمی شود و حتی هیچ چیز عجیب و پر زرق و برق قرار نیست به شما آموزش داده شود. شما یاد خواهید گرفت که خیلی ساده و راحت با استفاده از چند اصل منطقی، واضح و شفاف اقتصاد رفتاری، رفتار معامله گران موثر حاضر در بازار را شناسایی و در جهت آنها حرکت کنید.

قبل از اینکه شروع کنید، همین حالا تمام آن چیزی که تا به حال یاد گرفتید اید را برای مدت ۶ ماه کنار بگذارید و تصمیم بگیرید که با تمرکز کامل این آموزش را فرابگیرید تا در نهایت شما هم بتوانید طعم خوش آزادی و استقلال مالی را تجربه کنید.

| معامله کنید، لذت ببرید، زندگی کنید! |

یک تجربه ناب و بی نظیر از طعم خوش استقلال و آزادی مالی

علی شجاعی فر (مدیر اجرایی آموزشی احمد رضا جبل عاملی)

پیام ویژه

همه ما صدها استراتژی و روش برای رسیدن به فرمول کسب درآمد پایدار در این بازار را تست کرده ایم. از دیرباز تاکنون یک قانون برای همه جوامع وجود داشته است و آن تلاش برای رسیدن به منافع شخصی است.

یک جامعه را انسانهایی که در آن زندگی می کنند می سازند. پس این خصوصیت برای همه ما وجود دارد.

اما در همین جوامع همیشه انسان هایی وجود دارند که تاریخ ساز می شوند.

از خصوصیات ویژه این افراد این است که با تمام وجود می بخشند و با تمام وجودشان عاشق کمک کردن هستند.

عاشق این هستند که بتوانند حتی به اندازه یک ارزن هم که شده، روی زندگی همنوعان خودشان تاثیر مثبت و سازنده ای بگذارند.

خیلی جالب است، این انسان ها یک خصوصیت خیلی باحال و لذت بخش دارند، اینکه وقتی در کنارشان قرار می گیرید بزرگ می شوید، رشد می کنید و به کمال می رسید.

یا اینکه وقتی برایشان کاری انجام دهید در مقابل، کار بزرگ تری را برای شما انجام می دهند و هیچ گاه تحت هیچ شرایطی لطف شما را فراموش نمی کنند.

حتی اگر آنها را ناراحت کنید، هزاران دلیل و توجیه برای خودشان می آورند که تقصیر را گردن شما نیندازند و خیلی زود هم فراموش می کنند که چرا از شما دلخور و ناراحت بودند.

کاش سیستمی وجود داشت که می توانست ما را در جهت رسیدن به این خصوصیات اخلاقی و زندگی کردن مانند این انسان ها راهنمایی کند و به ما آموزش دهد که چگونه می توانیم خود را تغییر دهیم.

اما هیچ سیستمی نیست.

این انسان ها بسیار کمیاب و نادر هستند. آنها در زندگی گهربار خود سختی ها و مشقت های فوق العاده زیادی را تحمل کرده اند تا به کمال و استقلال برسند و بعد از اینکه به این مرحله می رسند فوراً انگیزه آنان تغییر کرده و با تمام وجود خواهان این هستند که آنچه را که با زحمت و مشقت و در طول سالها به دست آورده اند در قالب زیباترین و ساده ترین کلمات به من و شما آموزش دهند تا مجبور نباشیم در مسیر زندگی خود اسیر آزمون و خطاهای بسیار خطرناک که در اکثر مواقع باعث نابودی اهداف و انگیزه ها می شوند، گرفتار شویم.

بیایید فکر کنیم.

علی شجاعی فر

(شاگرد و مدیر اجرایی آموزشی احمدرضا جبل عاملی)

مقدمه

خیلی ساده، با دو سوال شروع می کنیم:

سوال اول: چرا معامله گری در بورس یک شغل پرسود و پر درآمد است؟

سوال دوم: چرا آکادمی جبل عاملی بهترین مکان برای یادگیری این شغل است ؟

اجازه دهید تا با یک مثال ساده از **تعریف بورس** شروع کنیم.

احتمالا در هنگام مراجعه به فروشگاه محله تان، شما هم نوشته ی «جنس فروخته شده پس گرفته نمی شود» را دیده اید. همان طور که می دانیم منظور فروشنده این است که وقتی چیزی را خرید کردید، دیگر از شما پس گرفته نمی شود. بورس دقیقا نقطه مقابل این سیستم است.

یعنی هر زمان که بخواهید می توانید چیزی که خریده اید را دوباره پس داده و حتی از اختلاف قیمت پیش آمده سود کسب کنید و مادامی که مایل باشید در هر زمان که مناسب دانستید، می توانید بی نهایت بار این کار را تکرار کنید.

کار شما در بازار بورس خیلی ساده است. تشخیص دهید که قیمت می خواهد بالاتر برود یا پایین تر، همین !

چیزی که بورس را به یک شغل خاص و پردرآمد تبدیل کرده است برخی از مزایایی است که در ادامه به آنها اشاره می‌کنم:

- بدون محدودیت سنی و یا جنسی هر کس می‌تواند در این بازار فعالیت کند.
 - برای شروع و کسب درآمد از بورس، می‌توانید با سرمایه اولیه کم شروع کنید،
 - شما برای اشتغال محدود به زمان و یا مکان خاصی نیستید؛ در هر جایی که باشید می‌توانید تنها با استفاده از یک لپ‌تاپ و اشتراک اینترنت به بازار متصل و از آن کسب درآمد کنید،
 - برای فعالیت در بورس، نیازی به مدرک تحصیلی خاص، سابقه کار، مجوز، پروانه کسب و... ندارید و کاملاً به دور از روال اداری دست و پا گیر می‌توانید کار کنید.
 - از نظر جایگاه اجتماعی، فعالان و سرمایه‌گذاران بازار بورس افراد بسیار با اعتماد به نفس و خاص تلقی می‌شوند.
 - این امکان برای شما وجود دارد که به صورت کاملاً نامحدود درآمد خود را رشد دهید.
 - به راحتی با یک بار سرمایه‌گذاری در بورس می‌توانید در چندین صنعت مختلف به طور همزمان سرمایه‌گذاری کنید.
 - از طریق سرمایه‌گذاری در بورس ارزش سرمایه شما در برابر تورم و نوسانات نرخ ارز حفظ خواهد شد.
 - برترین و امن‌ترین مکان برای بازدهی سرمایه شناخته شده است.
 - و دهها مزیت دیگر که مشتاق هستم خودتان آنها را کشف کنید.
- اما تمامی این مزایا تنها برای کسانی است که به صورت اصولی و صحیح در این بازار فعالیت می‌کنند و می‌توانند:
- بازار مناسب برای فعالیت خود را به راحتی شناسایی کنند.
 - بهترین فرصت‌های معاملاتی را برای ورود به بازار پیدا کنند.

- نقطه بهینه ورود به معامله را طوری شناسایی کنند که کمترین خواب سرمایه را تجربه کنند.
- حداکثر سودی را که می توانند از بازار کسب و در بهترین سود ممکن از آن خارج شوند شناسایی کنند.
- با عمل به اصول و قواعد سیستم معاملاتی خود، کمترین ریسک ممکن را داشته و به معنای واقعی آنرا مدیریت کنند.
- اصول مدیریت سرمایه گذاری را با دقت رعایت کنند.
- کاملاً منظم تمامی رفتارهای معاملاتی خود را در ژورنال خود ثبت کنند.

و در کل دارای یک نقشه معاملاتی کامل باشند. نقشه یا پلن معاملاتی چیزی است که به شما در انتهای این کتاب پس از طی کردن پروسه آموزش داده می شود تا بتوانید به راحتی از تمامی اطلاعاتی که یاد می گیرید استفاده کنید.

پس تا اینجا متوجه شدید که چرا بورس بهترین مکان برای سرمایه گذاری و بهترین شغل با درآمد نامحدود است. اما یک سوال مهم:

آیا همه فعالان و سرمایه گذاران این بازار بزرگ و پرپتانسیل در حال سود کردن هستند؟ مسلماً جواب منفی است.

اگر کمی با دنیای معامله گری آشنا باشید، حتماً می دانید که تعداد بیشماری کتاب و آموزش های ویدیویی در زمینه نحوه معامله گری بورس و کسب درآمد از این سیستم تولید و منتشر شده اند.

هدف همه این آموزش ها ارائه برترین سیستم معاملاتی است که بتوان با آن بیشترین سود را کسب کرد.

اما آمارها نشان می دهند که این آموزش ها نتوانسته اند به هدف خود برسند و در حال حاضر بیش از ۸۰ درصد معاملاتی که در بازار توسط معامله گران انجام می شوند، برای آنها نتایج نامطلوبی را به همراه دارند.

اما علت اصلی اینکه چرا تنها ۲۰ درصد از فعالان بازار بورس در حال سود کردن و ۸۰ درصد مابقی در حال ضرر کردن هستند، چیزی نیست جز نحوه نگاه کردن آنها به بازار.

یعنی اینکه اصلی ترین و مهمترین چیزی که شما لازم دارید تا به تمامی مزایایی که در بالا به آنها اشاره کردم برسید این است که آموزش صحیح و درست را دریافت کنید.

شاید برایتان جالب باشد که بدانید، درصد چشمگیری از معامله گرانی که همین حالا در بازار در حال ضرر کردن هستند و تنها کاری که انجام می دهند این است که مدام حساب معاملاتی خودشان را شارژ می کنند، همین حالا دانش فنی و پتانسیلی که لازم دارند تا در بازار به سود مستمر و کافی برسند دسترسی دارند، اما نمی دانند که چنین چیزی در اختیار داشته و حتی چطور از آن استفاده کنند.

خیلی مهم است بدانید برخی از مزیت های اصلی سیستمی که من به شما آموزش می دهم به شرح زیر است:

- بی نیاز از هر نوع تحلیل تکنیکال یا فاندامنتال.
- بی نیاز از هر نوع اندیکاتور، اسیلاتور و یا اکسپرت.
- کارآمدی در هر بازار، هر تایم فریمی و هر شرایط اقتصادی.
- تحلیل سنتیمنتال نهایت سادگی، قدرت و سودهی.
- دارای بالاترین سطح رضایت مندی بین معامله گران و فعالان باسابقه بازار بورس.
- مدت زمان مورد نیاز برای تحلیل بازار انتخابی شما، بین ۳ الی ۱۰ ثانیه.

من در کنار شما هستم تا بتوانیم این دانش ارزشمند را به ساده ترین شکل ممکن به همراه بهترین و کاربردی ترین خدمات پشتیبانی آموزش در اختیار شما معامله گر عزیز قرار دهیم.

برای رسیدن به موفقیت چه اقداماتی را باید انجام دهید و ما چطور شما را پشتیبانی خواهیم کرد؟

پاسخ این سوال به شما کمک می کند تا یک چشم انداز از تمامی فرآیندی که برای تبدیل شدن به یک معامله گر حرفه ای و مهم تر از آن دستیابی به سود سرشار و مستمر لازم است انجام دهید، بدست آورید.

مسئله این چشم انداز اولین گام در مسیر دستیابی به اهداف است و در این بخش می توانید به یک اطمینان خاطر و تمرکز فکری بهتر برای دستیابی به چیزی که در جستجوی آن هستید، برسید.

اولین گام را با مطالعه این کتاب شروع می کنید. در این کتاب به شما تمامی آن چیزی را که برای استفاده از تحلیل سنتیمنتال با هدف تشخیص موقعیت های سودده بازار لازم دارید، آموزش خواهیم داد. در واقع شما به دید کلی و جامعی می رسید که نتیجه آن «ارتقا سطح فکری و درک تان از دنیای معامله گری بورس و اینکه چه قدر کسب درآمد از آن راحت است»، می باشد.

در گام بعدی لازم است تا با هدف رسیدن به جایگاه یک معامله گر حرفه ای در یکی از دوره های آموزشی آکادمی که فرقی نمی کند ویدیویی یا حضوری باشد، شرکت کنید و به صورت تخصصی روی جزئیات این سیستم تسلط کافی را کسب کنید. همان طور که واضح و مسلم است در هر کسب و کار و هر حرفه و تخصصی مانند پزشکی یا معماری و یا هر چیز دیگر، هیچ گاه نمی توانید با مطالعه یک کتاب به یک جراح و یا معمار خبره تبدیل شوید. چون فرآیند دستیابی به یک هنر و مهارت، لازمه اش انجام اقدامات عملی و جدی و گذراندن دوره های آموزشی به صورت تخصصی است.

این کتاب به شما کمک می کند تا به این درک برسید که هیچ سیستم و استراتژی بالاتر از این چیزی که در دستان شما قرار دارد، وجود ندارد و متوجه خواهید شد که بعد از مدت ها تلاش برای پیدا کردن یک استراتژی ساده، قدرتمند و سودده، حالا آن را پیدا کرده اید و دیگر نیازی به جستجو در بین هزاران اندیکاتور و یا روش های اختراعی افرادی که هنوز خودشان سودی از معامله گری نداشته اند، ندارید و دیگر هیچگاه در دام تبلیغات پر زرق و برق روش های ناکارآمد و یا منسوخ شده ده ها سال پیش قرار نخواهید گرفت.

هدف اصلی این کتاب این است که شما را در مسیر رسیدن به موفقیتی که می خواهید به تمام اهداف مالی تان برسید، قرار دهد و این کار از طریق یادگیری و چشم انداز تحلیل سنتیمنتال اتفاق می افتد؛ ولی ما برای اینکه بتوانیم به شما کمک کنیم تا به یک معامله گر متخصص و حرفه ای در این شغل تبدیل شوید، نیاز به راه ارتباطی فراتر از نوشتن با شما داریم. مسلماً عمق همه جزئیات و نکات را نمی توان در قالب نوشته منتقل کرد. پس گام نهایی شما شرکت در یکی از دوره های ویدیویی و یا حضوری آکادمی می باشد تا بتوانید به صورت عمیق و همه جانبه دوره آموزشی خود را کامل کنید.

پس از این شما وارد دنیای معامله گری و استفاده از تمام آن چیزی که یاد گرفته اید می شوید ولی ما شما را تنها نگذاشته و کنار تان همراهی تان خواهیم کرد تا به استقلال کامل در تصمیمات معاملاتی سودده و مستمر برسید که این کار از طریق پشتیبانی آموزش آکادمی که توسط مربیان پرورش یافته و تحت نظارت خودم با ارتباط زنده و لحظه ای به صورت روزانه و مدون هستند انجام می شود.

در واقع شما پس از یادگیری در بازار تنها نخواهید بود و می توانید تمام سوالات و ابهامات خود که در طول معامله گری برایتان ایجاد می شود را، در پنج روز هفته و هر روز پنج ساعت با ما مطرح کرده و به بهترین نحو ممکن یعنی ارتباط زنده ی تصویری پاسخ ها را دریافت کنید. در این صورت است که ما می توانیم از رسیدن شما به موفقیت مطمئن باشیم.

پشتیبانی تخصصی آکادمی جبل عاملی در محیطی که امکاناتی نظیر ارتباطات تصویری، صوتی، متنی و همچنین قابلیت اشتراک گذاری صفحه دسکتاپ و ... را دارد و افراد از سرتاسر دنیا می توانند در آن به صورت همزمان با هم ارتباط برقرار کنند انجام می شود. ما سیستمی طراحی کرده ایم تا تمامی نیازهای شما معامله گر عزیز را پوشش دهیم و بتوانیم با تمام قدرت تا لحظه رسیدن به موفقیت در کنار شما باشیم.

اما در کنار همه این ها در وب سایت آکادمی برای شما ابزاری قرار داده شده به نام «مشاور هوشمند». مشاور هوشمند از چندین الگوریتم که هسته اصلی آن بر پایه ۵ نکته

حیاتی می باشد، توسط اینجانب برای اولین بار در دنیای معامله گری بورس طراحی و با موفقیت به اجرا درآمد.

این ابزار ابتدا از شما اطلاعاتی دریافت می کند و سپس به شما مشاوره اختصاصی و فوق العاده موثر با راهکارهای عملی می دهد که به صورت رایگان و مادام العمر در هر زمانی که بخواهید، در دسترس شما قرار دارد.

همچنین بخش آزمایشگاه سایت ابزارهای متنوعی اعم از ماشین حساب های کنترل کیفیت معامله گری، ابزارهای مدیریت ریسک و ... قرار داده ایم تا توانسته باشیم سبد کاملی از تمامی آن چیزی که شما برای دست یابی به موفقیت در این شغل نیاز دارید را برایتان با افتخار فراهم آورده باشیم.

چقدر درآمد خواهید داشت؟

درآمد در بازار بورس کاملاً نامحدود است و هیچ سقفی نمی توان برای آن در نظر گرفت و یکی از دلایل آن این است که بازار بورس هر کشوری بالاترین حجم نقدینگی و گردش پول را نسبت به بازارهای سنتی به خود اختصاص داده و فعالان این بازار می توانند به هر میزان که بتوانند از پتانسیل نامحدود این بازار استفاده کنند.

اما کسب درآمد نامحدود از بورس نیازمند یک عامل و اصل بسیار مهم است.

آن عامل در واقع دانش و تمرینی است که شما باید داشته باشید و اینکه چقدر مهارت خود را در زمینه تشخیص به موقع و صحیح جهت آینده بازار ارتقا داده باشید. چون برای دستیابی به ثروت و درآمد نامحدود مانند هر شغل دیگری باید در زمینه معامله گری بازار بورس به یک متخصص تبدیل شوید.

یادگیری این روش چه مقدار طول خواهد کشید؟

پس از اتمام مطالعه این کتاب حداقل ۲ و حداکثر ۶ ماه زمان نیاز خواهید داشت تا به دانشی که در دوره ویدیویی یا حضوری دریافت کرده اید، مسلط شوید.

در چه بازارهای می توانید معامله کنید؟

اکنون لازم است بدانید تحلیل سنتیمنتال برگرفته از دانش اقتصاد نوین و به طور خاص برآمده از اصول و قواعد اقتصاد رفتاری و اقتصاد عصبی می باشد.

با توجه به اینکه اقتصاد رفتاری و اقتصاد عصبی در دانش اقتصاد نوین جایگاه عملی و والایی در شناسایی رفتار معامله گران موثر حاضر در بازارها دارند، آشکار است که تنها راه کشف تمایلات، تصمیمات و اقدامات دیگر معامله گران حاضر در بازار تحلیل سنتیمنتال است که می تواند به طور واقعی حقیقت روندهای قیمت را برای معامله گر مشخص کند. اینجاست که تحلیل سنتیمنتال هیچ محدودیتی برای استفاده در انواع بازارها و انواع نمادهای معاملاتی اعم از اوراق بهادار، آتی، کالا، انرژی، اختیار معامله، ارز، رمز ارزها و فلزات گرانبهای کشورهای مختلف ندارد و حتی با توجه به اینکه تحلیل سنتیمنتال زبان حرکات قیمت می باشد، می توانید در هر تایم فریمی موقعیت های سودده را شناسایی و بهترین مدیریت بر معامله را اجرا، تا از همه ظرفیت سوددهی معامله کمال استفاده را ببرید. البته در همین کتاب یاد خواهید گرفت که چگونه بهترین تایم فریم و نماد معاملاتی را شناسایی کنید.

فصل دوم

آموزش تحلیل سنتیمتال

دانش نوین معامله گری بازارهای سرمایه

«برگرفته از اقتصاد رفتاری و اقتصاد عصبی در دانش اقتصاد نوین»

انواع معامله گر و نقش و تاثیر آنها در بازار بورس

از این جا به بعد شما به صورت عملی وارد آموزش تحلیل سنتیمنتال می شوید. تمامی اطلاعاتی که از این جا تا انتهای کتاب دریافت می کنید همگی مهم و حیاتی هستند. پس هیچ مطلبی را نخوانده رد نکنید.

تمامی مطالب مانند حلقه های زنجیر به هم پیوسته هستند و نیاز هست که شما تک به تک آنها را یاد بگیرید.

شما در آینده نزدیک به یک معامله گر بازار بورس تبدیل خواهید شد، پس بیایید ببینیم که در این بازار چه نوع معامله گرانی حضور دارند؟ چه نقشی دارند و اقدامات آنها چه تاثیری در بازار خواهند گذاشت؟

سه دسته معامله گر در این بازار فعال هستند: سازمانی، حرفه ای و خرد.

معامله گران سازمانی در واقع وظیفه بازارگردانی و بازارسازی به هدف کمک به کشف بهتر قیمت در راستای برنامه های کلان مدیران مالی در سطوح بالا را دارند. دستوراتی که معامله گران سازمانی هر کشور دریافت می کنند در واقع به هدف رساندن نرخ برابری ارز و یا سهام شرکت های کشورشان به قیمتی معلوم و مشخص برای ساختن بهترین منافع مالی و اقتصادی است.

دسته دوم که معامله گران حرفه ای نام دارند اشخاصی با سرمایه های بسیار بزرگ هستند که یا این افراد خودشان معامله می کنند و یا در استخدام موسسات مالی قرار گرفته اند. حجم سرمایه های این نوع معامله گران فوق العاده زیاد است ولی تاثیر گذاری آنها هیچ وقت به اندازه معامله گران سازمانی نیست.

دسته سوم معامله گران خرد می باشند که در واقع ما و شما هستیم. به تمام معامله گرانی که برای خودشان معامله می کنند، حتی اگر سرمایه های زیاد هم داشته باشند، معامله

گر خُرد گفته می شود. سرمایه این ها به خودی خود هیچ تاثیر در بازار ندارد مگر در مواقع خاص که آن هم زمانی است که معامله گران حرفه ای و سازمانی در بازار حضور نداشته باشند.

به شما یاد می دهیم که خیلی ساده، شفاف و سریع بتوانید در هر زمان تشخیص دهید که حرکات جاری قیمت متاثر از معاملات معامله گران سازمانی است یا حرفه ای و یا خرد.

و همان طور که حتما تا الان متوجه شده اید هدف ما همراه شدن با معامله گران سازمانی و حرفه ای است. چون این بازار تماما برای ما نیست. اما خوشبختانه برای ما معامله گران خُرد شرایط و بستری ایجاد شده که بتوانیم در این بازار شرکت کنیم. پس باید با بزرگان بازار همراه شویم.

هدف تحلیل سنتیمنتال

هدف تحلیل سنتیمنتال شناسایی نوسانات آینده قیمت با توجه به رفتارهای معناداری است که در لحظه جاری بازار در حال رخ دادن می باشد.

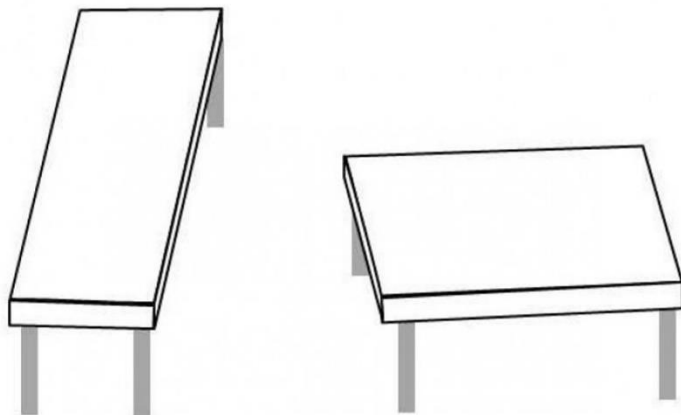
اصل مهمی که در تحلیل سنتیمنتال فوق العاده مهم است و حتی می توانید از آن در زندگی شخصی و روزمره خود نیز استفاده کنید، در ارتباط با واقعیت حقایق بازار است.

آن چیزی که شما می بینید همیشه الزاما خود واقعیت نیست؛ آن واقعیتی که می بینید و فکر می کنید صحیح است، خیلی راحت می تواند اشتباه باشد.

«به جهان حقیقی اطراف خود به طور واقعی بنگرید.» (ریچارد تیلر، برنده نوبل اقتصاد ۲۰۱۷)

خیلی ساده، به تصویر زیر به دقت توجه کنید:

Roger N. Shepard "Turning the tables" (1981)



نظرتان در مورد این تصویر چیست؟ آیا فکر می کنید که این دو میز با هم از نظر ابعاد طول و عرض متفاوت هستند؟

اگر این طور فکر می کنید، سخت در اشتباه هستید. همین حالا خط کش خود را بردارید و ابعاد طول و عرض این دو میز را با هم مقایسه کنید.

در کمال تعجب می بینید که هر دوی اینها یکسان هستند. آیا هنوز هم فکر می کنید هر آنچه که می بینید، حس می کنید و درک می کنید، در حقیقت واقعیت است؟

به عکس های زیر نگاه کنید:



در این دو تصویر چه می بینید؟ به نظر شما واقعیت حقیقی چیست؟

اگر هنوز هم در تصویر اول آهویی را می بینید که در وسط جاده ایستاده است و تصور شما این است که در جایی نامناسب قرار دارد، سخت در اشتباه هستید. چون این جاده است که از وسط جنگل رد شده است.

پس آن چیزی که شما می بینید و فکر می کنید درست است، در واقعیت می تواند اشتباه باشد.

به باورها و آن چیزهایی که در مورد بازار سرمایه پذیرفته اید با منطق های پولی فکر کنید؛ آیا هنوز هم بر این باورید که ابزارها و الگوها می توانند شما را در شناسایی موقعیت های سودده به طور مستمر و پایدار کمک کنند؟

می خواهم یک بار صادقانه جایگاه درآمدی و رضایت مالی و روانی انبوه معامله گرانی که از انواع روش های تحلیل تکنیکال و فاندامنتال استفاده می کنند را در ذهن خود مرور کنید؛ واقعا چند درصد از آنها به رضایت مالی و روانی که انتظارش را داشتند و برایش تلاش کردند، رسیده اند؟

بسیاری از فعالان بازار سرمایه به دنبال این هستند که به اندیکاتور، الگو و یا مدل تحلیلی خاصی که معامله گران حرفه ای و سازمانی در حال استفاده از آنها هستند، دست یابند تا بتوانند از دریچه نگاه این نوع معامله گران به بازار نگاه کرده و همزمان با آنها و همگام با معاملاتشان اقدام کرده و مانند آنها سود کنند. اما نمی دانند که در حقیقت واقعیت این است که این معامله گران کوچکترین ارزش و اهمیتی برای این نقاشی ها قائل نیستند و برای تحقق برنامه ها، اهداف کلان مالی ویا بهره مندی از فرصت های سودده تنها از دانش و تخصص خود استفاده می کنند.

اینجاست که تحلیل سنتیمنتال به لطف اصول و قواعد دانش اقتصاد رفتاری ضمن آشکار کردن ردپای معاملات معامله گران سازمانی و حرفه ای، ردپای معاملات انبوه معامله گران خرد را نیز روشن می کند.

مفهوم بازار کارا

تا اینجا یاد گرفته اید که در تحلیل ستنیمتال شما هیچ احتیاجی به انواع تحلیل تکنیکال و فاندمنتال و همه انواع روش های مالی کلاسیک مانند البوت، گن، ایچیموکو، الگوهای هارمونیک، کندل استیک و ... ندارید. چرا؟

چون تحلیل ستنیمتال، هنر بررسی سرنخ های ردپای معامله گران موثر حاضر در بازار است؛ منظور از ردپا، معاملات و پول های جاری معامله گران سازمانی، حرفه ای و انبوه معامله گران خرد است.

اما یک سوال مهم؛ چطور می شود که شما می توانید از طریق تحلیل ستنیمتال ردپای رفتار و پول های معامله گران حاضر در بازار را دنبال کنید؟

برای دریافت پاسخ این سوال لازم است تا با بازار کارا آشنا شوید.

به طور خیلی ساده، بازار کارا بازاری است که خصوصیات زیر را داشته باشد، که خوشبختانه در عصر جاری همه انواع بازارهای بورس داخلی و خارجی اعم از سهام، اوراق بهادار، انرژی، آتی، آپشن، ارزها و فلزات گرانبها بازار کارا می باشند:

- قابل دسترس بودن برای عموم
- هزینه ناچیز معاملات در برابر سود مورد انتظار
- گسترده و نقد شونده
- تاثیر واضح رخدادهای آمار و اطلاعات بر قیمت

البته بازار کارا شامل خصوصیات دیگری نیز هست که در اینجا با آنها کاری نداریم و می توانید از طریق مقالات و ویدیوهای ما اطلاعات مفیدی در موردشان حاصل کنید.

می توان این طور گفت که با توجه به سوددهی بالای بورس (چه داخلی چه خارجی) و در نتیجه افزایش محبوبیت در جوامع که منجر به هجوم سرمایه ها به آنها شده، رشد

چشمگیر نقدینگی بازارها و افزایش عمق معاملات اتفاق افتاده که بازارهای بورس به بازار کارا تبدیل شده اند.

یعنی بازارهایی که هیچ معامله گری قدرت ندارد تا به تنهایی بازار را تحت کنترل خود قرار دهد و تاثیر مهمی بر بازار بگذارد.

تمامی اینها به این معنی هستند که در بازار کارا قیمت خودش آینه ای از تمام اتفاقات پشت پرده خودش است که منجر به تغییراتش شده اند، پس وقتی ما روی قیمت برای شناسایی سرنخ ها کار می کنیم درواقع داریم تمام مواردی که روی قیمت تاثیر گذاشته اند را بدون اینکه درگیر پیچیدگی ها شویم مشاهده می کنیم؛ همین نکته ارزشمند است که باعث شده بین ۳ تا ۱۰ ثانیه بتوانیم به سادگی و با احتمال موفقیت بسیار بالا موقعیت های سودده در هر بازاری را از طریق تحلیل سنتیمنتال شناسایی کنیم.

پس شما اگر سرنخ های صحیح ردپای پول ها و رفتار معامله گران موثر حاضر در بازار را ببینید، عملا مثل این است که شما دارید نتایج و تاثیرات اخبار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، آمارها، اطلاعات و رخدادها را بدون هیچ پیچیدگی و صرف هزینه و زمان تجزیه و تحلیل می کنید و تمامی ارزیابی های لازم برای شناسایی موقعیت های سودده با احتمال بالا را انجام می دهید.

حالا سوال مهم و اساسی این است که با توجه به اینکه شما در بازار کارا معامله می کنید و بازار کارا هم این مزیت را دارد تا به شما ردپای پول ها و رفتارهای معامله گران موثر حاضر در بازار را نشان دهد، چطور می توانید این شناسایی را انجام دهید؟
پاسخ روشن است، با استفاده از تحلیل سنتیمنتال.

در واقع تحلیل سنتیمنتال روشی است که با استفاده از آن می توانید به راحتی و در کمترین زمان ممکن و بدون هیچ پیچیدگی ردپای پول ها و رفتارهای معامله گران موثر حاضر در بازار را شناسایی کنید.

مفهوم اصول اولیه بازار

اولین قدم برای تبدیل شدن به یک معامله گر حرفه ای چیست؟

شما که در حال مطالعه این کتاب هستید، یک تصمیم مهم برای آینده و زندگی خود گرفته اید و آن «رسیدن به ثروت و درآمد نامحدود از طریق معامله گری بازار بورس» است.

خب؛ این تصمیم خیلی بزرگ، هیجان انگیز و عالیست!

بنابراین بیایید با اولین قدم در رسیدن به این هدف آشنا شوید. شما اگر بخواهید به یک معامله گر واقعی و حرفه ای در بازار تبدیل شوید، مسلماً اولین گام تان آشنا شدن با بازار است. چون اول از هر چیز باید بدانید که جایی که قرار است از آن پول درآورید، چه خصوصیتی دارد.

یعنی اولین قدم برای تبدیل شدن به یک معامله گر حرفه ای این است که ابتدا بتوانید واقعیت های موجود در بازارهای بورس را درک کنید. یعنی دقیقاً بدانید که در این بازار چه چیزی توهم و خیال است و چه چیزی واقعیت.

شاید برای تان جالب باشد که بدانید، تقریباً ۹۰ درصد افرادی که در بازار ضرر می کنند و سرمایه های زیادی را از دست می دهند، یک نقطه اشتراک دارند و آن عدم داشتن اطلاعات کافی و صحیح در مورد ماهیت بازاری است که در آن کار می کنند؛ خیلی ساده می توانست این گونه نباشد.

برای اینکه بتوانید واقعیت های موجود در مورد ماهیت بازار را درک کنید لازم است تا به دو سوال مهم زیر پاسخ داده شود.

سوال اول: قیمت چیست؟

سوال دوم: قیمت چگونه حرکت (تغییر) می کند؟

پاسخ این ۲ سوال، ساده اما فوق العاده حیاتی و مهم است. چون درک پاسخ همین ۲ سوال به شما کمک می کند تا با یادگیری مطالب آینده، جلوی توهّمات ایجاد شده برای این بازار - که افراد سودجو با تبلیغات پرزرق و برق شان در قالب واقعیت به شما عرضه می کنند- را بگیرید.

قیمت چیست؟

و اما پاسخ سوال اول، اینکه **قیمت چیست؟**

زمانی که دو نفر (خریدار و فروشنده) با هم به توافق برسند و حاصل این توافق دو معامله خرید و فروش باشد، عددی که به عنوان مبلغ بر سر آن توافق کرده اند قیمت نام دارد. یعنی قیمت حاصل توافقی است که منجر به دو معامله شود، یک خرید و یک فروش.

به یاد داشته باشید که هر چند خریدار یا فروشنده ای بخواهد معامله ای با مبلغ مورد نظرش انجام شود ولی فروشنده یا خریداری موافق نباشد با آن مبلغ معامله کند، آن مبلغ قیمت نیست؛ قیمت واقعی آن است که عملاً باعث شود فروشنده بفروشد و خریدار بخرد.

یک مثال ساده، فرض کنید من به عنوان فروشنده، ملکی دارم و مایل هستم به مبلغ ۱۰ میلیارد آن را بفروشم. خریداری نیز هست که مایل است ملک من را به مبلغ ۵ میلیارد بخرد ولی نه من موافقم که ملک خود را ۵ میلیارد بفروشم و نه خریدار موافق است که ملک من را ۱۰ میلیارد بخرد. پس این دو مبلغ قیمت نیستند چون عملاً منجر به هیچ معامله ای نشده اند؛ اما زمانی که هم من به عنوان فروشنده و هم خریدار با هم مذاکره کنیم و توافق کنیم که ملک به مبلغ ۷ میلیارد معامله شود، آنگاه من ملک خود را به مبلغ ۷ میلیارد فروخته و خریدار به همین مبلغ خریده، پس عدد ۷ میلیارد مبلغی است که منجر به دو معامله خرید و فروش شده و این «قیمت» است. به همین سادگی.

چگونگی حرکت قیمت

حال پاسخ سوال دوم، **قیمت چگونه حرکت (تغییر) می کند؟**

برای پاسخ به این سوال نیاز است تا ابتدا من از شما یک سوال بیرسم؛ آیا تاکنون یک حراج را از نزدیک مشاهده کرده اید؟ آیا می دانید ساز و کار آن به چه شکل است؟



در تصویر بالا مشاهده می کنید که تعداد زیادی از افراد نشسته اند و در حال تماشای یک تابلو هستند و فردی در آنجا حضور دارد که می توان آن را مجری نامید.

این مجری قیمت پایه ای را برای این تابلو اعلام می کند و سپس به حضار می گوید که هر شخصی بالاترین قیمت را پیشنهاد دهد صاحب آن می شود.

حال فرض کنید قیمت پایه تابلو ۵۰ میلیون تومان است و هر یک از حاضرین برای اینکه مالک این تابلو شود، سعی می کند تا قیمت بالاتری را پیشنهاد دهد، چون بر این باور است که ارزش واقعی این تابلو خیلی بیشتر از ۵۰ میلیون تومان است.

اولین نفر شروع می‌کند به قیمت دادن و مثلاً اعلام می‌کند که ۵۵ میلیون، یعنی ۵ میلیون گرانتر از قیمت پایه، زیرا می‌داند که ارزش واقعی تابلو خیلی بیشتر از این بوده و در صورت مالک شدن این دارایی سودی چشمگیر خواهد کرد.

سپس مجری به حضار می‌گوید که فردی حاضر شده که با قیمت ۵۵ میلیون این تابلو را خریداری کند، آیا شخصی هست که قیمت بالاتری را پیشنهاد دهد؟

دومین نفر قیمت گرانتر را اعلام می‌کند، ۶۲ میلیون. این بار این فرد ۷ میلیون حاضر است گرانتر از نفر قبلی این تابلو را خریداری کند. آیا فکر می‌کنید این تصمیم او اشتباه است؟ ما در معامله گری کاری نداریم که دیگران چرا چه تصمیمی می‌گیرند و فقط این برای ما اهمیت دارد که این تصمیم و اقدام‌ها چه تاثیری بر حرکت قیمت دارد.

دقت کنید که نفر دوم نسبت به نفر اول ۷ میلیون گرانتر و نفر اول نسبت به قیمت پایه ۵ میلیون گرانتر حاضر به خرید شدند.

چرا نفر دوم تصمیم گرفت که با اختلاف قیمت بیشتری نسبت به اختلاف قیمت نفر اول خرید کند؟ خیلی ساده، چون این شخص نیز از ارزش واقعی تابلو آگاه است و مایل است قیمتی را پیشنهاد دهد که مطمئن باشد مالک این دارایی خودش می‌شود.

نفر سوم قیمت ۷۳ میلیون را پیشنهاد می‌کند؛ ۱۱ میلیون گرانتر از قیمت پیشنهادی قبل از خود.

نفر چهارم برای اینکه حراجی را ببرد قیمت ۹۰ میلیون را پیشنهاد می‌کند. یعنی ۱۷ میلیون گرانتر از قیمت پیشنهادی قبل از خود.

نفر پنجم بلافاصله با صدای بلند قیمت ۱۱۵ میلیون را اعلام می‌کند. یعنی ۲۵ میلیون گرانتر از قیمت پیشنهادی قبل از خود.

اگر همه این افراد حاضرند در قیمتی گرانتر (بدتر) از دیگران خرید کنند، فقط به این خاطر است که هنوز می دانند و بر این باورند که با قیمتی که خرید می کنند با توجه به ارزش خیلی بالاتری که تابلو دارد هنوز از این معامله سود چشمگیری خواهند داشت.

نفر ششم با هدف برد این بازی قیمت ۱۵۰ میلیون را اعلام می کند. یعنی ۳۵ میلیون گرانتر.

همیشه در هر حراجی حضار شرکت کننده دائماً متوجه موضوعی مشابه هستند و آن ارزش آن کالا است.

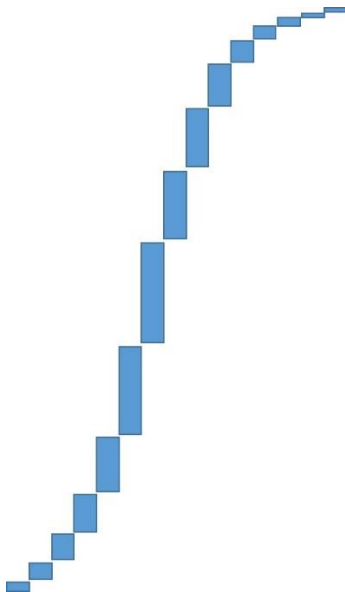
توجه داشته باشید، مادامی که ارزش واقعی کالا را نسبت به قیمت جاری بالاتر می دانند، حاضرند به خاطر اینکه مالک دارایی شده و از این معامله سود ببرند، با قیمت هایی با اختلاف بیشتر نسبت به قیمت پیشنهادی نفر قبلی معامله کنند. اما زمانی می رسد که به خودشان می گویند «درست است که این کالا ارزش بالایی دارد اما اکنون اینقدر آخرین قیمت پیشنهادی (قیمت جاری) گران شده که دیگر مالک بودن در چنین قیمت هایی آنچنان منفعتی نخواهد داشت»

در این لحظه اختلاف قیمت های پیشنهادی، نسبت به آخرین قیمت پیشنهاد شده شروع می کنند به افت کردن.

پس در ادامه حراجی نفر بعد قیمتی که اعلام می کند اختلافش با آخرین نفر ۲۰ میلیون است، یعنی ۱۵ میلیون کمتر از اختلاف آخرین پیشنهاد و عدد ۱۷۰ میلیون را پیشنهاد می دهد؛ به همین روال نیز نفر بعدی با اختلاف ۶ میلیون (۹ میلیون کمتر از پیشنهاد قبلی) عدد ۱۷۶ میلیون را اعلام می کند و همین طور این روال پیش خواهد رفت، چون بر خلاف شروع حراجی که معامله گران مشتاقانه برای مالک شدن سماجت می کردند اکنون آنچنان اشتیاق و سماجتی برای معامله ندارند چون سود کمتری برایشان ایجاد می کند.

تا جایی که دیگر کسی حاضر به خرید در قیمت های گرانتر نباشد و در نهایت یک نفر پایان این حراجی خواهد بود.

اگر دوست داشته باشید که شکل کندلی این حراجی را ببینید، به تصویر زیر دقت کنید:



همان طور که در تصویر مشاهده می کنید قیمت ابتدا با کندل های کوچک تر شروع به حرکت می کند و در میانه حرکت اندازه کندل ها بزرگتر شده و نهایتا در انتهای حرکت خود اندازه آنها رفته رفته مجددا کوچکتر شده است.

یادآور می شوم که تغییرات تمایلات، هیجانات، تصمیمات و اقدامات معامله گران که متأثر از تفاوت اشتیاق و سماجت شان در شرایط مختلف بوده منجر به چنین رفتاری در حرکت های قیمت می شود.

به تصویر زیر نگاه کنید:



از حالا به بعد شما با دیدن هر نمودار قیمتی (هر بازار و هر تایم فریمی) به راحتی می توانید درک کنید که در هر لحظه افراد حاضر در حراجی چگونه فکر می کردند؟ چه میزان هیجان داشتند؟ چه تصمیمی گرفتند؟ و چه اقدامی داشته اند؟

با درک همین قاعده ساده ولی مهم شما کم کم با شالوده و اساس تحلیل سنتیمتال آشنا و متوجه قدرت و سادگی این روش خواهید شد.

تئوری حراج همین مثالی بود که برای شما بیان شد و باید بدانید که در تمامی بازارهای مالی دنیا بدون استثنا تمامی حرکت های قیمت فقط بر اساس همین تئوری است.

همین حالا خودتان را از شر تمامی اندیکاتورها، الگوها و ابزارهای تحلیلی خلاص کنید و همه آنها را از صفحه نمودار خود پاک کنید. این تئوری را مجددا مطالعه و بعد به بازار بروید و به حرکات قیمت در نمودار خوب نگاه کنید. مطمئن باشید از اینکه نگاه شما به بازار تغییر کرده است کاملاً متعجب خواهید شد. این تازه اول راه است، با قواعد و اصول مالی بسیار ساده ولی قدرتمند که بر پایه اصول اقتصاد نوین می باشند در آینده ای نزدیک تفاوتی بزرگ در دیدگاه تان به معامله گری پیدا خواهید کرد.

پس یاد گرفتید که قیمت فقط بر اساس تئوری حراج حرکت می کند. فرض کنید شما خودرویی را با قیمت ۵۰۰ میلیون می خرید، سپس شخصی از شما همان خودرو را ۵۵۰ میلیون خریداری می کند؛ در این جا گفته می شود که قیمت این خودرو ثابت نمانده و حرکت کرده است.

در بازارها هم به همین شکل، وقتی خرید و فروش در قیمت های متفاوت انجام می شود، قیمت حرکت می کند.

خب؛ یک سوال: چه زمان قیمت صعودی و چه زمان قیمت نزولی حرکت می کند؟

تا زمانی که افرادی در بازار باشند که حاضرند در قیمت های بالاتر خرید خود را انجام دهند، قیمت به سمت صعود حرکت خواهد کرد و تا زمانی که افرادی در بازار باشند که حاضر باشند در قیمت های پایین تر فروش انجام دهند، قیمت به سمت نزول حرکت خواهد کرد.

پس متوجه شدید که وقتی در بازار یک روند صعودی و یا نزولی شکل می گیرد، پشت پرده آن چیست.

تا اینجا شما متوجه شده اید که قیمت چیست و چگونه حرکت می کند. اما حالا بریم سراغ معامله گران.

در ادامه با یکدیگر بررسی می کنیم که اقداماتی که معامله گران در بازار انجام می دهند چه مواردی هستند و در چه دسته بندی قرار می گیرند و هر کدام از این اقدامات چه تاثیری بر حرکت های قیمت دارند.

مبحثی که در ادامه یاد می گیرید به درک شما برای شناسایی موقعیت های معاملاتی سودده و بسیاری موارد دیگر فوق العاده کمک می کند.

انواع اقدامات معامله گران و تاثیر آنها بر قیمت

تاکنون متوجه شدید که در تمامی بازارهای مالی قیمت متاثر از معاملات معامله گران حاضر در بازار حرکت می کند.

به طور کلی فقط دو نوع اقدام معاملاتی در بازار وجود دارد:

۱. خرید

۲. فروش

اما خرید و فروش هر کدام به دو نحو متفاوت در بازار انجام می شوند و هر کدام نیز تاثیرات مختص خودشان را دارند که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

همانطور که می دانید بازارهای مالی دو نوع هستند، یک طرفه و دو طرفه. در بازارهای یک طرفه شما فقط می توانید از گران تر شدن قیمت سود کنید ولی در بازارهای دو طرف علاوه بر این می توانید، از ارزان تر شدن نیز سود کسب کنید.

زمانی که معامله گران با هدف کسب سود از گرانتر شدن قیمت در بازار معامله می کنند، گفته می شود که وارد معامله Long شده اند و زمانی که با هدف کسب سود از ارزان تر شدن قیمت در بازار معامله می کنند، معامله Short انجام داده اند.

در تمامی بازارهای مالی وقتی که می خواهیم معامله ای (Short/Long) را نقد کنیم، باید معامله معکوس آنرا انجام دهیم. یعنی زمانی که شما کالایی را امروز با هدف گرانتر شدن آن در آینده می خرید و بعد از چند روز وقتی که می خواهید نقد کنید (اصل پول و سود/ضرر خود را دریافت کنید)، می بایست معامله فروش انجام دهید. دقیقا مانند خرید طلا، خودرو و ...

حال باید این را بدانید که وقتی می خواهید معامله long خود را نقد کنید و فروش انجام می دهید، این فروش از نوع short نیست بلکه به این نوع فروش Sell to Cover گفته می شود. پس شما با هدف سود بردن از گرانتر شدن قیمت وارد Long می شوید

و وقتی که معامله خود را در بازار نقد می کنید در حقیقت معامله **Sell To Cover** انجام داده اید.

برای معاملات **Short** هم این موضوع صدق می کند. یعنی نقد کردن معامله **Short** با معامله خرید انجام می شود، اما این خرید از نوع **Long** نیست بلکه **Buy To cover** است.

پس در بازار، به فروشی که برای نقد کردن معامله **Long** با هدف بیرون آمدن از بازار انجام می پذیرد، **Sell To cover** گفته می شود و به خریدی که برای نقد کردن معامله **Short** با هدف بیرون آمدن از بازار انجام می پذیرد، **Buy to cover** گفته می شود.

تمامی این توضیحات داده شد، تا به این جا برسیم که بتوانیم درک کنیم اقدامات معامله گران، در بازار چه تاثیری بر روی حرکت قیمت در جهت صعود و یا نزول خواهند گذاشت. وقتی شما از این تاثیرات آگاه باشید می توانید سودهای فراوانی از این بازار کسب کنید. تصویر زیر به درک بهتر موضوع کمک می کند.



- معاملات Long مستقیما باعث صعود قیمت می شوند.
- معاملات Short مستقیما باعث نزول قیمت می شوند.
- معاملات Buy to cover باعث صعود قیمت خواهند شد، اگر با معاملات Long تجمیع شوند.
- معاملات Sell to Cover باعث نزول قیمت خواهند شد، اگر با معاملات Short تجمیع شوند.

نکته جالب را متوجه شدید؟ معاملات Long و Short خودشان به تنهایی بر روی حرکت قیمت تاثیر گذار هستند؛ دقیقا مطابق با انتظاری که در بازارهای سنتی برای تاثیر عرضه و تقاضا بر قیمت وجود دارد، همان که با تقاضای بیشتر قیمت صعود (گران تر) و با عرضه بیشتر قیمت نزول (ارزان تر) می کند. اما معاملات Buy to cover و Sell to Cover هرگز به تنهایی چنین تاثیری بر حرکت قیمت ندارند، هر چند که از جنس خرید و فروش هستند.

چرا؟ در تمامی بازارهای نوین فقط معاملاتی بر روی حرکت قیمتی تاثیر گذارند که معامله گران برای آنها هیجان و سماجت داشته اند تا بتوانند از طریق مالک شدن آن دارایی در زمان نقد کردنش سود کنند، در واقع حاضر بودند تا در رقابت با دیگران حتی در قیمت های بدتر معامله کنند (اگر نیاز هست بخش حراج را مجددا مطالعه کنید) و این در حالی هست که دیگر معامله گران آن بازار هم همچنان بر همین تلاش هستند؛ اما معاملاتی که برای نقد کردن دارایی صورت می گیرند چون معامله گران شان حاضر نیستند تا در قیمت های بدتر نقد کنند و بدون رقابت دیگر معامله گران حاضر در بازار این کار را می کنند پس منجر به پیشنهاد قیمت های بدتر نشده و در نتیجه به تنهایی منجر به حرکات قیمت نمی شوند، مگر آنکه در محدوده ای از قیمت که در آینده یاد خواهید گرفت با معاملات Long و Short تجمیع شوند.

حال خودتان قضاوت کنید که چه اشتباهی است که با تکیه بر دانش و باورهای بازارهای سنتی انتظار داشته باشیم در نوین ترین بازارهای دنیا که خصوصیات و قوانین خودشان

را دارند، سود سرشار و مستمر کسب کنیم. اگر اندک تجربه ای در بورس داشته باشید یا در گروه های اجتماعی عضو باشید دیده اید که چقدر بر روی عرضه و تقاضای سطوح ادعا می شود. اما منابع مطالعات این افراد برای چه زمانی و چه بازاری است؟ یکی از دلایل عدم شکوفایی جامعه معامله گران کشور همین است. بدتر اینکه سعی دارند با تبلیغات وسوسه انگیز و پرزرق و برق همین اطلاعات را برای بازارهای بین المللی از جمله مبادلات ارزی (جفت ارزها) به جامعه تشنه یادگیری تحمیل کنند؛ مدل عرضه و تقاضا در این بازارها به دلیل ماهیت قوانین سازوکار تسویه معاملات شبکه جهانی به گونه ای است که متأسفانه اصلاً مطابق با آنچه مدعیان آموزش می دهند نیست. تازه این بخشی کوچک است.

هرچند در دوره آموزش ویدیوئی تحلیل سنتیمنتال به طور کامل به این موضوع پرداخته ام اما آنچه در حوصله نگارش می گنجد بیش از این نیست.

انواع رفتار معاملاتی

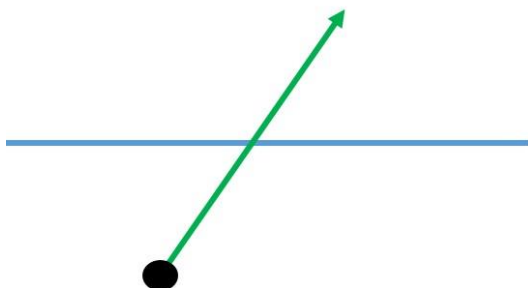
یک نکته فوق العاده! فرایند انجام معاملات در بازار به چه طریق است؟

در تمامی بازارهای مالی دنیا چه داخلی و چه خارجی، تمامی معاملات فقط با دستورات Limit فعال می شوند. دانستن این نکته فوق العاده بر درک شما از حرکات قیمت و همین طور تصمیمات معامله گری تاثیر دارد، و تا زمانی که درک واقعی و صحیحی نداشته باشید، کسب درآمد سرشار و مستمر از بازار یک توهم خواهد بود.

برای اینکه با دستورات Limit آشنا شوید ابتدا باید در مورد معاملات در انتظار بدانید؛ به ادامه دقت کنید.

فرض کنید که شما طبق تحلیلی که انجام داده اید، متوجه شدید که اگر قیمت گران تر از الان شود و به عدد مورد نظر شما برسد، بعد از آن نیز در همان جهت به حرکت خودش ادامه خواهد داد، ضمن اینکه احتمال می دهید در آن لحظه، در اتاق معاملات خود حضور

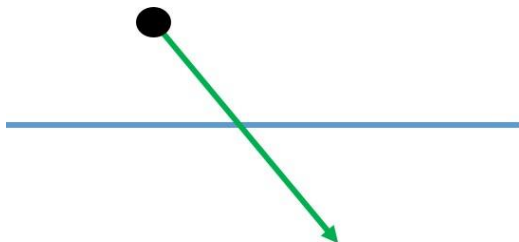
برای انجام این معامله نداشته باشید، اینجاست که می توانید از دستور معاملاتی **Buy Stop** استفاده کنید. به تصویر زیر دقت کنید:



اگر نقطه مشکی، قیمت جاری بازار باشد و شما طبق تحلیل تان به این نتیجه رسیده اید که قیمت اگر بالاتر رود و به خط آبی رنگ برسد بعد از آن نیز به جهت خود ادامه خواهد داد و گران تر خواهد شد و شما تصمیم دارید تا در این قیمت (خط آبی) وارد معامله **Long** شوید، همان طور که گفته شد دستور معامله **Buy Stop** را می توانید قرار دهید.

پس **Buy Stop** برای صعود قیمت است، یعنی وقتی که احتمال می دهیم قیمت اگر به عدد مورد نظر برسد، باز هم به گرانتر شدن ادامه می دهد.

حالا اگر در جهت نزول قیمت باشد چه دستوری را باید قرار دهید. خیلی ساده، **Sell Stop**. به تصویر زیر دقت کنید:

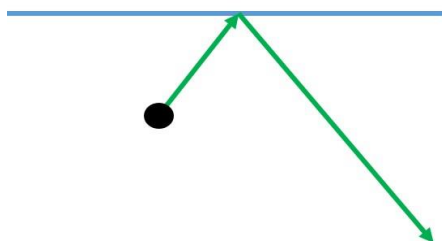


تحلیل سنتیمنتال ۶۰

اگر نقطه مشکی، قیمت جاری بازار باشد و شما طبق تحلیل تان به این نتیجه رسیده اید که قیمت اگر پایین تر رود و به خط آبی رنگ برسد بعد از آن نیز به جهت خود ادامه خواهد داد و ارزان تر خواهد شد و شما تصمیم دارید تا در این قیمت (خط آبی) وارد معامله Short شوید، دستور معامله **Sell Stop** را می توانید قرار دهید.

پس **Sell Stop** برای نزول قیمت است، یعنی وقتی که احتمال می دهیم قیمت اگر به عدد مورد نظر برسد، باز هم به ارزان تر شدن ادامه می دهد.

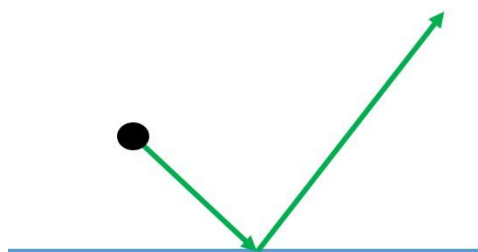
اما دو حالت بعدی برای زمانی است که تحلیل شما این است که اگر قیمت به عدد مورد نظر برسد، برگشت خواهد کرد. به عکس زیر دقت کنید:



اگر نقطه مشکی، قیمت جاری بازار باشد و شما طبق تحلیل تان به این نتیجه رسیده اید که قیمت اگر بالاتر رود و به خط آبی رنگ برسد بعد از آن دیگر به جهت خود ادامه نخواهد داد و ارزان تر خواهد شد و شما تصمیم دارید تا در این قیمت (خط آبی) وارد معامله Short شوید، دستور معامله **Sell limit** را می توانید قرار دهید.

پس **Sell limit** برای نزول قیمت است، یعنی وقتی که احتمال می دهیم قیمت اگر به عدد مورد نظر برسد، شروع به ارزان تر شدن خواهد کرد.

اکنون به تصویر زیر دقت کنید:



اگر نقطه مشکی، قیمت جاری بازار باشد و شما طبق تحلیل تان به این نتیجه رسیده اید که قیمت اگر پایین تر رود و به خط آبی رنگ برسد بعد از آن دیگر به جهت خود ادامه نخواهد داد و گران تر خواهد شد، و شما تصمیم دارید تا در این قیمت (خط آبی) وارد معامله Long شوید، دستور معامله Buy Limit را می توانید قرار دهید.

پس Buy Limit برای صعود قیمت است، یعنی وقتی که احتمال می دهیم قیمت اگر به عدد مورد نظر برسد، شروع به گران تر شدن خواهد کرد.

اما رسیدیم به اینجا که چرا گفتم در تمام بازارهای مالی دنیا، فرایند انجام معاملات به صورت Limit می باشد.

از آنجا که همه خریداران و فروشندگان حتی در مواقعی که حاضرند در قیمت های بدتر معامله کنند، باز هم در پی قیمت بهتری بین قیمت های بدتر هستند، روزی که قوانین بازار نوشته می شد مقرر گردید که همیشه برای رفاه و رضایت حداکثری معامله گران، معاملات فقط از طریق Limit انجام شوند.

وقتی روال بازار این است که تمامی خریده ها و فروش ها به صورت پیش فرض به ترتیب از قیمت های بهتر در صف انتظار قرار می گیرند، اگر سماجت و رقابتی برای مالک شدن در قیمت های بدتر وجود نداشته باشد قیمت حرکت نخواهد کرد، حال هرچه این سماجت و رقابت بیشتر یا کمتر باشد، حرکت و روند قیمت نیز قوی تر یا ضعیف تر خواهد بود.

شناسایی حرکت و روند قیمت

از این جا به بعد شما یاد خواهید گرفت که چطور تشخیص دهید در آینده قیمت به کدام سمت حرکت خواهد کرد.

همان طور که قبلا هم گفته شد، تحلیل سنتیمنتال به معنی رفتارشناسی معامله گران موثر حاضر در بازار است. یعنی کار شما به عنوان یک «سنتیمنتال کار» در بازار این است که با استفاده از آنچه که در حال بازار می بینید، تشخیص دهید که معامله گران سازمانی، حرفه ای و خرد

۱. کدام یک در بازار هستند؟
۲. با چه میزان نقدینگی هستند؟
۳. در کدام جهت هستند؟ خرید یا فروش
۴. و نکته طلایی: آیا اکنون که معامله گران سرنوشت ساز در بازار با نقدینگی بالا (کافی) مثلا در جهت خرید حضور دارند، تا چه زمان ورود من نیز صحیح است؟

یکی از مواردی که همیشه منجر به ضرر معامله گران می شود بیشتر به این صورت است که بعد از ورودشان در یک روند عالی و مطمئن، یا قیمت برگشته و در محدوده ضرر وارد می شود و یا دیگر پیشروی نخواهد داشت و درگیر معامله فرسایشی (خواب سرمایه بالا) می شوند، همین نکته طلایی آخر است.

یعنی از تشخیص روند مهم تر این است که شناسایی شود تا چه زمان روند ادامه خواهد داشت و آیا من در زمان مناسب در حال ورود هستم؟ یا ورود من ابزار خروج دیگران و نقد کردن سودهای شان خواهد بود؟

درست است که معامله گران بزرگ و یا زیادی با نقدینگی بالا مثلا در خرید هستند و قیمت دائما رکوردهای جدیدی در صعود ثبت می کند، اما واقعا تا چه زمان این شرایط ادامه خواهد داشت تا برای من نیز ارزش داشته باشد در این روند وارد معامله شوم.

در ابتدا لازم است تا شما یاد بگیرید که انواع حرکت قیمت در بازار به چه شکل است و به چند دسته تقسیم می شوند تا بتوانید دید خود را نسبت به بازار ارتقا دهید.

از این جا به بعد شما در حال دریافت اطلاعاتی هستید که می تواند آینده معامله گری تان را به طور کلی تغییر دهد. قوانین گفته شده در این کتاب را بی چون و چرا بپذیرید و خود را برای قرار گرفتن در مسیر موفقیت آماده کنید.

تمامی ذهنیت ها، نگرش ها و عقاید خود را در مورد بازار را برای مدت ۶ ماه کنار بگذارید و خود را غرق در انجام قوانین گفته شده در این کتاب کنید. مطمئن باشید در همان هفته اول، از نتایجی که به دست خواهید آورد شگفت زده خواهید شد.

پس با ذهنی خالی و بدون تعصب و با اعتماد به علم مربی خود با قدرت ادامه دهید.

تعریف روند

روند حالتی از رفتار قیمت در بازار است که مشخصا جهتی را ادامه می دهد و معامله گران باید در آن جهت به دنبال معامله باشند و از طریق سرنخ های ردپای پول های در گردش، بهترین تصمیم و اقدام را داشته باشند. سه مدل روند اصلی در بازار وجود دارد:

- ۱- روند صعودی
- ۲- روند نزولی
- ۳- روند رنج

به تصویر زیر دقت کنید:



در این تصویر شما شاهد یک روند نزولی هستید. و در تصویر بعدی شما می توانید نمونه ای از یک روند صعودی را ببینید:



00:30:32 138:27:31

یک نمونه از روند رنج را هم می توانید در تصویر زیر مشاهده کنید:



در این تصویر قیمت در نواحی که با رنگ آبی مشخص شده اند، به صورت رنج رفتار کرده است.

نحوه تشکیل روند

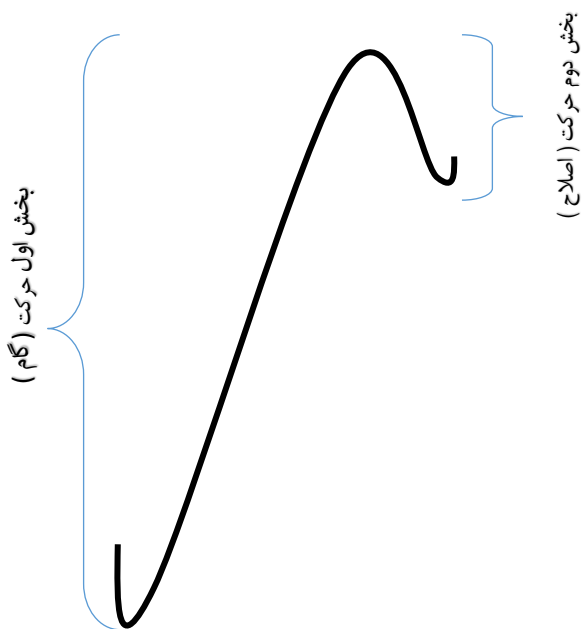
در دنیا هیچ چیز به خودی خود به یک باره و بدون مقدمه ایجاد نمی شود؛ بلکه هر چیزی یک ابتدا و مقدمه ای داشته که کم کم در مسیر تکامل پیش رفته و ایجاد می شود. یک درخت را تصور کنید، سرآغاز رشد آن بذری کوچک بوده که رفته رفته اجزای آن کامل شده و به درختی بزرگ تبدیل شده است.

بازار هم طبق همین قاعده پیش می رود و یک روند نیز خود به خود و بدون مقدمه ایجاد نمی شود؛ بلکه یک «آغازگر» دارد.

در بازار آغازگر هر روند، «حرکت» است. یعنی زمانی که در بازار یک روند شکل بگیرد، قبل از آن حتما یک «حرکت» شروع شده و یک «حرکت» نیز همین قانون را دارد، یعنی خود حرکت هم از دو بخش کوچکتر تشکیل می شود که شامل گام پر قدرت و اصلاح ضعیف می باشد.

به عنوان نمونه زمانی که یک روند صعودی می خواهد در بازار شروع شود، ابتدا نیاز به یک گام پر قدرت و اصلاح ضعیف در جهت صعود است. به ترکیب یک گام پر قدرت و اصلاح ضعیف، حرکت گفته می شود.

به این تصویر نگاه کنید:



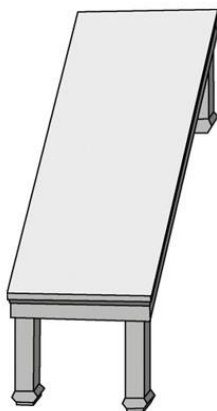
نکته مهم در اینجا این است که پس از مشاهده گام پر قدرت، حتما، تاکید می کنم حتما باید برای اصلاح ضعیف نیز صبر کرد. یکی از اشتباهات رایج بین معامله گران عجول بودن است. درست است که یکی از راه های تشخیص معامله گر ماهر و آگاه از مبتدی و ناآگاه، میزان تاییدیه هایی است که هر یک برای تصمیمات معامله گری شان می گیرند و هرچه تعداد تاییدیه ها کمتر باشد نشانه مهارت و دانش بیشتر معامله گر است، اما این به معنای عجله کردن نیست، بلکه به معنای سرنخ های کافی اما قدرتمند و معتبر است.

شپارد

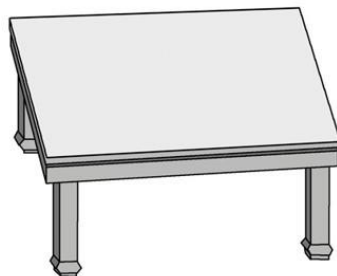
یک موضوع خیلی مهم را می‌خواهم برای تان بگویم که دانستن و عمل کردن به آن خیلی از خطاهای سوگیری انسانی را برطرف کرده و به تنهایی تاثیر چشمگیری بر برآیند معاملات خواهد داشت.

در این جا شما در بخش اول حرکت، یک گام پر قدرت را می‌بینید که در جهت صعود حرکت کرده و در بخش دوم حرکت، یک اصلاح ضعیف را شاهد هستید. مجموع این دو بخش یک حرکت نامیده می‌شود.

اما سوال اصلی اینجاست که چرا حتما باید یک حرکت شامل گام پر قدرت و اصلاح ضعیف باشد؟



Roger N. Shepard "Turning the Tables" (1981)



tengu studio
www.tengu-studio.com

مثال میز را یادتان هست؛ طبق نظریه شپارد و صحبتی که آقای ریچارد اچ تیلر کرده است می‌بایست «به مسائل مهم جهان واقعی فکر کرد».

پس ما اگر بخواهیم به این مساله با دیدی واقعی نگاه کنیم نمی‌توانیم تنها با دیدن یک گام پر قدرت نتیجه بگیریم که قیمت در حال ایجاد یک روند است.

پس آن چیزی که در وهله اول می بینید الزاما می تواند واقعیت نباشد. شما وقتی که گام پر قدرت را در بازار دیدید باید اصلاح ضعیف را هم بعد از آن ببینید تا بتوانید آنرا یک حرکت بنامید. به تصویر زیر توجه کنید:



آیا به نظر شما این یک حرکت نزولی، که نشان دهنده شروع یک روند نزولی باشد، است؟

لطفا به این سوال پاسخ دهید و سپس به تصویر بعدی نگاه کنید:



پاسخ شما چه بود؟ اگر به سوال قبلی پاسخ مشخصی دادید، شما اشتباه کردید. به این خاطر که در تصویر قبلی هنوز اصلاح ضعیفی مشاهده نشده بود و امکان تشخیص یک حرکت نزولی (گام پرقدرت + اصلاح ضعیف) وجود نداشت.

حالا به تصویر زیر نگاه کنید:

۷۰ # تحلیل سنتیمنتال



در این جا چطور؟ آیا این حرکت نشان دهنده شروع یک روند نزولی است؟
مسلما طبق مثال قبلی نباید تا زمانی که ضعف در این گام پر قدرت مشاهده نشده،
قضاوتی کنیم. حالا آینده این گام پر قدرت نزولی را در تصویر بعدی ببینید:



همانطور که مشاهده می کنید، در اینجا قیمت اصلاح ضعیفی را به ما نشان نداده و بعد از آن گام پرقدرتی در جهت صعود به همراه اصلاح ضعیف داشته است.

پس هرگز تا زمانی که به صورت کامل اجزای یک حرکت که شامل گام پرقدرت و اصلاح ضعیف است را در بازار مشاهده نکرده اید، آینده قیمت را پیش بینی نکنید.

نکته خیلی مهمی که در شناسایی یک گام پرقدرت و اصلاح ضعیف لازم است رعایت کنید، این است که اصلاح یک گام پرقدرت نباید بیش تر از ۵۰ درصد طول گام باشد. چرا؟ چون در این صورت اگر قدرت خریداران ۱۰۰ باشد، قدرت فروشندگان کمتر از ۵۰ است و وزن جریان پول های بازار بیشتر بر روی خرید باقی مانده است.

در این صورت اصلاح از نوع ایده آل است. پس هر کجا گفته شد اصلاح ایده آل، بدانید که منظور اصلاحی است که کمتر از ۵۰ درصد گام خودش را حرکت کرده است.

اما منطق اینکه باید گام پرقدرت و اصلاح ضعیف حتما در بازار شکل بگیرند، تا بتوانیم بگوییم یک حرکت برای شروع روند ایجاد شده، چیست؟

برهان خلف

یک معامله گر هرگز نمی تواند دست معامله گران بزرگ و سازمانی را بخواند. چون مبالغ هنگفت و مدت زمانی در حدود ۵ سال بر روی آنها هزینه صرف شده تا آموزش فوق تخصصی را با هدف تبدیل شدن به یک معامله گر سازمانی، بازار ساز یا بازارگردان ببینند تا در موسسات مالی مشغول به کار شوند. اینکه بتوانیم دست این معامله گران را بخوانیم توهمی بیشتر نیست. همان توهمی که در مورد تشخیص اندازه دو میز و یا مثال آهو در وسط جاده گفته شد.

پس چه کاری باید انجام داد؟

باید به دنبال معامله گران ناآگاه و در دام افتاده بگردیم. شناسایی اقدامات و واکنش های این نوع معامله گران در بازار به راحتی امکان پذیر است، ما این کار را به خاطر نظریه ای به نام نظریه «خلاف» انجام می دهیم.

در نظریه خلاف گفته می شود که اگر می خواهید در یک جامعه مشخص (مثلا جامعه معامله گران بازار بورس) برنده و موفق باشید، باید ببینید عوام چگونه رفتار می کنند و شما دقیقا برعکس آنها اقدام کنید.

همان طور که می دانیم حدود ۹۰ درصد از معاملات به دام می افتند و تنها ده درصد از آنها موفق می شوند.

با علم به این موضوع، وقتی ما معامله گران در دام افتاده، یعنی آن کسانی که دارند اصلاح ضعیف را می سازند، پیدا کنیم، آن وقت برای ما به صورت کاملا واضح و مشخص آشکار می شود که آن گام پر قدرت توسط معامله گران بزرگ -یعنی آن ۱۰ درصد معاملات موفق- ساخته شده است و ما باید دقیقا خلاف معامله گران در دام افتاده یعنی خلاف اصلاح ضعیف در بازار معامله کنیم تا هم جهت با گام پر قدرت در بازار پیش رویم.

پس به عنوان جمع بندی این مبحث فوق العاده مهم، لازم است یادآوری کنم، اگر ما در بازار به دنبال گام پر قدرت و اصلاح ضعیف هستیم، به این دلایل است که:

۱- نمی توان هرگز دست معامله گران بزرگ را خواند اما می توانیم دست معامله گران در دام افتاده را بخوانیم.

۲- بر اساس نظریه خلاف، چون این معامله گران در دام افتاده «عوام» هستند و ۹۰ درصد جامعه را تشکیل می دهند، پس ما اگر بر خلاف این دسته معامله گران عمل کنیم می توانیم در جهت معامله گران موفق باشیم.

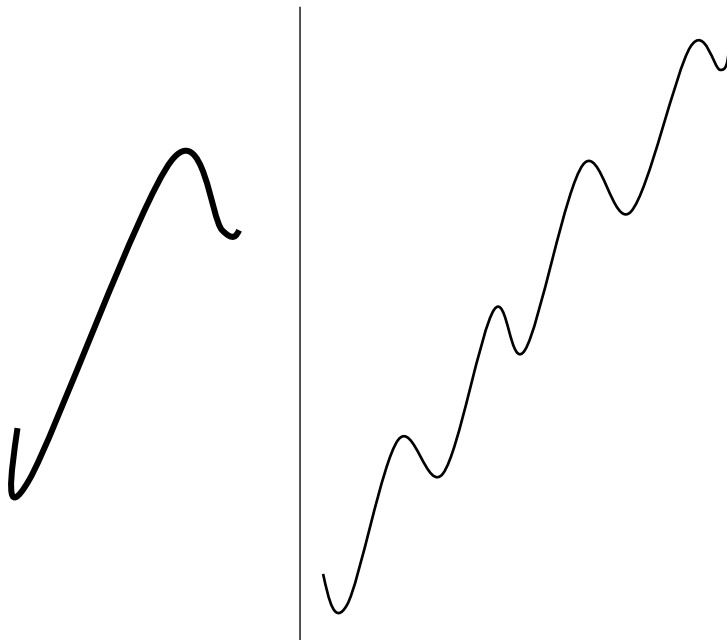
تا اینجا یاد گرفته اید که برای شناسایی یک روند باید به دنبال یک حرکت و برای شناسایی یک حرکت باید به دنبال گام پر قدرت و اصلاح ضعیف باشیم؛ و همین طور یاد

گرفتید دلیل اینکه گفته می شود باید به دنبال حرکت پر قدرت جهت شناسایی روند باشیم، چیست.

چگونگی ادامه روند

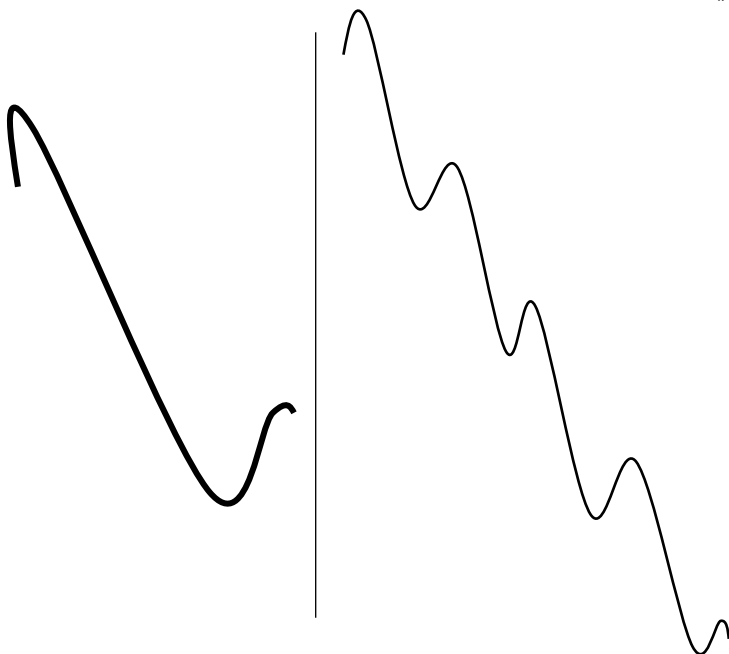
مادامی که چرخه گام پر قدرت صعودی و اصلاح ضعیف، یعنی حرکت صعودی تکرار می شود، روند صعودی ادامه دارد.

به تصویر زیر توجه کنید:



در سمت چپ یک گام پر قدرت صعودی و اصلاحی ضعیف را می توانید مشاهده کنید. تا زمانی که این حرکت در بازار تکرار می شود، روند در حال ادامه دادن است. یعنی تا زمانی که حرکت پر قدرت و اصلاح ضعیف در حال شکل گیری است روند ما ادامه دارد.

در جهت نزول هم دقیقا به همین روال است. یعنی برای اینکه یک روند نزولی شکل بگیرید شما نیاز به یک گام پر قدرت نزولی و اصلاحی ضعیف دارید. به این تصویر دقت کنید:



همانطور که گفته شد تا مادامی که این گام پر قدرت و اصلاح ضعیف در جهت نزول در حال تکرار شدن است، می‌گوییم روند ما ادامه دارد. پس نشانه ادامه یک روند چه در صعود و چه در نزول، تکرار گام پر قدرت و اصلاح ضعیف می‌باشد.

اما به نظر شما نشانه‌های پایان و تغییر یک روند صعودی یا نزولی چه هستند؟ چه زمانی می‌توانیم بگوییم که یک روند پایان و یا تغییر پیدا کرد؟

چگونگی پایان و یا تغییر روند

ابتدا بپردازیم به این موضوع که منظور از پایان و تغییر روند چیست و این دو چه فرقی با همدیگر دارند و بعد بپردازیم به نشانه های تشخیص.

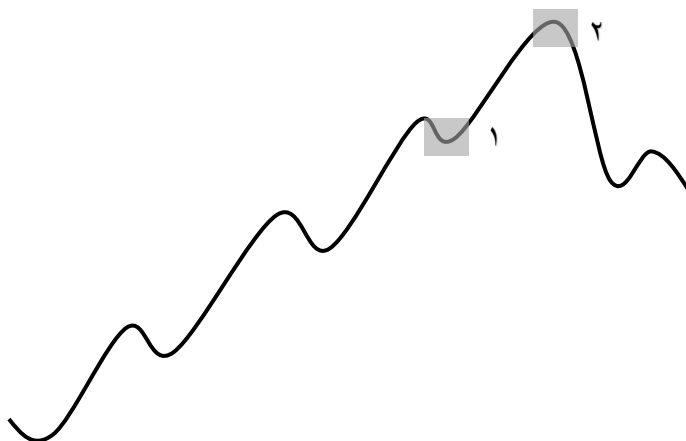
پایان روند با تغییر روند متفاوت است. به این خاطر که رفتار و رویکرد معامله گر در زمان پایان یک روند متفاوت با زمان تغییر یک روند است.

یک معامله گر مادامی که تفاوت این دو را نداند، نمی تواند بهترین رفتار و تصمیم ها را در ابتدا و انتهای یک روند داشته باشد. در ادامه به نحوه شناسایی پایان و تغییر روند می پردازیم.

پایان روند

هر گاه آخرین سوئینگ Low موثر (۱) که منجر به بالاترین و آخرین سوئینگ High موثر (۲) روند شده، به هر شکلی توسط قیمت شکسته شود، گفته می شود که این روند پایان پیدا کرده است و این پایان الزاما به معنای روند جدید نیست.

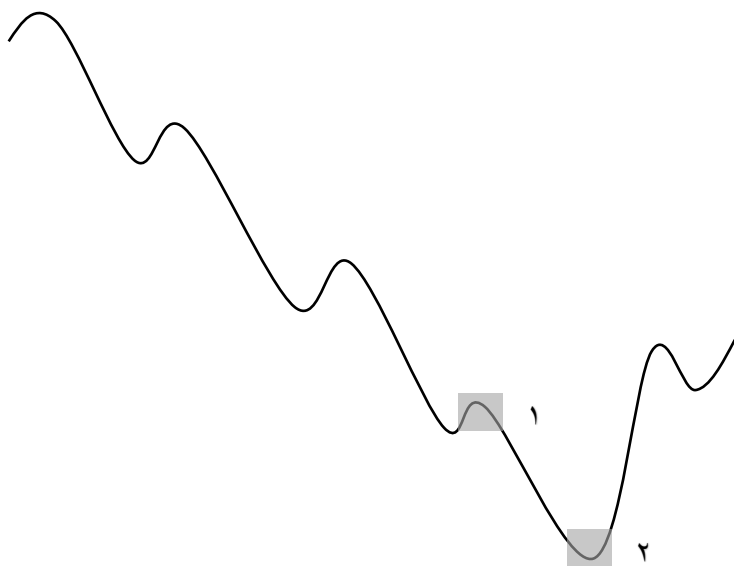
اینکه سوئینگ Low و سوئینگ High موثر چه هستند و چگونه شناسایی می شوند به زودی خواهیم گفت. به تصویر زیر نگاه کنید:



شما اینجا یک روند صعودی را می بینید که در آخرین حرکت خود سوئینگ Low موثری (ناحیه ۱) را در بازار تشکیل داده است که منجر به ایجاد بالاترین و آخرین سوئینگ high موثر (ناحیه ۲) شده است.

در رفتار بعدی، قیمت توانسته است آخرین سوئینگ Low موثر روند را بشکند. در این لحظه گفته می شود این روند پایان پیدا کرده و همان طور که گفته شد پایان روند الزما به معنای ایجاد روند جدید (مخالف) نیست.

در روند نزولی هم دقیقا به همین روال است. به تصویر زیر نگاه کنید:



هر گاه در یک روند نزولی آخرین سوئینگ high موثر (ناحیه ۱) که منجر به ایجاد آخرین و پایین ترین سوئینگ Low موثر (ناحیه ۲) شده است توسط قیمت شکسته شود، گفته می شود که روند نزولی پایان پیدا کرده است و این پایان الزاما به معنای ایجاد یک روند جدید (مخالف) نیست.

تا اینجا متوجه شدید که چگونه یک روند پایان پیدا می کند. حالا نوبت این رسیده که یاد بگیرید چگونه روند تغییر پیدا می کند.

منظور از تغییر روند، شروع یک روند جدید در جهت مخالف است که می تواند حتی قبل از پایان روند قبلی رخ دهد. یعنی جایی که هنوز بسیاری از معامله گران ناشی به دنبال معامله در جهت قبلی هستند و دائما پس از اینکه قیمت بعد از ورودشان تغییر مسیر می دهد دیگران را مقصر دانسته یا حتی خرافاتی در رزق و روزی خود خیال می کنند.

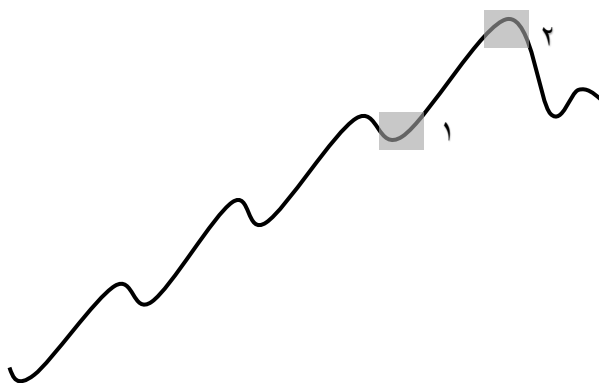
به عقیده افرادی که تحلیل تکنیکال کار می کنند، یکی از نشانه های شروع روند جدید این است که مثلا در کانال صعودی، ما ۲ یا ۳ برخورد را به کف کانال شاهد باشیم؛ یا ده ها معیار دیگر.

اما این کاملا اشتباه است. چون شما برای اینکه بفهمید یک روند تغییر و یا پایان پیدا کرده، تنها کافی است سرخ آن را در بازار شناسایی کنید و قبل از همه وارد معامله شوید و تا زمانی که یک تحلیل گر تکنیکال یا فاندامنتال متوجه ایجاد روند جدید شود شما از توسعه سود خود لذت ببرید.

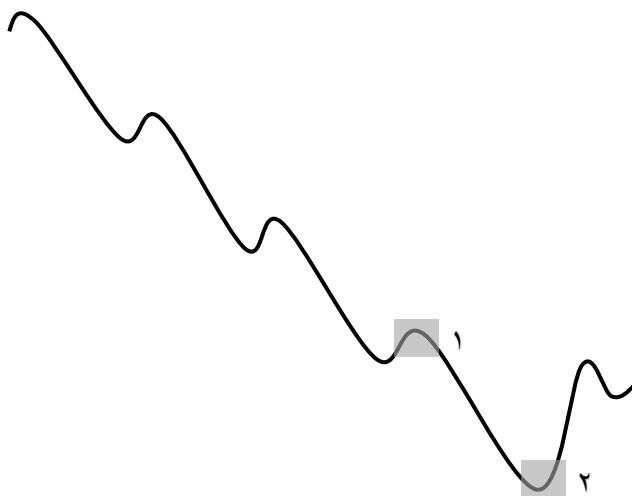
اما چگونه تغییر روند را تشخیص دهیم؟

تغییر روند

برای اینکه یک روند صعودی تغییر کند، تنها کافیت قیمت بین آخرین سوئینگ Low موثر (ناحیه ۱) و آخرین سوئینگ High موثر (ناحیه ۲)، یک گام پر قدرت و اصلاح ضعیف در جهت نزول انجام دهد. در این لحظه گفته می شود که روند تغییر پیدا کرده و شما می توانید با علم به این موضوع، از همان ابتدا وارد معامله Short شوید. البته برای یادگیری نقاط دقیق ورود و خروج معاملات تا پایان کتاب صبور باشید.

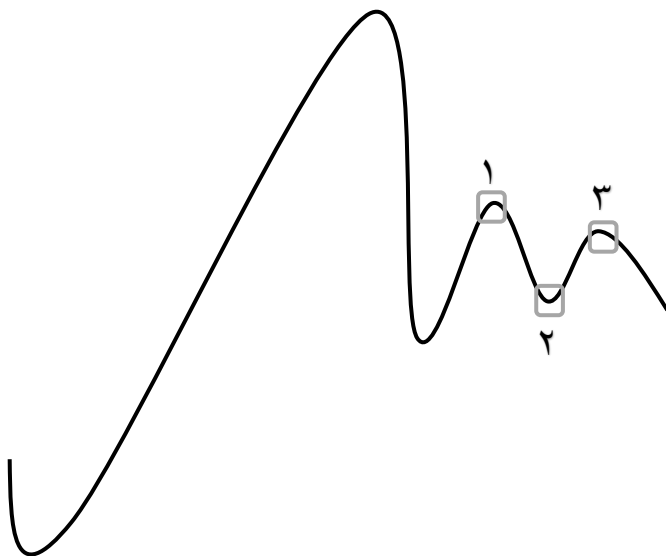


در جهت نزول هم دقیقاً به همین شکل است؛ برای اینکه یک روند نزولی تغییر کند، تنها کافیست قیمت بین آخرین سوئینگ Low موثر (ناحیه ۱) و آخرین سوئینگ High موثر (ناحیه ۲)، یک گام پر قدرت و اصلاح ضعیف در جهت صعود انجام دهد. در این لحظه گفته می شود که روند تغییر پیدا کرده و شما می توانید با علم به این موضوع، از همان ابتدا وارد معامله Long شوید.



نحوه تشکیل و پایان روند رنج:

هر گاه در یک روند، قیمت ما بین همان دو سوئینگ موثر آخر، ۳ سوئینگ تشکیل دهد، روند رنج ایجاد شده است. به تصویر زیر نگاه کنید:



اما روند رنج خود دارای دو حالت متفاوت به نام های Sideway و Choppy می باشد.

روند Sideway

Sideway به حالتی از رنج گفته می شود که قابل معامله است؛ یعنی معامله گران می توانند به هدف کسب سود، در کف ها بخرند و در سقف ها بفروشند و درآمد کسب کنند. به تصویر زیر نگاه کنید:



در تصویر همان طور که واضح مشهود است قیمت در یک بازه زمانی به صورت مستقیم و بدون جهت ادامه دار صعودی یا نزولی حرکت کرده است. در رنج **Sideway** شما می توانید در سقف ها بفروشید و در کف ها بخرید؛ به دلیل ظرافت شناسایی این موضوع، برای کسب اطلاعات گسترده تر و چرایی این موضوع، به توضیحات همین بخش در آموزش ویدیویی دقت کنید.

روند Chippy

اما در حالت رنج **Chippy** قیمت به صورت آشفته و درهم ریخته حرکت می کند و نمی توان رفتار قابل معامله ای را در آن مشاهده کرد. به تصویر زیر نگاه کنید:



همان طور که واضح است قیمت در نواحی مشخص شده به صورت کاملاً نامنظم و آشفته حرکت کرده که تحت هیچ شرایطی امکان معامله در آن با هدف کسب سود وجود ندارد و چون سقف و کف های با فاصله کافی در آن وجود ندارد لذا فرصتی برای معامله ایجاد نمی کند.

موضوع مهم در این بحث میزان حضور و نقدینگی معامله گران موثر و بزرگ در بازار رنج است. زمانی که بازار نقدینگی کافی نداشته باشد و معاملاتی با عمق بالا انجام نشوند، قیمت قدرتی برای حرکت ندارد و در نتیجه رنج **Choppy** اتفاق می افتد و یک معامله گر حرفه ای هرگز نباید در بازاری که پول و قدرتی در جریان نیست معامله کند.

تعریف واقعی معامله گری در جهت روند این است که باید به دنبال ردپای معامله گران بزرگ بازار بود تا بتوانیم پشت سر آنها سود کسب کنیم، پس هیچ دلیل و توجیهی ندارد تا در مواقعی که این دسته از معامله گران در بازار حضور ندارند ما بخواهیم حضور داشته باشیم.

در مورد رنج **Sideway** نقدینگی به اندازه کافی در بازار وجود دارد، اما عدد خاصی را برای رسیدن به ارزش برابری قیمت و در نتیجه صعود یا نزول در برنامه و دستور کار خود ندارند.

پایان روندهای رنج

اما پایان روندهای رنج **Choppy** و **Sideway** به این صورت است که باید گام پر قدرت و اصلاحی ضعیف به یک سمت ایجاد شود، تا روند رنج پایان پیدا کند. به تصویر زیر نگاه کنید:



در ناحیه مشخص شده می توانید گام پر قدرت و اصلاح ضعیف را مشاهده کنید که نشانه پایان روند رنج می باشد.

نحوه شناسایی و رسم چارچوب حرکتی قیمت

شما تا اینجا شناسایی سرخ هایی را آموختید که از طریق آنها می توانید اطلاعاتی را در لحظه داشته باشید که دیگران هنوز ندارند. پس حداقل یک گام از دیگران جلوتر هستید. یادتان باشد که در عصر حاضر ثروت برای کسانی است که اطلاعات زود هنگام تر و قوی تری نسبت به دیگران دارند، نه علم یا پول بیشتر.

اکنون در این قسمت به موضوع مهم و اساسی دیگر به نام چارچوب حرکتی قیمت می پردازیم.

چارچوب حرکتی قیمت، در واقع همان نقشه ای است که شما برای رفتن به مقصد خود در یک سفر استفاده می کنید. شما بعد از گذارندن این مبحث و یادگیری نحوه صحیح شناسایی چارچوب حرکتی می توانید به راحتی بفهمید که:

- همین حالا در کجای بازار قرار دارید؟
- چه کاری باید انجام دهید؟
- به دنبال چه معامله ای باید باشید؟
- مناسب ترین اقدام و تصمیم برای این لحظه چیست؟
- معاملات باز خود را چطور مدیریت کنید؟

اگر کمی در بازار سابقه فعالیت داشته باشید، درک خواهید کرد که پاسخ سوالات بالا به تنهایی از شما یک معامله گر حرفه ای می سازد.

خمیازه

یک نکته طلایی و ساده به نام «خمیازه»:

اگر احتمال می دهید این نکته را روزی فراموش کنید و یا آنرا جدی نگیرید، کلمه خمیازه را بزرگ روی یک برگه A۳ بنویسید و آنرا در اتاق معامله گری خود در جایی که همیشه هنگام معامله کردن جلوی چشمان تان باشد، نصب کنید.

رعایت نکردن نکته خمیازه، عامل درصد بسیار بالایی از ضرر و زیان های معامله گران در بازار است.

اما خمیازه چیست؟ پرسشی از شما دارم. اگر شما در وسط روز خمیازه بکشید، فوراً می خوابید. مثلاً فرض کنید که در اداره و یا محل کار خود هستید.

اگر در حالی که دارید کار می کنید خمیازه بکشید، بلافاصله می خوابید؟ خب مسلماً نه!

چرا؟ چون هر کدام از ما برای خوابیدن کارهایی را انجام می دهیم و اصول مشخصی را برای خود تعریف کرده ایم.

این اصول می تواند مانند موارد زیر باشد: بهتر است شب ساعت ۱۱ بخوابید، یا قبل از آن پیاده روی چند دقیقه ای انجام داده باشید، کتابی را مطالعه کرده باشید و یا برنامه

ریزی روز بعد خود را انجام داده باشید و موارد متعدد دیگر که هر کدام از ما انجام می دهیم تا بعد به تخت خواب خود برویم و بخوابیم.

پس ما در روال طبیعی زندگی خود، برای اقدام ساده ای مانند خوابیدن زمان و مکان و شرایط آن را می سنجیم و اصول مشخصی برای آن تعریف و اجرا می کنیم.

در دنیای معامله گری هم دقیقا به همین صورت است.

شما زمانی که نمودار خود را باز می کنید، نباید بلافاصله به دنبال بهانه ای برای ورود به معامله باشید. وارد شدن به معامله هم اصول و قواعد مشخص و منظمی دارد که وقتی آن را رعایت کنید نتیجه آن کسب سود سرشار و مستمر است.

شما وقتی می خواهید وارد معامله شوید باید بررسی کنید که آیا در حال حاضر قیمت در مکان و زمان و شرایط مناسبی قرار دارد یا خیر؟

شما برای اینکه بتوانید این موارد را بررسی کنید نیاز است بدانید چطور می توانید چارچوب حرکتی قیمت را شناسایی کنید.

بسیار مهم و ضروری است که ابتدا بسنجیم در حال حاضر در کجای بازار قرار داریم؟ آیا الان که می خواهیم معامله کنیم، قیمت در جایی قرار دارد که اصلا مجاز به جستجوی معامله ای باشیم یا نه؟ اصلا نقدینگی کافی در بازار وجود دارد یا ندارد؟ یا اینکه بزرگان بازار حضور دارند یا ندارند؟

پس از پاسخ گویی به این موارد، در مرحله بعدی به دنبال این هستیم که بسنجیم آیا باید به فکر معامله **فروش** باشیم یا **خرید**؟

ما هرگز نباید به دنبال معامله خریدی باشیم که قیمت در متن بازار نزدیک سطح تنش است - هرچند اندیکاتور، اسیلاتور و یا تحلیل تکنیکالی موقعیت خریدی که خوب جلوه می کند را در بازار هشدار دهند که به نظرم می تواند سودده باشد.

زیرا در نزدیکی سطح تنش، به اندازه کافی به دلیل قرار گرفتن دستورات معاملاتی انبوه و تجمع آنها در محدوده، این پتانسیل وجود دارد تا تغییری بر خلاف انتظارات و منافع ما بر قیمت ایجاد کند و ما متضرر شویم. پس ما باید بدانیم جایی که همین حالا می‌خواهیم معامله کنیم آیا مناسب برای خرید یا فروش هست یا خیر؟

مورد بعدی اینکه اگر ما موقعیتی را شناسایی کردیم و وارد معامله شدیم، حد ضرر معامله را در کجا باید قرار دهیم؟ یا برای سود تا کجا انتظار داشته باشیم؟

زمانی که می‌دانیم از محلی که وارد معامله شدیم تا اولین مانعی که به طور واقعی پتانسیل کافی دارد تا بتواند به طور جدی تغییر در وزن جریان سفارشات بر خلاف منافع و انتظارات ما ایجاد کند فاصله زیادی است، دلیل ندارد که حد سودی کوچک تر در بازار قرار دهیم. حتی اگر فلان درصد فیبوناچی باشد یا حتی اگر فلان الگو خاص در تحلیل فنی مشاهده شده باشد.

دلیل اینکه خیلی مواقع می‌بینیم که حد سود معامله گران فعال می‌شود و چند لحظه خوشحال هستند و حتی به خودشان می‌بالند ولی در روزهای آینده افسوس و حسرت این را می‌خورند که چرا از معامله خارج شدند و حد سود را در جای بهتری قرار نداده بودند، همین مورد است.

این معامله گران مدام به دنبال پاسخ این سوال هستند که چرا از بازار خارج شدند و چطور می‌توانستند تشخیص دهند که قیمت خیلی بیشتر از حد انتظار آنها حرکت می‌کرده تا بتوانند در نقطه ای مناسب حد سود خود را قرار دهند.

پس با توجه به توضیحاتی که داده شد، خیلی مهم است که شما یاد بگیرید موقعیت فعلی خود را در بازار شناسایی کنید تا بتوانید با توجه به آن تصمیم متناسب با خودش را چه برای ورود و چه برای خروج بگیرید.

اما برای رسم چارچوب حرکتی قیمت شما ابتدا باید با اصطلاح و تعریفی آشنا شوید به نام سوئینگ موثر.

سوئینگ موثر

به هر چرخشی که در بازار شکل گرفته باشد، سوئینگ گفته می شود و به هر سوئینگی که بعد از آن قیمت حرکت قابل قبولی کرده باشد، سوئینگ موثر گفته می شود. به تصویر زیر نگاه کنید. چند نمونه سوئینگ موثر و غیر موثر برای شما نشان داده شده است.



مستطیل های قرمز رنگ نشان دهنده سوئینگ غیر موثر و مستطیل های سبز رنگ نشان دهنده سوئینگ های موثر هستند.

اگر دقت کنید بعد از سوئینگ های موثر قیمت حرکت خوبی را داشته و این نشان دهنده وجود جریان پول و نقدینگی بالا در بازار و همین طور اهمیت آن چرخش است ولی بعد از سوئینگ های غیر موثر، قیمت حرکت چشمگیر و واضحی نداشته که این نشان دهنده عدم وجود نقدینگی کافی در بازار است و همچنین معامله گران بزرگ در آن حضور ندارند.

هدف ما از شناسایی سوئینگ موثر دنبال کردن رد پای پول های بزرگ است تا بتوانیم در عمل و به معنای واقعی در جهت روند معامله کنیم.

حتما شنیده اید که گفته می شود بهترین دوست معامله گر روند است. مهم است بدانید که این شعار زمانی محقق می شود که بر اساس صحبت ریچارد اچ تیلر به طور واقعی به مسائل مهم پیرامون خود نگاه کنید. یعنی اینکه فقط به دنبال ردپای پول های معامله گران بزرگ باشید نه به دنبال سیگنال های الگو ها و یا چند اندیکاتور سرگرم کننده.

تا اینجا یاد گرفتید که سوئینگ موثر چیست و چگونه شناسایی می شود. اما برای رسم چارچوب حرکتی قیمت شما نیاز دارید تا بتوانید سطوح کلیدی را نیز شناسایی کنید.

یادآور می شوم که برای تسلط و مهارت بیشتر بر تمرین و شناسایی مباحث آموزش ها می توانید از سامانه پشتیبانی تخصصی که پنج روز در هفته و روزی ۵ ساعت به صورت زنده (صوتی-تصویری-نوشتاری) می باشد بهره مند شوید.

سطوح کلیدی

سطوح کلیدی قیمت همان سوئینگ هایی هستند که پتانسیل این را دارند تا قیمت به طور جدی به آنها واکنش نشان داده و مسیر خود را در متن بازار به صورت اساسی تغییر دهد. به خط سبز زیر نگاه کنید:



همان طور که در تصویر می بینید، سوئینگ موثری در بازار تشکیل شده که بعد از آن قیمت به طور جدی در جهت صعود تغییر حرکت داده است.

وقتی قیمت در نقطه ای خاص در بازار برگشت داده می شود و سوئینگ موثر شکل می گیرد، نشان دهنده این است که این نقطه به هر دلیلی که ما نمی دانیم و نیازی هم به دانستن آن نداریم برای معامله گران بزرگ و سازمانی مهم است. اما استفاده از کلمه نقطه اشتباه است و باید بگوییم محدوده.

وقتی که معامله گران تصمیم می گیرند که در جهت مخالف بازار سرمایه گذاری کنند و یا معاملات خود را در نقطه ای خاص نقد کنند که باعث ایجاد معاملات در خلاف جهت حرکت قیمت می شود، همه آنها به یک باره در یک قیمت یکسان این کار را انجام نمی دهند و در یک نقطه قیمت برگشت داده نمی شود. بلکه این اتفاق در یک محدوده انجام می پذیرد.

اگر فرض کنیم یک پیر فرزانه در بازار وجود داشته باشد که وقتی اعلام می کند مثلاً در قیمتی خاص همه وارد معامله Long شوند، باز هم این امکان وجود ندارد که همه معامله گران دقیقاً در همان قیمت اعلام شده این کار را انجام دهند و علت آن هم دلایل مختلفی مثل تفاوت در رفتارهای معامله گران است. برخی از آنها ریسک پذیرتر و برخی ریسک گریزتر هستند و هر کدام نیز رفتارهای مخصوص به خود را دارند یا عواملی مثل اینترنت، برق و... باعث می شود که همه معامله گران نتوانند دقیقاً در قیمت اعلام شده وارد معامله شوند و این اتفاق در محدوده آن قیمت اعلام شده خواهد افتاد.

در نتیجه ما سطوح کلیدی را به شکل یک محدوده رسم می کنیم نه یک خط افقی.

یک نمونه سطح کلیدی موثر دیگر را در تصویر زیر ببینید:



برای رسم این سطوح تنها نکته ای که باید رعایت کنید این است که باید از سوئینگ های موثر استفاده کنید و محدوده ای که برای نشان دادن رسم می کنید باید در برگرنده بیشترین هم پوشانی قیمت در انتهای سوئینگ باشد.

لازم نیست که هیچ گونه وسواس و حساسیتی برای رسم این محدوده ها به خرج دهید. فقط کافیست که محدوده ای به عنوان نشانه در بازار رسم شود که نشان دهنده این است که قیمت در این سطح با توجه به عللی که گفته شد، با احتمال بالا واکنش جدی را نشان دهد.

خب؛ حالا می رسمیم به چارچوب حرکتی قیمت.

اما یک چیز را به خاطر داشته باشید، هر کجای کتاب صحبت از رسم می شود به این معنا نیست که شما بایست همیشه روی نمودار خود چیزهایی رسم کنید، بلکه فقط هدف این است که بتوان منظور و هدف موضوع را بیان کرد و شما عزیزان تنها در دوره تمرین اینها را رسم خواهید کرد، پس از پایان دوره تمرین، به صورت ناخودآگاه این قدر سریع تصمیمات خود را می گیرید که اصلاً نه نیاز و نه فرصت نقاشی کردن روی نمودار را ندارید. 😊

اغلب قیمت بین دو سوئینگ موثر حرکت می کند که یکی از آنها در پایین و دیگری در بالای قیمت است. شما برای رسم چارچوب حرکتی قیمت کافیت که سطوح کلیدی این دو سوئینگ را رسم کنید و هر گاه قیمت از هر کدام از این دو سوئینگ عبور کرد، مجدداً سطوح کلیدی جدید را در نظر بگیرید.

به تصویر زیر دقت کنید:



قیمت بین این دو سطح کلیدی که در تصویر رسم شده است قرار دارد. سطوح کلیدی فراوانی در همین تصویر موجود است اما ما هرگز آنها را در نظر نمی گیریم. چون قیمت فعلاً در این نقطه قرار دارد. تاثیر «تروکسلر» عامل بسیاری از ضررهای معامله گران است؛ یک عامل روانشناختی در مالی رفتاری که تا کنون در هیچ یک از کتب ترجمه شده به اصطلاح روانشناسی معامله گری وجود ندارد. اطلاعات جامع در این خصوص را می توانید یا در کتاب مالی رفتاری من یا پکیج ویدیویی دریافت کنید.

رسم همین دو سطح کلیدی موثر می تواند به شما اطلاعات ارزشمندی ارائه دهد و باعث شود تا خیلی از معاملات اشتباهی که قبلاً با اطمینان انجام می دادید، فیلتر شوند.

چارچوب حرکتی قیمت به شما نشان می دهد که همین حالا در کجای بازار قرار دارید و دقیقا چه اقداماتی را باید الان انجام دهید تا بیشترین سود و یا کمترین ضرر را متحمل شوید و یا اگر هنوز وارد معامله نشده اید، به شما نشان می دهد که باید وارد چه معامله ای شوید و چطور معاملات خود را مدیریت کنید.

جالب است بدانید که اطلاعات ارزشمندی که چارچوب حرکتی قیمت به معامله گر می دهد، در یک مورد مربوط به تصمیم خریدار یا فروشنده بودن در آن محدوده جاری قیمت است، که چون نسبت به دیگران اطلاعات زودتری از سرنخ ها دریافت می کنید، در اغلب موارد جایی که دیگران به دنبال فروش هستند شما به دنبال خرید خواهید بود و یا بر عکس و مثل آنها از تغییر جهت قیمت پس از ورودتان به معامله متضرر و ناراحت نخواهید شد بلکه تغییر جهت قیمت آن چیزی بوده که در گذشته خیلی نزدیک اصلا به ذهن شان هم خطور نمی کرده ولی شما آمادگی کامل برای بهره گیری از آن داشتید.

در این کتاب هر چقدر که جلوتر روید، سادگی و قدرت تحلیل سنتیمنتال را بیشتر درک می کنید و می توانید حس آرامش خاطر در هنگام معامله کردن در کنار کسب بیشترین سود در بازار و کمترین ضرر را تجربه کنید.

سطوح طلایی

یک نوع دیگر از سطوح کلیدی در بازار وجود دارد که فوق العاده باعث می شود تا معاملات شما با درصد بالاتری وارد سود شوند و آن سطوح طلایی هستند. به تصویر زیر دقت کنید:



قیمت را در ناحیه ۱ در نظر بگیرید، قیمت در اینجا یک سوئینگ موثر تشکیل داده که بعد از آن صعود چشمگیری داشته است، اگر در اینجا محدوده زرد رنگ را سطح کلیدی این سوئینگ در نظر بگیرم می توانیم در ادامه ببینیم که قیمت بعد از اینکه ریزش کرده، این سطح را در ناحیه ۲ شکسته و سپس با توجه به گام پر قدرت نزولی که پشت سر گذاشته، اصلاحی را به همین سطح انجام داده است.

در این جا اصطلاحاً گفته می شود که یک تغییر فاز انجام شده و ما این سطح را سطح طلایی می نامیم.

اعتبار سطوح طلایی فوق العاده بالاتر از دیگر سطوح است و در آینده یاد خواهید گرفت که چطور از این سطوح برای ورود به بازار و کسب درآمد استفاده کنید.

در ادامه یک نمونه دیگر را می توانید ببیند:



در این تصویر نیز می توانید به طور کاملاً واضح واکنش قیمت بعد از شکست سطح و بعد از آن واکنش معنادار به همان سطح را مشاهده کنید.

خیلی مهم است بدانید سطح طلایی محدوده ای است که گاهی اوقات معامله گران سازمانی برای دستیابی به ورودهای با میانگین بهتر و جمع کردن حجم معاملات بیشتر برای خودشان از آن استفاده می کنند.

آنها می دانند خیلی از معامله گران توانسته اند سطح تنش جاری را شناسایی کرده و تصمیم به انجام معامله در آن محدوده را دارند؛ پس معامله گران سازمانی شرایطی را برای دیگر معامله گران ایجاد می کنند تا ترغیب به انجام معامله در جهت مورد نظرشان شوند و از این طریق معاملات خودشان را با ورود بهتر انجام می دهند و هم اینکه حجم بیشتری را بتوانند در معاملات خودشان جمع کنند.

قاعده movement

به تصویر زیر نگاه کنید:



فرض کنید که تصمیم دارید در اینجا چارچوب حرکتی قیمت را رسم کنید، اما با کمی دقت متوجه می شوید که قیمت بین دو سطح کلیدی موثر قرار نگرفته و فقط در بالای آن ناحیه ۱ در دسترس است، سطح کلیدی پیش رویی در کار نیست.

در مواقعی که شما پیش روی قیمت سطح کلیدی پیدا نمی کنید، نباید بازار را به عقب برگردانید یا بزرگنمایی نمودار را تغییر دهید و یک سطح کلیدی را به زور پیدا کنید، این کار فوق العاده اشتباه است.

در تحلیل سنتیمنتال شما در **حال** بازار تحلیل و معامله می کنید، نه بر اساس **گذشته** بازار.

در اینجا کافیت از قاعده movement یا اصطلاحاً از «طی مسافت گام» استفاده کنیم.

قاعده movement میزان انتظار و یا هدف حرکت قیمت برای آینده است که معامله گران بزرگ با توجه به سیاست هایشان در بازار دارند.

برای شناسایی هدف حرکت قیمت در گام بعدی، کافیت اندازه ای که تا کنون قیمت حرکت داشته است را در نظر داشته باشیم. برای انجام این کار کافیت که با یک خط میزان حرکت جاری قیمت را رسم و از آن کپی بگیرید و در نوک سوئینگ آخر قرار دهید.

انتهای خط، جایی است که قیمت بعد از رسیدن به آن به اندازه گام قبلی حرکت کرده است و طبق هدف و یا انتظاری که معامله گران بزرگ دارند، در این جا قیمت واکنش موثری را نشان خواهد داد. پس این سطح را مشخص می کنیم تا زمانی که قیمت به این نقطه رسید، بتوانیم تصمیم درست را اتخاذ کنیم.

به نمونه دیگری در تصویر زیر نگاه کنید:



همان طور که مشخص است قیمت در پیش روی خود سطح موثری را ندارد که ما بتوانیم چارچوب حرکتی قیمت را رسم کنیم. به همین خاطر خیلی ساده اندازه گام قبلی را برای گام بعدی در نظر می گیریم و سطح کلیدی موثر خود را رسم می کنیم.

اما منطق و فلسفه قاعده Movement چیست؟

میزان طی مسافت گام های قیمت، در واقع انتظارات و اهداف معامله گران بزرگ بازار است. فردی را در نظر بگیرید که به صورت انحصاری عمده فروش یک کالای مشخص در یک شهر است. این شخص با سنجیدن محصولات مشابه و میزان عرضه و تقاضا و محبوبیت در بازار می داند قیمت تا چه اندازه که رشد کند و یا کاهش داشته باشد، از طرف جامعه هدف قابل پذیرش است. حالا معامله گران بزرگ بازار در واقع در جایگاه همین فرد عمده فروش هستند.

یعنی این معامله گران با توجه به نیاز بازار و میزان عرضه و تقاضا و سیاست های مالی مشخص می کنند که قیمت تا چه اندازه نزول و یا صعود کند. معامله گران بزرگ این کار را از طریق شناسایی ظرفیت بازار انجام می دهند.

به این صورت که می سنجند اگر قیمت بعد از حرکت مثلا ۱۰۰ واحدی در جهت صعود، در محدوده جدید توسط جامعه معامله گران پذیرفته شد پس به این نتیجه می رسند که اگر ۱۰۰ واحد دیگر قیمت حرکت کند، این پتانسیل و ظرفیت در بازار وجود دارد که مجدداً توسط معامله گران محدوده جدید پذیرفته شود و این اصلاً ربطی به سطوح فیبوناچی و یا اینکه اندیکاتورها چه سیگنالی را صادر می کنند، ندارد.

معامله گران موثر از این طریق ظرفیت و کشش روانی و توان مالی معامله گران حاضر در بازار را می سنجند و نرخ گذاری می کنند و بر اساس آن اهداف و انتظارات خود را مشخص می کنند.

به همین خاطر است که گفته می شود طی مسافت گام های قیمت، در واقع انتظارات و اهداف معامله گران بزرگ بازار است.

چند نکته مهم:



زمانی که چارچوب حرکتی قیمت را شناسایی کردید و سطوح کلیدی مشخص شدند، مجموع پهنای این سطوح کلیدی نباید بیشتر از ۳۰ درصد فضای بین دو سطح باشد. مثلا اگر فضای بین دو سوئینگ را ۱۰۰ در نظر بگیریم، پهنای سطوح نباید بیشتر از ۳۰ باشد.

به این علت که نبود فضای کافی بین دو سوئینگ نشانه نبود نقدینگی لازم است که این خود نشان دهنده ضعف در حرکت قیمت است و چنین بازاری یعنی بازاری با نقدشوندگی کم و ما در این بازار مسلما معامله نمی کنیم.

علت بعدی این است که در این حالت چون فضایی که بین دو سوئینگ باقی می ماند کم است اجازه مدیریت خروج معاملات که در ادامه یاد خواهید گرفت را به شما نمی دهد.

پس وقتی در بازار دیدید که پهنای دو سوئینگ موثر بیشتر از ۳۰ درصد است، معامله نکنید. ما نمی خواهیم در بازار با هر کسی همراه و هم قدم باشیم، برای موفق شدن باید بین بزرگان و در راه آنان بود نه معامله گرانی که پول شان توان تداوم حرکت را ندارد.

اما زمانی که می خواهید از قاعده Movement استفاده کنید، نیاز است که چند نکته را حتما رعایت کنید.

نکته اول: بزرگنمایی نمودار باید استاندارد باشد. برای استاندارد کردن کافیت بزرگنمایی کندل ها را تا آخرین جایی که امکان دارد بزرگ کنید و سپس دو بار روی zoom out کلیک کنید تا به بزرگنمایی استاندارد برسید.

نکته دوم: تعداد کندلی که در صفحه نمایش خود مشاهده می کنید نباید بیشتر از ۱۰۰ کندل و کمتر از ۶۰ کندل باشد.

نکته سوم: فقط سطوح کلیدی را مشخص کنید که قیمت در حال حاضر مابین آن دو قرار دارد. چون تا زمانی که قیمت از سطوح کلیدی پیش روی خود عبور نکرده، لزومی ندارد شما مابقی سطوح کلیدی را رسم کنید.

نکته چهارم: اگر از پلتفرم تحت وب trading view یا پلتفرم کارگزاری که از این سامانه خدمات می دهند استفاده می کنید حتما حالت نمودار را log (لگاریتمی) انتخاب نمایید.

شناسایی سماجت مالی و روانی معامله گران

بحث فوق العاده مهم و حیاتی میزان سماجت مالی و روانی معامله گران جهت روند و خلاف روند به این خاطر اهمیت دارد که سرنخ های ارزشمندی در مورد ادامه یا عدم ادامه روند، قبل از رخ دادن آینده به ما می دهد و ما را در تصمیم گیری نسبت به دیگر معامله گران حداقل یک گام جلوتر قرار می دهد. سرنخ هایی که تاثیر بالایی در کیفیت تصمیمات معامله گر برای ورود و خروج از معاملات دارد.

همان طور که قبلا هم گفتیم رمز موفقیت در کسب درآمد سرشار و مستمر از معامله گری این است که ضمن اینکه باید به طور واقعی فقط با بزرگان همراه و هم نشین بود، باید زودتر به اطلاعات موثر دست یابید، که این بحث نقش بالایی در شناسایی سرنخ های ارزشمند و موثر برای دسترسی به این اطلاعات را برای معامله گر فراهم می کند.

همیشه یادتان باشد که ما باید در جهت پول های بزرگ و هم راستا با معامله گران موثر بازار معامله کنیم. در غیر این صورت همراه معامله گران در دام افتاده بازار قرار خواهیم گرفت، معامله گرانی که بازیچه حرکت های قیمت شده اند.

ما باید در شناسایی میزان سماجت مالی و روانی معامله گران از سرنخ هایی استفاده کنیم تا بتوانیم بر اساس نظریه خلاف متوجه شویم که در حال حاضر جهت حرکت معامله گران موثر به کدام سمت است.

همان طور که قبلا گفته شد نظریه خلاف می گوید که اگر شخصی می خواهد در زمینه کاری خودش موفق باشد باید بررسی کند که عوام دقیقا چه کاری را انجام می دهند و چه نتیجه ای می گیرند و او دقیقا عکس اقدامات آنها را انجام دهد. عوام در بازارهای مالی کسانی اند که همواره در حال ضرر کردن هستند و مابقی افراد می شوند خواص.

ما هرگز نمی توانیم دست افراد خاص که در این بازار به دانش، مهارت و تبحر فوق العاده بالایی دست یافتند را بخوانیم. پس چه کاری باید انجام دهیم؟

خیلی ساده طبق همین نظریه دقیقا خلاف معامله گران در دام افتاده و ضررده عمل می کنیم تا در جهت حرکت معامله گران موثر و خاص بازار قرار بگیریم.

فرض کنید می خواهید تصمیم بگیرید که وارد یک فروش خرید شوید.

اگر بدانید که نسبت سماجت فروشندگان چه از لحاظ روانی و چه از لحاظ قدرت مالی، بیشتر از خریداران است، آیا میزان موفقیت و سود شما در آن معامله بیشتر از زمانی که این اطلاعات را ندارید، نخواهد بود؟

به تصویر زیر نگاه کنید:



در اینجا شما به راحتی و در یک نگاه می‌توانید میزان سماجت مالی و روانی فروشندگان را نسبت به خریداران در حرکت آخری که انجام شده است ببینید.

وقتی این مطلب را یاد بگیرید هرگاه نمودار خود را باز کرده و چنین چیزی در بازار ببینید، مطمئناً در کمتر از ۱۰ ثانیه می‌توانید تصمیم بگیرید که در این بازار خریدارید، یا فروشنده و یا هیچ کدام و باید صبر کنید.

در ادامه می‌خواهم به شما چهار سرنخ که می‌توانید از طریق آنها میزان سماجت مالی و روانی معامله‌گران موثر حاضر در بازار را شناسایی کنید، آموزش دهم.

زمانی که این چهار سرنخ را یاد بگیرید، تشخیص اینکه آیا در بازار همین حالا خریدارید یا فروشنده و یا اینکه باید صبر کنید، در کمتر از ۱۰ ثانیه اتفاق خواهد افتاد و اقدام بعدی شما پس از انتخاب نوع معامله، انتخاب نقطه ورود به معامله است که در ادامه کتاب آن را هم یاد خواهید گرفت.

دقیقا به همین سادگی!

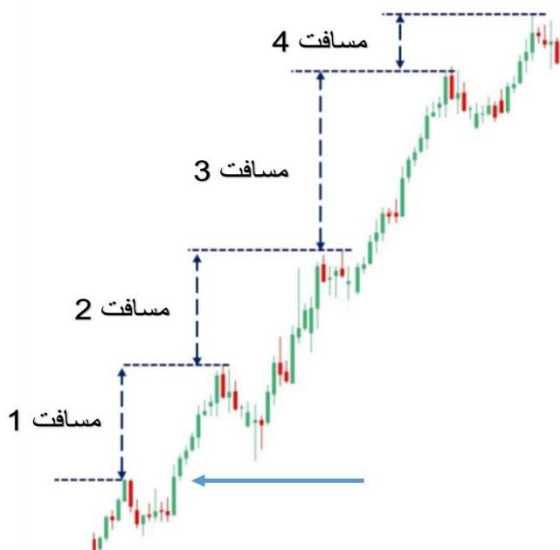
آیا هنوز هم فکر می‌کنید که واقعا نیازی به ابزارهای تحلیلی مثل اندیکاتور، اسیلاتور و یا روش‌های تحلیل تکنیکال دارید؟

تحلیل سنتیمنتال ۱۰۱

آیا وقت آن نرسیده که به یک معامله گر حرفه ای با تفکر صحیح و نوین تبدیل شوید؟
خب؛ بریم سراغ چهار سرنخ شناسایی میزان سماجت مالی و روانی معامله گران موثر
حاضر در بازار.

سرنخ شناسایی سماجت مالی معامله گران جهت روند

سرنخ اول زمانی است که در متن بازار مسافت ها کم یا زیاد می شوند. به تصویر زیر
نگاه کنید:



در این تصویر علامت های پیکان، میزان مسافتی است که قیمت در هر حرکت طی کرده است.

مسافت ۲ را در نظر بگیرید و تصور کنید که در محل فلش آبی رنگ وارد معامله خرید شده ایم، آنچه از مسافت ۲ برای ما روشن می شود این است که مقدار سماجت دیگر معامله گران حاضر در بازار، در تداوم معاملات خرید و در نتیجه حفظ ورود نقدینگی های جدید، در حرکت دوم پایدار بوده است؛ پس ما چنانچه مایل به خرید مجدد باشیم، و یا

معامله گرانی که از ورود قبلی به هر دلیل جا مانده اند بخواهند وارد معامله خرید شوند، می توان با تکیه بر این سرنخ که هنوز معامله گران سازنده روند، یعنی معامله گران بزرگ خودشان در جهت صعود حضور دارند، خرید انجام داد.

که در نتیجه شاهد هستیم پیرو تجمیع ورودهای مجدد و یا ورودهای جدیدی که بر اساس همین شناسایی در ابتدای حرکت سوم روند اضافه شده اند، مسافت ۳ گسترده تر شده است.

اما در حرکت آخر که مسافت (۴) نسبت به مسافت قبلی کمتر شده، نشانه این می باشد که به هر دلیلی که اصلاً مهم نیست چه دلیلی باشد، معامله گران بزرگ دیگر خریدهای چشم گیری در روند نداشته اند و همین کاهش سماجت مالی منجر به کاهش مسافت شده، پس وقتی بازیگران اصلی بازار تمایلی برای خرید ندارند، چرا باید من و شما به هر دلیلی وارد معامله خرید شویم، حالا هر تحلیل یا سیگنالی که از شبکه های اجتماعی ارائه شده باشد و یا اندیکاتورها و الگوها سیگنال خرید دهند.

مگر بازیگران اصلی بازار، پیرو تحلیل ها و سیگنال های دیگران هستند؟ مگر سرنوشت سرمایه خود را به دست نقاشی اندیکاتورها و اسیلاتورها و الگوهای تحلیلی می دهند؟ پس چرا ما این کار را انجام دهیم؟

به این سرنخ، شاخص تغییرات سماجت نقدینگی معامله گران در جهت روند گفته می شود.

یعنی شما می توانید با این سرنخ بسنجید که میزان تغییرات نقدینگی معامله گران موثری که در حال ساختن یک روند هستند، همین حالا در چه وضعیتی است.

به نمونه دیگری برای روند نزولی نگاه کنید:

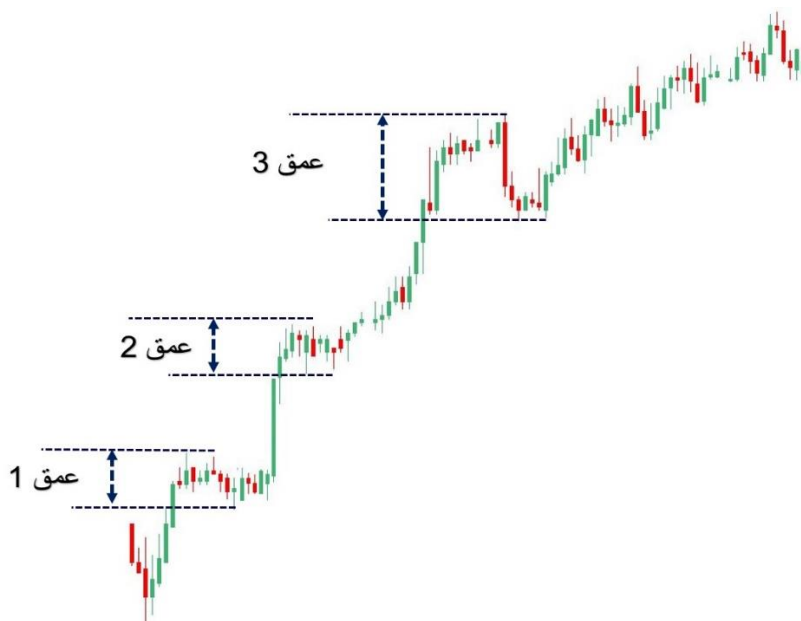


خیلی ساده و سریع شما می توانید تغییرات نقدینگی معامله گران در جهت روند نزولی را در این تصویر شناسایی کنید.

سرنخ شناسایی سماجت مالی معامله گران خلاف جهت روند

با بررسی میزان عمق هر حرکت در یک روند می توانید تشخیص دهید که قدرت معامله گران خلاف جهت روند، در حال کم شدن است یا زیاد شدن.

به این سرنخ، شاخص تغییرات سماجت نقدینگی معامله گران خلاف جهت روند گفته می شود. به تصویر زیر نگاه کنید:



آنچه باید در این سرنخ به دنبالش باشیم این است که مادامی که مقدار عمق حرکت های روند تغییر محسوسی ندارند، پس مخالفان روند هنوز هیچ قوتی پیدا نکرده و ما می توانیم در جهت روند معامله انجام دهیم و حتی با مشاهده کاهش عمق مطلع می شویم قدرت مالی مخالفان روند کمتر شده و در نتیجه با اطمینان بیشتر ورود می کنیم. اما اگر شاهد بیشتر شدن عمق بودیم، می فهمیم که بنا به دلایلی سمجت مخالفان روند قوی تر شده و نقدینگی بیشتری را برای معاملات شان خرج می کنند، اینجاست که نباید در دام افتاد و به دنبال ورود به معامله در جهت روند نباشیم، حتی اگر از قبل معامله ای داریم باید در پی بهترین خروج برای آن بود.

سرنخ شناسایی سمجت روانی معامله گران

در دو سرنخ قبلی، یاد گرفتید که چطور می توانید تغییرات سمجت مالی موجود در یک روند را تشخیص دهید و بفهمید که معامله گران موثر حاضر در بازار از لحاظ سمجت مالی، هم اکنون در چه وضعیتی هستند.

اکنون در این سرنخ میزان سماجت روانی معامله گران را بررسی خواهیم کرد. از چه طریق؟ از طریق شیب گام های قیمت. چرا؟

هرگاه معامله گران موثر که معاملات شان شکل دهنده رفتار و حرکت های قیمت است با هیجان و تمایلات سرسختانه تر در یک جهت خاص معامله کنند باعث بیشتر شدن شیب قیمت در همان جهت و هرگاه با تمایلات و سرسختی کمتری معامله کنند منجر به شیب کمتر در گام های حرکتی قیمت می شوند.

به تصویر زیر نگاه کنید:



در این تصویر فلش های قرمز و آبی را می بینید که نشان دهنده میزان شیب گام های قیمت هستند. فلش های آبی نشان دهنده شیب گام های نزولی و فلش های قرمز نشان دهنده شیب گام های صعودی هستند.

همان طور که به صورت واضح مشخص است، قیمت در گام های صعودی هر بار یا شیبش نسبت به گام قبلی کمتر شده و یا تغییری نکرده است، این یعنی سماجت (تمایلات و هیجانات) خریداران هر بار نسبت به قبل کمتر شده و یا تغییری نکرده است. پس تا اینجا متوجه می شویم که اگر قرار باشد خریدار باشیم، این انتخاب خوبی نیست، زیرا سازندگان حرکات صعودی خودشان هنوز به اندازه کافی بر سر خریدهای شان مطمئن

نیستند یا حاضر نیستند بیشتر از این برایش هزینه کنند، چه کسی حاضر است در چنین شرایطی خریدار باشد وقتی می فهمد که خریداران قوی و موثری در بازار نیستند.

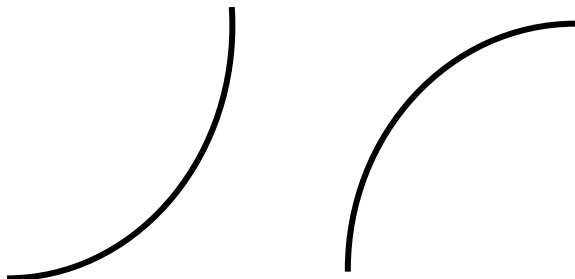
از طرفی می بینیم که شیب گام نزولی اخیر نسبت به شیب گام های قبلی بیشتر شده، این یعنی فروشندگان با سماجت بیشتری بر فروش های خود اضافه می کنند؛ خب حال تصمیم شما چیست؟ غیر از این است که وقتی می فهمید این فروشندگان هستند که هر بار دارند نسبت به قبل خود و حتی نسبت به خریداران قوی تر می شوند و خریداران خرید چشم گیری در بازار انجام نمی دهند، شما هم فروشنده می شوید. حالا هر اندیکاتور و اسیلاتوری هر تغییری رنگی که می خواهد بدهد، از هر اشباعی که می خواهد خارج یا وارد شود، هر سیگنالی که می خواهد بدهد، شما فریب نخواهید خورد و با هر بار ضرر به دنبال مقصر بگردید، یک بار حباب قیمت، یک بار آمار اقتصادی دستکاری شده، یک بار شانس خراب و ...

توجه کنید که مهم نیست همیشه هم فروشندگان و هم خریداران با هم تمایلات روانی شان تغییر کند، بلکه اگر برای ما فقط یکی از اینها قابل شناسایی باشد کافی است. البته که اگر هر دو با هم باشد، بهتر است. همچنین هر گام باید با گام قبلی خودش مقایسه شود، نه چندین گام قبل تر؛ این به دلیل حافظه تاریخی معامله گران حاضر در بازار است.

چولگی مطلوبیت سوددهی:

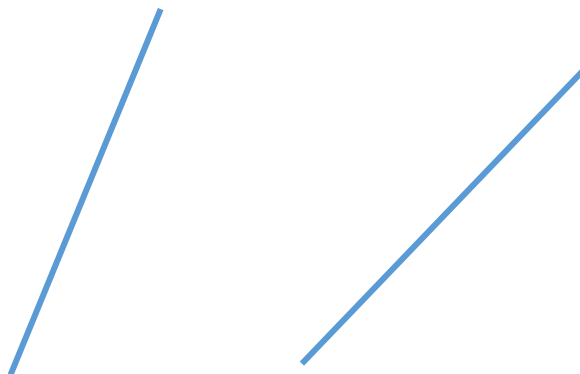
سرنخ شناسایی سماجت مالی و روانی معامله گران

و اما سرنخ آخر، که به بررسی چگونگی چولگی قیمت می پردازد. دو خط زیر را در نظر بگیرید:



دو خط منحنی که در بالا می بینید، پیشروی صعودی قیمت در دو حالت مختلف می باشد. به نظر شما سرعت پیشروی قیمت در کدام یک در حال افزایش است؟ منحنی چپ یا راست؟ اگر بخواهید وارد معامله شوید ترجیح می دهید که کدام منحنی برای شما اتفاق بیافتد؟ منحنی چپ یا راست؟

مسئله منحنی چپ نشان دهنده این است که قیمت با سرعت بیشتری در حال پیشروی است. برای روشن شدن مفهوم به شیب دو خط زیر نگاه کنید:



به نظر شما اگر بخواهید وارد معامله شوید، ترجیح می دهید که قیمت با کدام شیب حرکت کند؟ شیب خط راست یا چپ؟

مسلما شیب خط چپ، به دلیل اینکه با سرعت بیشتری مسیر خود را طی می کند.

در سرنخ چهارم شما در واقع چیزی که بررسی می کنید، شاخص مطلوبیت سوددهی سهام می باشد. به این معنی که قیمت با توجه به چولگی حرکتی که طی می کند آیا، از زاویه مناسب و کافی برای پیشروی معامله شما در سود برخوردار است یا خیر؟

دقیقا در همین مرحله است که می توانید متوجه شوید که در لحظه جاری بازار آیا معامله گران بزرگ و موثر در حال افزایش سرمایه گذاری و شروع یک روند هستند یا خیر؟

به تصویر زیر و منحنی هایی که با هدف نشان دادن چولگی رسم شده اند نگاه کنید:



به منحنی شماره یک نگاه کنید. کاملاً واضح می‌توانید سرعت حرکت قیمت و واکنش موثری که به سطح کلیدی خود در تایم بالاتر داده است را در اینجا مشاهده کنید. همان‌طور که از منحنی رسم شده پیداست می‌توانید کم شدن سرعت حرکت در ریزش و پس آن صعود قیمت را مشاهده کنید.

اگر به منحنی شماره ۲ هم نگاه کنید می‌توانید کم شدن سرعت حرکت قیمت را ببینید و همین‌طور رسیدن به نقطه‌ای که دیگر خریداران تمایلی به سرمایه‌گذاری ندارند و سماجت روانی و مالی در آنها دیده نمی‌شود.

و همین‌طور مجدداً می‌توانید همین اتفاق را در منحنی شماره ۳ نیز ببینید.

به عنوان نمونه بیشتر به تصویر زیر نگاه کنید:



در این جا نیز می توانید کم شدن چولگی مطلوبیت سوددهی را نیز مشاهده کنید.

در ادامه کتاب یاد خواهید گرفت که چه طور می توانید با استفاده از حالت های گفته شده برای شناسایی میزان سماجت مالی و روانی معامله گران موثر حاضر در بازار معامله کنید و به کسب درآمد بپردازید. تمامی مباحثی که در این کتاب می خوانید مانند دانه های زنجیر به هم پیوسته است و رفته رفته آموزش می بینید که چه طور باید اینها را به هم متصل کنید و در بازار معامله سودده انجام دهید.

اصول روند

همان طور که در مباحث گذشته یاد گرفته اید شروع یک روند با انجام گام پر قدرت و اصلاح ضعیف انجام می شود و تا وقتی که این حرکت در حال ادامه یافتن است، می توانیم بگوییم که روند ما نیز در حال پیشروی است.

اما روند دارای ۳ اصل بسیار مهم است که در این جا قصد داریم به آنها بپردازیم. یادگیری این ۳ اصل به شما کمک می کند تا بتوانید بهترین تصمیم و واکنش را نسبت به تغییراتی

که در روند مشاهده می کنید، اتخاذ کنید که این برای شما به معنی دریافت درآمد حداکثری و ضررهای حداقلی خواهد شد.

اصل تداوم روند:



تصمیم داریم به این سوال پاسخ دهیم که تا چه زمانی قیمت به حرکت خود در یک چارچوب ادامه می دهد. طبق اصل تداوم روند قیمت تمایل زیادی دارد تا خود را به سطح مقابل برساند. به تصویر بالا دقت کنید.

بر اساس این اصل گفته می شود که وقتی قیمت شروع به حرکت از یک سطح در چارچوب متن بازار می کند، خود را به سطح مقابل چارچوب متن بازار خواهد رساند.

اصول برگشت روند

پس تا اینجا متوجه شده اید که طبق اصل تداوم روند، قیمت تمایل دارد حرکت خود را تا سطح موثر بعدی ادامه دهد. اما چه اتفاقی باید در بازار رخ دهد تا گفته شود که قیمت دیگر به حرکت خود ادامه نخواهد داد و تمایلی به اینکه خود را به سطح موثر بعدی برساند ندارد.

خیلی ساده، اگر تا اینجا کتاب را خوب مطالعه کرده باشید پاسخ را حتما می دانید.

پاسخ، انجام گام پر قدرت و اصلاح ضعیف در خلاف جهت حرکت روند است. به تصویر زیر دقت کنید:



در این تصویر اگر به چارچوب حرکتی سمت راست نگاه کنید، می توانید این موضوع را در آن به خوبی ببینید که قیمت بعد از اینکه یک گام پر قدرت و اصلاح ضعیف در خلاف جهت روند خود در بازار انجام داده است، به روند صعودی پایان و روند نزولی خود را شروع کرده است. البته این اقدام بعد از رساندن خود به سطح بالایی بوده است، که می تواند همیشه اینگونه نباشد، یعنی در میانه راه گام پر قدرت و اصلاح ضعیف انجام دهد و حرکت برگشتی را آغاز کند.

در چارچوب حرکتی سمت چپ، قیمت هنوز خود را به سطح بالایی نرسانده اما گام پر قدرت و اصلاح ضعیفی انجام داده که می توانیم از آن، این نتیجه را بگیریم که حرکت صعودی قیمت پایان پذیرفته و قیمت وارد فاز جدیدی از روند مخالف و یا رنج شده است.

اصول شکست سطوح

و اما اصل سوم، اصل شکست سطوح می باشد. می خواهیم در این اصل بررسی کنیم چه اتفاقی در بازار لازم است بیفتد تا بگوییم شکست سطح اتفاق افتاده است. به تصویر زیر نگاه کنید:



اگر قیمت بعد از اینکه یک سطح را شکست به آن واکنشی معنادار نشان داد و اصطلاحاً به آن اصلاح ضعیف انجام داد، مانند تصویر سمت چپ می توانیم بگوییم که این سطح شکسته شده و توسط معامله گران موثر حاضر در بازار، در محدوده جدید پذیرفته شده است.

اما زمانی که قیمت بعد از شکست سطح با کندل های کوچک شروع به ادامه حرکت کرد و قدرت چندانی از خود نشان نداد، می توانیم بگوییم که این شکست سطح در زمانی انجام شده که معامله گران بزرگ و موثر در بازار حضور نداشتند و یا توسط معامله گران خرد اتفاق افتاده و پذیرفته نشدن این شکست توسط معامله گران بزرگ را می توانید با ریزش بعد از آن توسط معامله گران موثر در بازار ببینید.

چرخه بازار

آیا می دانستید که بازار از چرخه های مختلفی تشکیل شده که هر کدام ویژگی ها و خصوصیات کاملاً منحصر به فردی دارند که آشنا بودن با آنها و درک صحیح رفتار درست معامله گری در زمانی که این چرخه های در بازار شکل می گیرند منجر به کسب درآمدهای چشم گیر در بازار خواهد شد؟

منظور از چرخه در واقع رفتار و واکنش های مشخصی است که قیمت انجام می دهد و شما می توانید آنها را به صورت واضح در بازار ببینید.

شما قبلاً با ۲ چرخه در بازار آشنا شده اید؛ چرخه رنج و چرخه روند.

چرخه رنج به دو شکل رنج Sideway و رنج Choppy در بازار ایجاد می شود و چرخه روند به دو شکل روند صعودی و روند نزولی در بازار اتفاق می افتد.

در ادامه به بررسی هر کدام از این موارد خواهیم پرداخت و به شما نشان داده خواهد شد که چه طور می توانید پیش از شروع شدن یک روند وارد آن شوید.

به تصویر زیر نگاه کنید:



اولین چرخه که اسپایک (جرقه) نام دارد را می توانید در تصویر بالا از سمت چپ ببینید. در این بخش مشاهده می کنید که قیمت یک گام پر قدرت و اصلاح ضعیفی انجام داده است. اما این اصلاح به شکل یک استال درآمده است. استال به معنی توقف است.

در اینجا قدرت خریداران حاضر در بازار به قدری بالاست که پول معامله گران خلاف جهت روند، نمی تواند اصلاح موثر و دارای عمق ایجاد کند. اگر دقت کرده باشید برای اینکه اهمیت و قدرت این چرخه کاملاً مشخص شود یک فنر و ۵ دسته پول برای این بخش نشان داده شده که به معنی این است که چرخه اسپایک توسط معامله گران بزرگ با پول های سازمانی ساخته می شود و مانند انرژی آزاد شده از یک فنر بعد از فشردن و رها کردن آن (معنی کلمه Spike) قیمت در مسیر حرکتی خود، پیشروی می کند و

وقتی که به مرحله اصلاح می رسد با توجه به قدرتی که در پشت آن ایجاد شده، اجازه پسروی نمی دهد.

زمانی که چرخه اسپایک به پایان می رسد، معامله گران حرفه ای که پول های کمتری از معامله گران سازمانی دارند متوجه می شوند که یک روند ایجاد شده و وارد بازار می شوند. با توجه به اینکه پول این معامله گران از قدرت کمتری در بازار برخوردار است، در روند ایجاد شده اصلاح قیمت دارای عمق خواهد بود و رفته رفته هر چه که به پایان روند نزدیک تر می شود، عمق ها زیاد و مسافت ها کمتر خواهد شد که نشان دهنده پایین آمدن سماجت روانی و مالی معامله گران سازنده روند است.

و اما در مرحله سوم، معامله گران خرد که تازه متوجه شدند روندی شروع شده وارد بازار می شوند و با توجه به حجم بسیار بسیار اندکی که پول آنها دارد، بازار وارد چرخه رنج می شود. بعد از چرخه رنج امکان اینکه هر کدام از این چرخه ها اتفاق بیفتد نیز هست.

حالا به مثال زیر توجه کنید:



در تصویر بالا می توانید نمایی از انواع چرخه های بازار را ببینید. همان طور که مشاهده می کنید در ابتدای تصویر قیمت در چرخه رنجی که ایجاد کرده است به صورت choppy حرکت کرده و بعد از آن چرخه Spike که استال آن نیز مشخص گردیده شروع شده و در ادامه مجدداً وارد چرخه Choppy شده و سپس وارد چرخه Trend صعودی شده است.

اما چند نکته مهم جهت یادآوری و اشاره به اهمیت شناسایی صحیح چرخه ها:

- چرخه اسپایک قدرت حرکت بسیار زیادی دارد و عامل شناسایی آنها در واقع اصلاح آنهاست که به شکل استال اتفاق می افتد.
- چرخه اسپایک زمان ورود معامله گران بزرگ و سازمانی به بازار است.
- چرخه ترند زمانی اتفاق می افتد که معامله گران حرفه ای وارد بازار می شوند.
- اصلاح در چرخه ترند دارای عمق است، به این خاطر که پول معامله گران حرفه ای کمتر از معامله گران سازمانی است.
- چرخه رنج زمانی اتفاق می افتد که معامله گران خرد و ناآگاه وارد بازار می شوند.

رنج زدن بازار، نشانه کاهش حجم نقدینگی و سماجت مالی و روانی معامله گران موثر حاضر در بازار است.

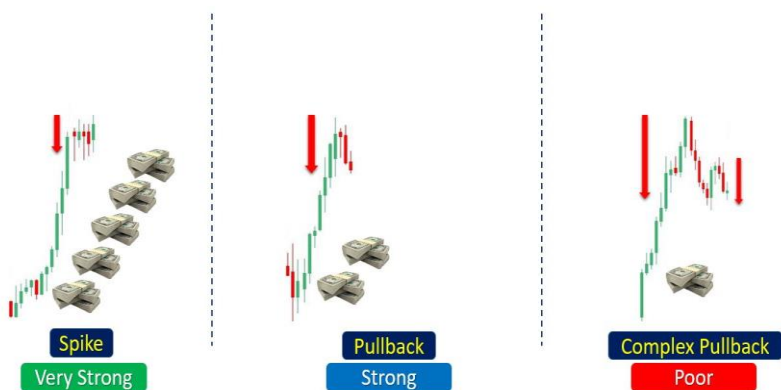
ویژگی های چرخه رنج عبارتند از:

- زمان ورود معامله گران خرد و ناآگاه به بازار
- کاهش حجم نقدینگی در بازار
- بعد از چرخه رنج، امکان دارد که قیمت به حرکت در جهت قبلی ادامه دهد و یا در جهت مخالف قبلی حرکت کند.

شناسایی قدرت روند

شما تا اینجا با دو نوع اصلاح آشنا شده اید. اصلاح از طریق استال و اصلاح از طریق پول بک (پسروی).

اما یک نوع اصلاح دیگر هم در بازار وجود دارد به نام کامپلکس پول بک (complex pull back) یا اصلاح چندگانه. به تصویر زیر نگاه کنید:



در تصویر بالا در کنار هر نوع اصلاح، دسته های پول قرار داده شده اند و شما می توانید از این طریق میزان قدرت هر کدام از گام هایی که ایجاد می شود را درک کنید.

همان طور که گفته شد در حرکت spike که با پول معامله گران سازمانی ساخته می شود، قیمت از قدرت بسیار زیادی برخوردار است که اجازه نمی دهد اصلاح به صورت پول بک اتفاق بیفتد. پس این نوع حرکت بسیار قوی است و به احتمال خیلی زیاد با قدرت بیشتری به حرکت خود ادامه دهد.

در حالت دوم که اصلاح به صورت پول بک اتفاق می افتد، گام سازنده این اصلاح از قدرت کمتری نسبت به حرکت spike برخوردار می باشد به همین خاطر معامله گران خلاف جهت روند می توانند تا حدودی قیمت را در جهت مخالف پیش ببرند و اصلاح به صورت پول بک ایجاد کنند.

اما در حالت سوم پول معامله گران سازنده این گام کم تر از دو حالت قبل است به همین خاطر اصلاح آن به صورت چندگانه انجام می شود که اگر به تصویر بالا دقت کنید، می بینید که قیمت بعد از اینکه اصلاح اول را ایجاد کرده، مجدداً اصلاح دیگری نیز رخ داده، که نشان دهنده کم بودن قدرت حرکت قیمت برای ادامه دادن است.

و نکته مهم اینکه اگر در اینجا قیمت نتواند به حرکت خود در جهت صعود ادامه دهد و مجدداً اصلاح کند یا به معنای دقیق تر ۴ سوئینگ در بازار تشکیل شود، قیمت رنج شده و نوع آن Choppy می باشد.

انواع فرصت های معاملاتی

فرصت معاملاتی در واقع مجموعه ای از قوانین و شرایطی است که ما باید آنها را در بازار مشاهده کنیم، تا وارد معامله شویم. در این کتاب به شما ۴ فرصت معاملاتی آموزش داده می شود.

هر کدام از این فرصت های معاملاتی در شرایط خاصی از بازار تشکیل شده و دارای نقطه ورود به معامله مشخص و منحصر بفردی هستند.

منظور از نقطه ورود در واقع جایی است که شما وارد بازار می شوید با این هدف که بلافاصله معامله شما وارد سود شده و کمترین خواب سرمایه را لازم باشد تجربه کنید.

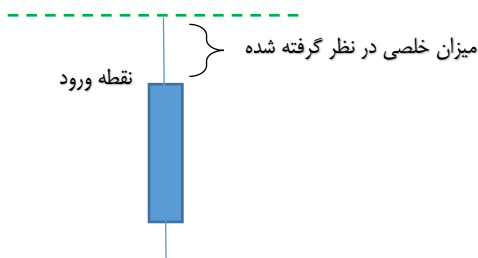
اولین فرصت معاملاتی، stall نام دارد که در چرخه spike شکل می گیرد. شما قبلاً این نوع چرخه را در بازار آموزش دیده اید و می دانید چرخه اسپایک در واقع اصلاحش از طریق stall اتفاق می افتاد.

شناسایی تغییر وزن جریان سفارشات

قبل از اینکه نمونه مثال تصویری را ببینید لازم است با اصطلاح «خلصی» و «کندل جریان سفارشات» در بازار آشنا شوید.

منظور از خلصی در واقع میزان فاصله ای می باشد که میان نقطه ورود و لبه ورود است و از ورود در آن فضا خودداری می کنید.

هدف خلصی اطمینان بیشتر به ادامه حرکت قیمت در جهت معامله شما پس از ورود به معامله است. به کندل زیر دقت کنید:

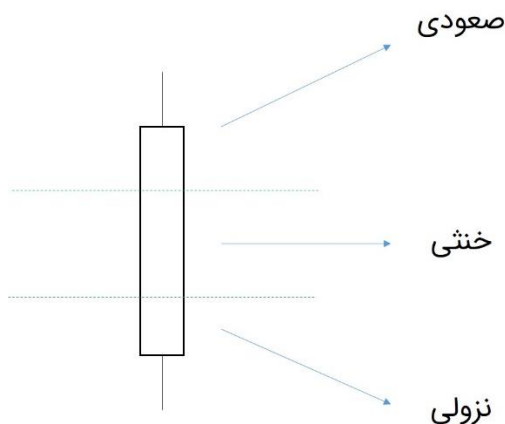


فرض کنید که در بالای این کندل یعنی جایی که با خط سبز رنگ مشخص شده (نقطه ورود)، تصمیم دارید که وارد بازار شوید. همان طور که مشخص است از بالای سایه کندل تا خط نقطه ورود فضای خالی در نظر گرفته شده است. به این فضای خالی اصطلاحاً «خلصی» می گوئیم و به این خاطر این میزان خلصی را در بازار رعایت می کنیم که اطمینان ما از ادامه حرکت در جهت پیش بینی ما حاصل شود.

اما این میزان خلصی در تایم فریم های بالای ۴ ساعته به اندازه ضخیم ترین خط متاتریدر و دیگر پلتفرم های معاملاتی است و در تایم فریم های زیر ۴ ساعته به اندازه اسپرید ضربدر ۲ می باشد. به این صورت که اگر مثلاً اسپرید ۲ پیپ است شما باید ۴ پیپ خلصی در نظر بگیرید.

اما « کندل جریان سفارشات » چیست؟

به کندل زیر دقت کنید:



کندل جریان سفارشات در واقع نمایان گر این است که تمایلات معامله گران موثر حاضر در بازار بیشتر به سمت حرکت نزولی است یا صعودی، و یا نه هیچ تمایل خاصی ندارند و خنثی هستند.

یک کندل را از ابتدای سایه تا انتهای سایه در نظر بگیرید و آن را به سه قسمت مساوی تقسیم کنید. اگر زمانی که کندل می خواهد بسته شود (اصلا رنگ کندل مهم نیست)، قیمت در یک سوم بالایی کندل بسته شد به احتمال بالاتر در کندل بعد قیمت به صورت صعودی حرکت خواهد کرد و اگر در یک سوم پایینی بسته شد، به احتمال بالاتر قیمت به صورت نزولی در کندل بعد حرکت خواهد کرد و اگر در یک سوم وسط بسته شد، به احتمال بالاتر قیمت به صورت خنثی در ادامه حرکت خواهد کرد.

از این کندل در زمانی که می خواهیم وارد بازار شویم و فرصت معاملاتی را تشخیص می دهیم، استفاده می کنیم تا کمترین خواب سرمایه و بیشترین احتمال موفقیت در معامله را از آن خود کنیم.

خب، اکنون با علم به این موضوعات، ببینیم اولین فرصت معاملاتی یعنی stall دقیقاً نقطه ورودش کجاست. به تصویر زیر نگاه کنید:



در این جا یک چرخه اسپایک را می توانید ببینید که اصلاح آن به شکل **Stall** است و فرصت معاملاتی را شکل داده که می تواند ما را توجیه کند که وارد معامله شویم. زمانی که این چرخه را در بازار مشاهده کردید، می توانید بالای سقف ایجاد شده با رعایت خلصی وارد بازار شوید (خط سبز رنگ).

فرصت معاملاتی دوم که در پول بک اتفاق می افتد، زمانی شما می توانید با رعایت خلصی بالای کندل وارد شوید که قیمت بلافاصله در آخرین کندل پس از اصلاح در یک سوم بالا بسته شود و شما در کندل جدید وارد بازار شوید. به تصویر زیر دقت کنید:



در این تصویر همانطور که مشاهده می کنید قیمت در یک سوم بالایی قرار دارد و اگر در همین نقطه نیز بسته شود می توانید با رعایت خلصی وارد بازار شوید.

و اما فرصت معاملاتی سوم که به تغییر فاز مشهور است زمانی اتفاق می افتد که قیمت به سطح طلایی واکنش معناداری انجام می دهد و شما می توانید وقتی قیمت در آخرین کندل در یک سوم بالایی (در روند صعودی) و یا در یک سوم پایینی (در روند نزولی) بسته شد، وارد معامله شوید. به تصویر زیر دقت کنید:



همانطور که قبلاً توضیح داده شد، وقتی که قیمت چنین واکنشی را به سطح کلیدی انجام می دهد، آن سطح را یک سطح طلایی می نامیم و می توانیم در این فرصت معاملاتی پیش آمده وقتی که قیمت در یک سوم بالایی بعد از انجام واکنش معنادار و واضح به سطح طلایی، وارد بازار شویم.

تا اینجا تمامی فرصت های معاملاتی که گفته شد، از نوع ادامه دهنده روند بودند و شما در جهت روند معامله می کنید؛ اما نوع دیگری از فرصت معاملاتی هست که شما می توانید خلاجت روند قبلی و در آغاز روند جدید معامله کنید و به آن فرصت معاملاتی تست گفته می شود. این نوع معاملات بیشتر در رنج **sideway** انجام می شوند.

نکته خیلی مهم این است که آموزش خاصی برای این قسمت در نظر گرفته نشده و شما زمانی می توانید این نوع فرصت معاملاتی را در بازار معامله کنید که به صورت کامل تحلیل سنتیمنتال را یاد گرفته و مسلط شده باشید و تعداد زیادی معامله با این روش در بازار انجام داده باشید. به تجربه ثابت شده که یک معامله گر «سنتیمنتال کار» وقتی در مسیر صحیح و درست و دقیقا مطابق با آموخته هایش در بازار معامله می کند سریعا به درکی می رسد که می تواند معاملات برگشتی را هم در بازار انجام دهد. اما باز هم کمتر این نوع معاملات را دقیقا به خاطر همان درک انجام می دهد. چون از درصد موفقیت کمتری برخوردار هستند.

به تصویر زیر نگاه کنید:



در معاملات برگشتی، مهم ترین موضوع برخورد قیمت با یک سطح چارچوب و قابل اطمینان و همچنین مشاهده کم شدن سماجت مالی و روانی معامله گران در جهت حرکت قبلی می باشد. وقتی که قیمت به یک سطح چارچوب نزدیک می شود به طور طبیعی و معمول چولگی مطلوبیت سوددهی آن کم شده و قیمت رفته رفته دارای عمق زیادتر و مسافت کمتر می شود و حتی در بیشتر مواقع در چرخه رنج قرار می گیرد. همان طور که

گفته شد شما زمانی می توانید این نوع معاملات را در بازار انجام دهید که از تجربه کافی در استفاده از مباحث تحلیل سنتیمنتال و اصول و قواعد گفته شده بهره مند شده باشید. در ادامه می توانید چند نمونه مثال از انواع فرصت های معاملاتی در بازار را ببینید:



این فرصت معاملاتی از نوع پول بک می باشد و همان طور که مشاهده می کنید قیمت بعد از انجام یک گام پر قدرت و اصلاح ضعیف و بسته شدن کندل جریان سفارشات در یک سوم پایینی، فرصت ورود به بازار در کندل بعد را به ما می دهد البته اگر قیمت در کندل بعد میزان خلصی در نظر گرفته شده را رد کند و به خط آبی رنگ که نشان دهنده نقطه ورود ما به معامله می باشد برسد.

جهت یادآوری به خاطر داشته باشید، که اصلاح قیمت نباید بیشتر از ۵۰ درصد کل گام باشد و اگر بیشتر از ۵۰ درصد باشد، نباید با آن وارد معامله شد.

به تصویر زیر نگاه کنید:



فرصت معاملاتی که در بالا شکل گرفته از نوع Test می باشد و همان طور که در بالا گفته شد این نوع معاملات در خلاف جهت روند انجام می شوند. در اینجا قیمت با توجه به واکنش معنا دار و موثری که به سطح کلیدی داشته و از طرفی نیز چولگی مطلوبیت سوددهی سهام کاهش داشته است می توانیم بعد از بسته شدن قیمت در یک سوم بالایی کندل جاری با رعایت خلصی مناسب با توجه به تایم فریم وارد معامله long شویم.

به نمونه دیگری توجه کنید:



در این تصویر می توانید دو نمونه از تغییر فاز را به راحتی مشاهده کنید. همان طور که در این تصویر می بینید، می توانید در هر دو فرصت بعد از بسته شدن کندل جریان سفارشات در نقطه مورد نظر ما، که قیمت در جهت مورد انتظار ما حرکت کرده است وارد معامله شوید. تغییر فاز یکی از بهترین و سودده ترین فرصت های معاملاتی در بازار است. در ادامه درباره اقدامات مهم جهت ورود و خروج از بازار مطالبی را بیان می کنیم.

اقدامات قبل از معامله، حین معامله و بعد از خروج

در این قسمت شما با تمامی مراحل می لازم است برای ورود به معامله، مدیریت معامله و در انتها خروج از معامله انجام دهید، آشنا خواهید شد.

شما در این مرحله از تمامی اطلاعاتی که تا کنون یاد گرفته اید استفاده می کنید تا بتوانید به کسب درآمد مستمری برسید.

تمامی این مراحل در سه دسته بندی قرار خواهند گرفت.

دسته بندی اول : اقداماتی که **قبل از ورود** به بازار باید انجام دهید.

دسته بندی دوم: شامل اقداماتی است که در **حین باز بودن معامله** باید انجام دهید.

و درسته بندی سوم: اقداماتی است که بعد از **خروج از معامله** باید انجام دهید.

اما اولین مرحله چیست؟

این مرحله که در دسته بندی اقدامات قبل از ورود به بازار قرار می گیرد، شامل استفاده کردن از تمامی اطلاعاتی که تا الان آموخته اید، برای شناسایی موقعیت های معاملاتی در بازار می شود. اینکه بتوانید با نگاه کردن به بازار موقعیت های معاملاتی پول بک، استال و یا تغییر فاز را شناسایی کنید و از لحاظ میزان سماجت مالی و روانی معامله گران موثر حاضر در بازار آنها را بسنجید.

برای این کار شما به یک چک لیست نیاز دارید که وقتی هر نموداری را باز می کنید (اصلا فرقی نمی کند که در کدام بازار و تایم فریم می خواهید معامله کنید)، بتوانید به کمک آن به بررسی موقعیت های معاملاتی موجود در بازار بپردازید.

چک لیست شما در مرحله قبل از ورود به معامله به شکل زیر است:

- ✓ شناسایی سوئینگ موثر و مشخص کردن چارچوب حرکتی قیمت
- ✓ بررسی وضعیت خمیازه
- ✓ شناسایی چرخه فعلی بازار
- ✓ شناسایی نوع فرصت معاملاتی
- ✓ بررسی وضعیت میزان سماجت مالی و روانی معامله گران موثر حاضر در بازار
- (هر ۴ حالت)
- ✓ زیر نظر گرفتن کندل جریان سفارشات
- ✓ شناسایی نقطه ورود با رعایت خلصی
- ✓ تعیین محل حد ضرر و حد سود
- ✓ تعیین حجم معامله و ورود به بازار

با توجه به چک لیست بالا شما زمانی که نمودار را باز می کنید و تصمیم به شناسایی یک موقعیت معاملاتی برای انجام معامله در بازار دارید، اولین اقدامی که باید انجام دهید این است که سوئینگ های موثر بالا و پایین قیمت را شناسایی کرده و چارچوب حرکتی قیمت را رسم کنید.

در مرحله بعدی باید ببینید که قیمت آیا در حال حاضر در وضعیت مناسبی جهت انجام معامله هست یا نه (یعنی موضوع خمیازه را بررسی کنید). اگر در وضعیت مناسب مورد نظر ما بود، به ادامه بررسی موارد چک لیست می پردازیم. اما اگر نبود در لیست نمادهای در انتظار جهت معامله منتقل می شود تا زمانی که فرصت معاملاتی عالی در اختیار ما قرار داد با آن وارد بازار شویم.

مورد بعدی که بعد از تایید مرحله قبل باید بررسی کنید، این است که قیمت در حال حاضر در کدامیک از چرخه های بازار است. آیا آن چرخه می تواند برای معامله کردن مفید باشد؟

مثلا اگر قیمت در چرخه رنج از نوع choppy باشد، مسلما آن بازار دارای نقدینگی کافی نیست و معامله گران بزرگ در آن حضور ندارند پس شما هم نباید در آن معامله ای انجام دهید.

در مرحله بعدی موردی که باید بررسی کنید، شناسایی فرصت معاملاتی پیش روی شما در بازار است. در حال حاضر کدامیک از فرصت های معاملاتی که یاد گرفته اید (پول بک - استال - تغییر فاز) در بازار شکل گرفته یا در حال شکل گرفتن است. آن را شناسایی کرده و وارد مرحله بعد می شوید.

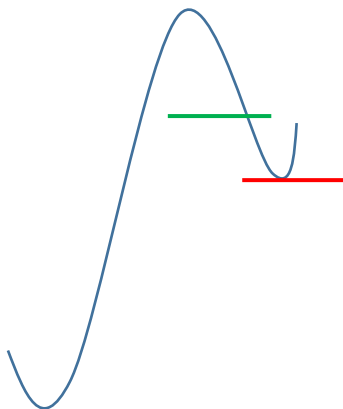
در مرحله آخر از اقدامات قبل از ورود به معامله، به بررسی میزان سماجت مالی و روانی معامله گران می پردازید. به این صورت که اگر مثلا فرصت معاملاتی که شما شناسایی کرده اید، پول بک بوده باشد باید بررسی کنید که آیا قدرت کافی برای ادامه روند در بازار وجود دارد یا خیر؟ مثلا اگر روند شما صعودی است، آیا معامله گران خریدار در حال

قوی تر شدن در بازار هستند یا در حال ضعیف تر شدن. دقیقا طبق همان چیزی که در مبحث مربوط به این موضوع مطالعه کردید.

و اما اگر تمامی موارد بالا درست بود و موقعیت شکل گرفته در بازار کاملا متناسب با چک لیست شما بود می توانید در مرحله بعد اقدامات انتهایی را انجام دهید و وارد معامله شوید.

گفتیم زمانی که موقعیت معاملاتی در بازار شکل گرفت و خواستیم که وارد معامله شویم قبل از آن باید بهترین نقطه ورود را با هدف تجربه کمترین خواب سرمایه پیدا کنیم. برای پیدا کردن بهترین نقطه ورود کافی است کندل جاری در بازار در نقطه مناسبی بسته به نوع معامله ما بسته شود و بعد از آن با رعایت خلصی مناسب نقطه ورود را معلوم کنیم و به محض رسیدن قیمت به آن وارد معامله شویم.

در این مرحله شما باید محل دقیق حد ضرر خود را در بازار بدانید و همچنین حد سود خود را با توجه به میزان سماجت مالی و روانی معامله گران در بازار در نظر بگیرید. حد ضرر را می بایست در مکانی قرار دهید که می دانید اگر قیمت از آن نقطه عبور کند، دیگر به آن امیدی نیست و در صورت نبستن معامله تان، حرکت قیمت با سرعت بیشتری در ضرر پیش خواهد رفت. برای پیدا کردن بهترین نقطه برای قرار دادن حد ضرر کافیست به نمونه زیر توجه کنید:



در این جا شما یک گام پرقدرت و اصلاح ضعیف را می توانید مشاهده کنید. فرض کنید که خط سبز رنگ نقطه ورود ما به بازار و خط قرمز رنگ حد ضرر است. اگر تا اینجا کتاب را خوب مطالعه کرده باشید، این مورد توضیح داده شد که وقتی معامله گران خریدار حد ضرر معامله خود را در محدوده همین خط قرمز قرار می دهند و زمانی که قیمت به این محدوده برسد با فعال کردن حد ضرر آنها جریان سفارشات نزولی با معاملات short معامله گران فروشنده تجمیع شده و قیمت با سرعت بیشتری در جهت مخالف انتظار شما پیشروی خواهد کرد.

استراتژی خروج از معاملات

پس همیشه باید حدضرر در مکانی باشد که می دانیم اگر قیمت به آن برسد، به احتمال بالاتر با سرعت بیشتری معامله شما در ضرر حرکت خواهد کرد.

تا اینجا تمامی اقدامات لازم جهت ورود به معامله را یاد گرفته اید. مرحله بعدی شما باید چک لیست مربوط به اقدامات در حین باز بودن معامله در بازار را بررسی کنید تا بتوانید بهترین نقطه خروج از معامله را پیدا کرده و از معامله خود با دریافت بیشترین سود ممکن یا متحمل شدن کمترین ضرر ممکن خارج شویم. چک لیست این بخش به شکل زیر است:

✓ استراتژی خروج از معاملات

این بخش شامل فقط یک آیتم و آن هم مدیریت خروج از معاملات می باشد. مدیریت خروج از معاملات و پیدا کردن نقطه خروج از معامله در واقع مهم ترین کار شما به عنوان یک معامله گر است و فوق العاده هم ساده می باشد.

به آموزش تصویری زیر توجه کنید:



در این تصویر موقعیت معاملاتی شکل گرفته از نوع استال است. نقطه ورود مشخص شده و قیمت در حال حاضر نقطه ورود ما را رد کرده، پس ما وارد معامله می شویم. همان طور که مشاهده می کنید حد ضرر در جایی قرار داده شده که با توجه به توضیحات گفته شده، اگر قیمت به آن نقطه برسد احتمال اینکه با سرعت بیشتری در جهت خلاف انتظار ما حرکت کند بالاست. پس حد ضرر را در این نقطه قرار می دهیم. اما برای این موقعیت حد سود قرار نمی دهیم و اجازه می دهیم که قیمت تا زمانی که در سود پیشروی می کند ما هم با آن پیش برویم، تا جایی که قیمت حد ضرر ما را در ناحیه بالای خط ورود (ناحیه سود) لمس کند و ما با سود از بازار خارج شویم.

اگر دقت کرده باشید ما در اینجا دو خط مشکی که نشان دهنده **movement** حرکتی قیمت است رسم کرده ایم. این موضوع به این خاطر است که چارچوب حرکتی قیمت برای ما مشخص گردد تا ما بدانیم که قیمت در چه ناحیه ای به احتمالاً بالاتر می خواهد اصلاح گام جاری را ایجاد کند.

برای ادامه مدیریت خروج از معامله به تصویر زیر نگاه کنید:



در این تصویر مشاهده می کنید که قیمت کندل بعدی را هم در جهت حرکت روند، ایجاد کرده است. در این جا شما می توانید بعد از بسته شدن این کندل در یک سوم بالایی خود که به معنای این است که جریان سفارشات و تمایلات بازار هنوز به سمت صعودی است، حد ضرر خود را به زیر کندل آخر منتقل کنید. اگر این کار را انجام دهید در واقع شما دارید مدیریت خروج از معامله را از طریق کندل به کندل انجام می دهید و مادامی که کندل ها در یک سوم بالایی در روند صعودی بسته می شوند شما به این کار ادامه می دهید تا زمانی که قیمت با لمس حد ضرر شما در سود، شما را از بازار خارج کند. مدیریت خروج از معامله کندل به کندل مناسب تایم فریم های ۴ ساعته و بالاتر است و اگر شما قصد فعالیت در تایم فریم های پایین تر را دارید می بایست از مدیریت خروج از معامله سوئینگ به سوئینگ استفاده کنید. یعنی با هر سوئینگ که در بازار تشکیل می شود شما می توانید، حد ضرر خود را در پایین سوئینگ (در روند صعودی) قرار دهید. در این جا نوعی که به شما در این تصویر نشان داده می شود، در ابتدا مدیریت خروج از معامله کندل به کندل و در ادامه مدیریت خروج از معامله سوئینگ به سوئینگ می باشد.

جهت ادامه آموزش به تصویر زیر نگاه کنید:



همان طور که مشاهده می کنید ما حدضرر معامله خود را به زیر آخرین کندلی که در یک سوم بالایی بسته شده منتقل کرده ایم و منتظر هستیم تا قیمت کندل بعدی را در بازار شکل دهد و ببینم رفتار بعدی چیست؟ برای دیدن این مورد به تصویر بعد نگاه کنید:



در کندل بعد هم قیمت در یک سوم بالایی بسته شد، پس ما طبق قاعده می بایست حدضرر معامله خود را در زیر آن قرار دهیم که همانطور که مشاهده می کنید این کار انجام شده است و منتظر حرکت بعدی قیمت هستیم. به تصویر بعدی نگاه کنید:



همانطور که در تصویر مشاهده می کنید، کندل بعدی در یک سوم پایین بسته شد. واکنش ما در این موقعیت این است که هیچ کاری انجام نمی دهیم و اجازه می دهیم که قیمت به حرکت خود ادامه دهد. به تصویر بعدی نگاه کنید:



در ادامه حرکت، قیمت از طریق یک کندل پرقدرت در یک سوم بالایی بسته شد و ما طبق معمول باید حد ضرر خود را مطابق با تصویر بعد به زیر آن منتقل کنیم. اما یک اتفاق مهم در اینجا افتاده است که می توانید در تصویر ببینید:



قیمت در اینجا خودش را به انتهای **movement** رسانده و به صورت معمول در این نقطه اصلاح خودش را انجام می دهد. در این لحظه با توجه به علم اینکه می دانیم قیمت می خواهد اصلاح کند سپس مجدداً به حرکت خود ادامه دهد، حدضرر معامله را به نقطه ۵۰ درصدی گام منتقل می کنیم؛ یعنی آخرین گام که قیمت حرکت کرده را اگر در نظر بگیرید، ما حدضرر را به ۵۰ درصد پایین تر از انتهای گام منتقل می کنیم. علت ۵۰ درصد هم این است که اگر قیمت بخواهد بیش از این اصلاح کند، قدرت فروشندگان خیلی نزدیک به قدرت خریداران خواهد شد و احتمال اینکه قیمت بخواهد از ۵۰ درصد بیشتر اصلاح کند بیشتر می شود. حالا به ادامه تصاویر نگاه کنید:



در ادامه همان طور که می بینید قیمت به اندازه ۵۰ درصد گام اصلاح کرد و سپس به حرکت صعودی خود ادامه داده و حالا مجدداً در حال انجام اصلاح برای گام جاری است. از اینجا به بعد با هر سوئینگ که قیمت در هر گام ایجاد می کند، ما هم با آن به دنبالش می رویم و مسیر قیمت را دنبال می کنیم تا جایی که قیمت حد ضرر ما را در محدوده سود لمس کند. همان طور که در تصویر می بینید، ما حد ضرر را پشت آخرین سوئینگ ایجاد شده در بازار قرار داده ایم و منتظریم که قیمت به حرکت خود ادامه دهد. حالا به تصویر بعد نگاه کنید:



در اینجا هم مجدداً قیمت به حرکت خود ادامه داده و سوئینگ در بازار ایجاد کرده است که ما هم طبق قاعده مدیریت خروج از معامله، حد ضرر خود را به پشت آخرین سوئینگ منتقل می کنیم. این کار را تا جایی که قیمت به همین روال ادامه می دهد، ما هم ادامه می دهیم. تا آنکه قیمت حد ضرر ما را در محدوده سود لمس کند. به تصویر بعد نگاه کنید:



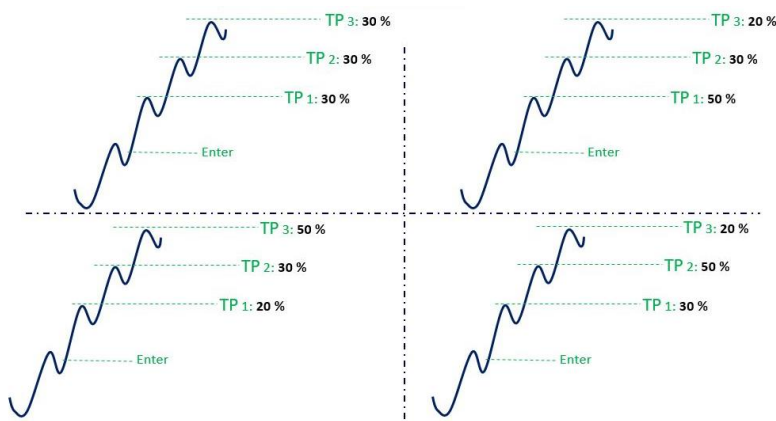
همان طور که در این تصویر شاهد هستید، قیمت در حال لمس حدضرر ما و بستن معامله در محدوده سود است.

شما با استفاده از مدیریت خروج از معامله و قرار ندادن حد سود می توانید از پیشروی حداکثری قیمت در سود استفاده کنید و بیشترین درآمد ممکن را از معامله ای که انجام دادید، کسب کنید.

مدل های نقد کردن معامله

اما خروج از معامله می تواند به مدل های گوناگون باشد. شاید شما معامله گری هستید که می خواهید ریسک کمتری را انجام دهید و به محض اینکه معامله شما وارد مقداری سود شد، از آن خارج شوید. در این صورت می توانید از خروج با حد سود ثابت استفاده کنید و مقدار معینی را در هر معامله برای حد سود خود مشخص و طبق همان معامله کنید.

و یا اینکه دوست دارید با هر سوئینگ که قیمت در بازار ایجاد می کند، بخشی از معامله خود را ببندید. برای نمونه به تصویر زیر نگاه کنید:



حالت نخست از سمت چپ را در نظر بگیرید. شما می توانید در هر سوئینگ ۳۰ درصد از حجم معامله را نقد کنید و به این شکل ریسک برگشت قیمت و از دست دادن سود را برای خود کم کنید و یا می توانید در سوئینگ اول ۵۰ درصد خارج شوید، در سوئینگ بعدی ۳۰ درصد و در سوئینگ بعدی ۲۰ درصد. این دقیقاً بسته به روحیه و انتظارات مالی و روانی شماست که دوست دارید چه مقدار از سرمایه خود را در هر سوئینگ خارج کنید.

تا اینجا آموختید که اقدامات شما قبل از ورود به معامله و در حین باز بودن معامله چه مواردی است و با چک لیست آن نیز آشنا شده اید. اما اقدامات شما بعد از بسته شدن معامله.

ژورنال معاملاتی

در این مرحله هم چک لیست شما مانند مرحله قبل فقط یک آیتم دارد. یعنی:

✓ ثبت ژورنال معاملاتی

اما این آیتم به قدری مهم و حیاتی است که اگر روزی احساس کردید، حس و حال پر کردن ژورنال معاملاتی خود را ندارید آن روز را معامله انجام ندهید. به جدول زیر نگاه کنید:

order No.	profit			loss			sentimental		
	Did I change it or not?	if I changed it >> How?	What was the result of this change?	Did I change it or not?	if I changed it >> How?	What was the result of this change?	Before entering the trade	When the trading is open	After closing the trade
فیلد ۱	فیلد ۲	فیلد ۳	فیلد ۴	فیلد ۵	فیلد ۶	فیلد ۷	فیلد ۸	فیلد ۹	فیلد ۱۰

این جدول در واقع فیلدهای مشخص شده ای را به شما نمایش می دهد که می بایست حتما در ژورنال معاملاتی خود آنها را داشته باشید.

در این جدول هیچ آمار و ارقامی از میزان سود (ضرر) یا قیمت یا زمان ورود و خروج معاملات شما دیده نمی شود. چون اینها مهم نیستند. بلکه موضوع مهم تر این است که شما از لحاظ روانی و احساسی چقدر توانسته اید در هر معامله خود را مدیریت کنید. فصل سوم اختصاص دارد به روانشناسی معامله گری و بیشتر در این مورد با هم صحبت خواهیم کرد. اما در این جا به صورت کاملا حرفه ای فقط با پر کردن همین چند فیلد ساده در هر معامله و جمع آوری تصاویری از معاملات خود می توانید اندازه گیری بسیار دقیقی از احساسات خود داشته باشید. اما ابتدا اجازه دهید که با بخش ها و فیلدهای این ژورنال

بیشتر آشنا شوید تا توضیحات کامل تر در ادامه ارائه گردد. اگر دقت کنید این ژورنال معاملاتی از ۴ بخش **order no. / profit / loss / sentimental** تشکیل شده است که به ترتیب منظور شماره معامله / حد سود / حد ضرر و در نهایت احساسات شما در پفرایند معامله را شامل می شود.

زمانی که شما در بازار معامله انجام می دهید، کارگزار به معامله شما یک کد جهت رهگیری های آتی اختصاص می دهد. این کد را در فیلد ۱ قرار می دهید. هر کدام از این سه بخش خود دارای ۳ فیلد متفاوت می باشند که وضعیت شما را در زمان های متفاوتی بررسی می کنند.

شما زمانی که وارد بازار می شوید حد سود و حد ضرر خود را در مکان مشخصی قرار می دهید. اگر به هر دلیلی این دو مورد را در بازار جابه جا کنید، در بخش اول و بخش دوم علت آن را می بایست یادداشت کنید.

بخش حد سود (**profit**) را در نظر بگیرید. در فیلد ۲، ۳ و ۴ به ترتیب از شما موارد زیر خواسته شده است.

- آیا حد سود خود را تغییر دادید یا ندادید؟
- اگر تغییر داده اید، به چه صورت این کار را انجام شد؟
- نتیجه این تغییر چه بود؟

حالا بخش حد ضرر (**loss**) را در نظر بگیرید. در فیلد های ۵، ۶ و ۷ به ترتیب از شما موارد زیر خواسته شده است:

- آیا حد ضرر خود را تغییر دادید یا ندادید؟
- اگر تغییر داده اید، به چه صورت این کار را انجام دادید؟
- نتیجه این تغییر چه بود؟

و فیلد های شماره ۸، ۹ و ۱۰ به ترتیب در بخش احساسات این سوالات را از شما می کند:

- احساس شما قبل از ورود به معامله ؟
- احساس شما در حین باز بودن معامله ؟
- احساس شما بعد از بسته شدن معامله؟

هر کدام از معاملاتی که در بازار انجام می دهید می بایست در کامپیوتر شخصی شما دارای یک پوشه اختصاصی و عکس های مشخصی باشند. این تصاویر شامل لحظه ورود به معامله، هر تغییر که در هنگام باز بودن معامله انجام می دهید و بعد از خارج شدن از معامله است.

اما چرا افراد حرفه ای ژورنال معاملاتی تهیه می کنند؟

فرض کنید که شما یک معامله گر سودده هستید و به صورت مستمر در حال سود کسب کردن از بازار هستید. ولی حالا مدتی است که معاملات شما وارد ضرر شده و نتایج دلخواه تان را کسب نمی کنید و اصلا هم نمی دانید که مشکل کار از کجاست.

و یا اینکه می خواهید بررسی کنید، نتیجه یک رفتار مشخصی که در ۱۰۰ معامله قبلی خود انجام داده اید، چه تاثیری بر روی روحیه، احساسات و درآمد شما داشته است و یا اینکه شاید دوست داشته باشید، یک گزارش کامل از میزان پیشرفت خود در بازار تهیه کنید و ببینید که نسبت به ماه گذشته چقدر توانسته اید در حرفه معامله گری خود قوی تر و با تجربه تر شوید.

یا برای هر مورد دیگری که شما نیاز داشته باشید در مورد معاملات خود بدانید حتما نیاز به ژورنال معاملاتی دارید که به صورت دقیق و منظم پر شده باشد و عکس برداری مناسبی از معاملات انجام شده باشد. تا اینجا شما یاد گرفتید که چه طور در بازار معامله انجام دهید و چه طور می توانید با استفاده از تحلیل سنتیمنتال به درآمد مستمر در بازار دست یابید. اما هنوز یک گام بسیار مهم دیگر مانده است که آن دستیابی به آمادگی ذهنی و احساسی لازم برای انجام معامله در بازار است.

فصل سوم

روانشناسی معامله‌گری

نکات بسیار مهمی که اگر رعایت نکنید ...

شما به عنوان یک معامله گر در بازار دو معلم دارید. اولین معلم شما کسی است که از او علم معامله گری در بازار را می آموزید، که فرایند آن پرداخت بخشی از ارزش دانشی است که دریافت می کنید و در ازای آن تجربه چندین ساله معلم است. معلم دوم شما بازار است.

اما بازار سختگیرتر و پرهزینه تر است. کوچک ترین اشتباه در بازار اصلاً قابل بازگشت و بخشش نیست و می تواند به قیمت از دست دادن انرژی، وقت و پول باشد. ضررهای مالی جزء جدانشدنی بازارهای مالی است و تنها در صورتی می توانید این ضررها را به حداقل برسانید که این دو موردی که در ادامه خدمت تان عرض می کنم را در اختیار داشته باشید.

مورد اول داشتن یک برنامه معاملاتی بسیار نوین و حرفه ای است که دو مزیت قدرت و سادگی در معامله گری را با خود به همراه داشته باشد. خوشبختانه تحلیل سنتیمنتال این دو مزیت بزرگ را داراست و شما می توانید به سادگی این را بعد از چند معامله درک کنید.

و مورد دوم داشتن مدیریت روی تصمیمات و احساسات در هنگام معامله گری است. منظور این است که شما تنها زمانی می توانید در بازار موفق باشید که از لحاظ احساسی کاملاً خنثی باشید. اگر مدت زیادی است که معاملات خود را در ژورنال ثبت می کنید همین حالا نگاهی به آن بیندازید. مطمئن باشید موفق ترین معاملات شما آنهایی بوده که در زمان معامله و در حین باز بودن و همین طور بعد از بسته شدن معامله احساسات شما در حالت خنثی ثبت شده است.

معامله بیش از حد

درصد خیلی بالایی از افرادی که در این بازار شکست می‌خورند و سرمایه، انرژی و وقت خود را در این بازار بدون برداشت سود قرار می‌دهند، از طریق معاملات احساسی بوده است که در اصطلاح به **over trade** معروف است.

Over trade به معاملاتی گفته می‌شود که شما بر اساس احساسات، نه منطق وارد معامله می‌شوید. این اتفاق زمانی می‌افتد که معامله‌گر بعد از بسته شدن معامله فعلی بر اساس احساساتی چون هیجان کسب سود و یا حس انتقام از بازار به خاطر ضرری که متحمل شده، بروز می‌دهد و باعث می‌شود که معامله‌گر بلافاصله وارد معامله دیگری با هدف کسب سود بیشتر یا جبران ضرری که در معاملات قبلی داشته است، شود.

این نوع معاملات اکثراً با شکست روبه‌رو می‌شوند و باعث می‌شود که معامله‌گر درصد زیادی و یا حتی کل سرمایه خود را به خاطر همین رفتار اشتباه از دست بدهد و یا اگر معاملاتش با سود بسته شود، فوق‌العاده خطرناک‌تر است. چون در این حالت یک حلقه ارتباطی مثبت را از انجام معاملات انتقام‌جویانه و یا انجام معاملات پی‌در پی احساسی بعد از سود کردن در ذهن خود می‌سازد و در این حالت معامله‌گر مجدداً این رفتار را تکرار می‌کند که در نهایت به از دست دادن کل سرمایه منتهی خواهد شد.

تامین ذهنی

یکی از مواردی که بسیار مهم است و باید حتماً انجام شود تا معامله‌گر از لحاظ روحی و حس اعتماد به نفس در بازار تامین شود، برداشت بخشی از سود خود از انجام معاملات است.

معامله‌گران خوب و حرفه‌ای زیادی را دیدم که سالهاست در حال معامله کردن ولی درجا زدن هستند و نمی‌توانند سرمایه خود را رشد دهند. وقتی ژورنال معاملاتی آنها را بررسی می‌کردم در اکثر موارد به این موضوع برخورد می‌کردم که این معامله‌گر به

خاطر اینکه حتی تا الان یک برداشت سود هم در بازار نداشته و طعم زحمات خود را نچشیده است، از لحاظ ذهنی بدون آنکه خودش اطلاع داشته باشد بد برنامه ریزی شده است.

شما زمانی در این بازار موفق خواهید بود که ۲ اصل را انجام دهید.

 **اصل اول:** سرمایه خودتان را از طریق انجام معامله در بازار رشد دهید.

 **اصل دوم:** به صورت منظم از سودی که در بازار کسب می کنید، برداشت کنید.

شما باید سرمایه خودتان را در این بازار رشد دهید، چون تصمیم دارید به درآمد نامحدود برسید. مسلماً هر چقدر که سرمایه شما بیشتر باشد، ریسک معاملاتتان کمتر و درآمدی که از هر معامله کسب می کنید نیز بیشتر خواهد بود.

اما در مورد اصل دوم، اگر تصمیم گرفته اید که ابتدا سرمایه خود را به اندازه زیاد رشد دهید و سپس برداشت کنید، سخت در اشتباهید. چرا که این کار باعث می شود از لحاظ ذهنی و روانی هنوز درگیر با اعتماد به نفس خود باشید.

مسلماً فردی که تا الان بارها و بارها از بازار سود کسب کرده است و بخشی از درآمد خود را برداشت و از آن استفاده کرده است، روحیه قوی تر و اعتماد به نفس فوق العاده بالایی در هنگام ضرر کردن دارد تا آن شخصی که هنوز بعد از چند سال معامله گری به خاطر عدم برداشت بخشی از درآمد خود و کار روی اعتماد به نفسش، نتوانسته سرمایه خود را رشد دهد.

پس این اصل را برای خود حفظ کنید و حتماً بخشی از درآمدی که کسب می کنید را برداشت کنید و با آن کاری را که دوست دارید و از آن لذت ببرید انجام دهید، حتی اگر این درآمد خیلی کم است.

وقتی برای دفعات اول سود خود را برداشت می کنید شاید مبلغ قابل توجهی نباشد ولی شما با برداشت های خود رشد می کنید و انگیزه صحیح معامله کردن در شما ایجاد می شود.

می توانید با مبلغی که برداشت می کنید، مثلاً چای یا قهوه مورد علاقه خود را خریداری کنید و هر بار که از آن می نوشید به خودتان یادآوری کنید که شما از طریق معامله گری پول تهیه آن را ساختید و حالا دارید از آن لذت می برید.

معمولاً قانونی که افراد ثروتمند توصیه می کنند به این صورت است که ۶۵ درصد از درآمد شما باید روی سرمایه گذاری خرج شود. یعنی این مبلغ را مجدداً در بازار سرمایه گذاری کنید تا سرمایه شما به صورت تصاعدی رشد کند. ۲۵ درصد از درآمدها باید برای رفع نیازهای روزمره زندگی قرار داده شود و ۱۰ درصد باقیمانده برای خرید نیازهای اصلی شما مثل خرید خودرو یا تفریحاتی که دوست دارید می بایست در نظر گرفته شود.

تغییرات بسیار عجیبی در این لحظات در ذهن شما ایجاد می شود که از مهم ترین آنها می توان به تامین نیازهای ذهنی و افزایش اعتماد به نفس اشاره کرد و باورها و اعتقادات قوی در ارتباط با خودتان و توانایی هایتان ایجاد خواهد شد.

سروتونین

موضوع بسیار مهم بعدی، اهمیت دادن به نقش ایجاد سروتونین در بدن است. سروتونین ماده ای که در بدن در زمان تجربه خاطراتی خاص ایجاد می شود و اصطلاحاً به ایجاد کننده احساس خوب معروف است.

شما اگر در هنگام معامله گری احساس خوبی نداشته باشید و بخواهید این احساس خوب را از طریق کسب سود در بازار بدست بیاورید، به احتمال خیلی زیاد مجبور به تحمل زیان های مالی و زمانی زیادی خواهید شد.

هر چقدر که ذهن شما خنثی و عاری از هر گونه احساس باشد، شما در فرایند انجام معاملات خود در بازار موفق تر هستید. سروتونین زمانی در بدن ایجاد می شود که شما مشغول به انجام کاری که از آن لذت می برید می شوید. مثلاً فرض کنید که شما شخصی هستید که فوق العاده زیاد به کوه نوردی و یا به نواختن گیتار علاقه مند هستید. وقتی که به کار مورد علاقه خود مشغول هستید، غرق در آن می شوید و گذشت زمان را از یاد می برید.

این کارها باعث ایجاد سروتونین در بدن شما می شود و از نظر احساسی به یک حالت خنثی و عالی دست پیدا خواهید کرد. پیشنهاد می کنم که کتاب تئوری انتخاب (اثر ویلیام گلسر) را حتما مطالعه کنید و روی دنیای مطلوب خود که در این کتاب به صورت کامل توضیح داده شده است کار کنید.

شک و تردید

نکته مهم بعدی، در ارتباط با نظرخواهی از دیگران است. یکی از اقدامات اشتباهی که اکثر معامله گران انجام می دهند این است که وقتی وارد معامله می شوند مدام آن را بررسی می کنند، مدام تایم فریم های مختلف را نگاه می کنند و مدام از دیگران نظرخواهی می کنند و خودشان را درگیر با احساسات شدید شک و اضطراب می کنند.

خیلی مهم است که با خیال راحت معامله کنید. معامله گری که هنوز نتوانسته است احساس شک و تردید از صحیح بودن یا نبودن اقداماتش در پروسه معامله گری را در خودش کنترل و مدیریت کند، ناشی است و باید روی خودش کار کند.

حرفه ای بودن یا نبودن یک معامله گر را می توانید بعد از بسته شدن معاملاتش در بازار از روی رفتارش حس کنید. یک معامله گر حرفه ای اگر میلیاردها تومان هم سود کند، شما نمی توانید رفتار خاصی را در چهره اش مشاهده کنید و متوجه خوشحالی او شوید و

اگر میلیاردها تومان هم ضرر کند، باز هم نمی توانید حس بدی در او ببینید. چون یاد گرفته است که احساساتش را کنترل کند.

پس بیاموزید که هوشمندانه و صحیح در حرفه معامله گری رفتار کنید.

هدف گذاری

موضوع بعدی در ارتباط با هدف گذاری در بازار است. هدف گذاری شما در بازار نباید بر اساس کسب درآمد باشد بلکه باید بر اساس ارتقا میزان مهارت و تجربه شما در بازار تنظیم شود.

شما اگر می خواهید که مثلاً در این هفته ۵۰ درصد سرمایه خود را رشد دهید و یا مثلاً ۱۰۰ میلیون درآمد کسب کنید، همین تصمیم به تنهایی باعث می شود که شما در معاملات خود احساسی رفتار کنید و معاملات احساسی باعث ایجاد زیان خواهند شد.

هدف گذاری که بخواهد به این شکل باشد کاملاً شما را درگیر احساسات می کند اما اگر تصمیم بگیرید که با هر معامله ای که در بازار انجام می دهید، مهارت و تجربه خود را ارتقا دهید، این تصمیم باعث می شود شما در آینده نزدیک هم سرمایه خوبی در اختیار داشته باشید و هم درآمد قابل قبولی.

پس روی صحبت های درونی که با خودتان انجام می دهید، دقیق شوید و مواظب تصمیماتی که می گیرید باشید.

نکات پانزده گانه معامله گری بازار بورس

در ادامه مهم ترین نکاتی که باید در بازار رعایت کنید را به صورت کوتاه و خلاصه برای شما قرار خواهیم داد تا بتوانید با فکر باز و ذهنی آماده تر وارد حرفه معامله گری شوید.

نکته ۱: هرگز روی سرمایه های دیگران معامله انجام ندهید. این کار باعث ایجاد حس اضطراب، تعهد، مسئولیت و ترس می شود که برای شما اصلا مفید نیستند. فقط سرمایه ای را وارد بازار کنید که به آن احتیاجی ندارید و اگر از بین برود، ضرر زیادی را متحمل نشده اید.

نکته ۲: مکانی که در آن معامله انجام می دهید می بایست فوق العاده ساکت و آرام و از رنگ های دلنشین و آرامش بخش استفاده شده باشد.

نکته ۳: لپ تاپ و یا کامپیوتری که با آن معامله انجام می دهید، نباید دسکتاپ شلوغ و پر از آیکن های مختلف داشته باشد. هر چقدر که فضای کاری شما خلوت تر باشد، موفق تر خواهید بود.

نکته ۴: حتما از تمپلیت اختصاصی آکادمی استفاده کنید. برای دانلود این تمپلیت کافی است به سایت www.priceactionteam.com مراجعه کنید و از بخش آزمایشگاه وارد صفحه دانلود تمپلیت اختصاصی آکادمی شوید و از آنجا آنرا دانلود کنید. در این تمپلیت از رنگها و تنظیماتی استفاده شده است که مطابق با استانداردهای روز معامله گران سازمانی است و شما را وارد حالت های احساسی نمی کند.

نکته ۵: کلمه ضرر و سود را از ذهن خود پاک کنید. چیزی به نام ضرر و سود در بازار وجود ندارد و اینها برای شما درگیری ذهنی و احساسی اینجا می کنند. بلکه به جای آن کلمات هزینه و درآمد را جایگزین کنید. در حرفه معامله گری هم مانند هر شغل دیگری شما زمانی می بایست درآمد کسب کنید و زمانی هم باید هزینه کنید.

نکته ۶: به ظرفیت مالی ذهن خود توجه کنید. ظرفیت مالی آن مبلغ درآمدی است که تا الان تجربه کرده اید. اگر درآمد شما تا الان ماهانه مثلا ۲ میلیون

تومان بوده و حالا انتظار دارید که بلافاصله بعد از شروع معامله گری و انجام معاملات در بازار ماهانه بتوانید ۱۵ میلیون تومان درآمد کسب کنید، در اشتباهید. در علوم متافیزیکی و روانشناختی چیزی وجود دارد به نام ظرفیت مالی ذهن. ظرفیت مالی ذهن شما قابل رشد است اما نه به صورت غیر طبیعی و هر چقدر که درآمد بیشتری را تجربه کنید و آن مبلغ درآمد برایتان عادی شود، به این معنی است که ظرفیت مالی ذهن شما رشد کرده است. مثلاً اگر الان ۲ میلیون درآمد دارید، شاید رقم بعدی که تجربه کنید مثلاً ۳.۵ میلیون تومان باشد و بعد از این اینکه به این درآمد عادت کردید، رقم ۵ میلیون تومان را کسب کنید و بعد شاید رقم ۱۰ میلیون و یا بیشتر.

موضوع مهم این است که همه چیزها با هم در ارتباط مستقیم هستند و همه چیزها کم کم رشد می کنند. اما این رشد به صورت تصاعدی است و مطابق با اصل اثر مرکب بزرگ می شود. پیشنهاد می کنم حتماً کتاب «اثر مرکب» (اثر دارن هاردی) را مطالعه کنید.

نکته ۷: سرمایه و درآمد خود را با بهره گیری از تکنیک های گفته شده در کتاب های «اثر مرکب» و «ثروتمندترین مرد بابل» رشد دهید تا بتوانید خیلی سریع به استقلال و آزادی مالی برسید.

نکته ۸: هرگز با بازار نجنگید؛ بسیار پیش آمده که معامله گرانی را دیدم که بعد از ضرر کردن با هدف انتقام از بازار کل سرمایه خودشان را از دست دادند و خود را تا مرز ورشکستگی پیش برده اند. شما این طور نباشید و بدانید که در این بازار ادعا، سحر، جادو، دعا، نذر، مثبت اندیشی، منفی نگری و ... کارساز نیست. فقط مهارت مهم است.

نکته ۹: حتماً در کنار شغل معامله گری خود کار دیگری هم انجام دهید. مثلاً می توانید به یادگیری مهارت ها و هنرهایی که دوست دارید و یا ورزش هایی که علاقه دارید بپردازید. چون وقتی کاری نداشته باشید که انجام دهید و معامله باز هم در بازار داشته باشید، به صورت خودکار و بدون اختیار مدام معامله خود را چک می کنید و این باعث گرفتن تصمیمات اشتباه زیادی در شما

خواهد شد. چون بازار مدام در حال انجام نوسانات زیاد است و هر نوسان می تواند تصمیم شما را برای معامله تغییر دهد. پس خود را درگیر نوسانات موقتی بازار نکنید و به جای آن در زمانهای مشخصی که باید معاملات خود را مدیریت پویا کنید، در بازار حضور پیدا کنید و باقی ساعات را به کارهایی که دوست دارید انجام دهید، بپردازید.

نکته ۱۰: هرگز در حساب دمو و یا تمرینی معامله انجام ندهید. معامله کردن در حساب دمو عادات بسیار خطرناکی را در شما می سازد که باعث می شود با همان عادات منفی و خطرناک در بازار با سرمایه واقعی معامله کنید. از حساب تمرینی فقط برای انجام یک الی دو معامله آن هم برای درک سازوکار بازار استفاده کنید.

نکته ۱۱: هرگز از حساب هدیه یا **bonus** استفاده نکنید. این نوع حساب ها هم به خاطر اینکه تقریباً مثل حساب های دمو هستند ولی با این شرایط که اگر در مدت زمانی مشخص مقدار مشخصی سود کسب کنید. این نوع حساب ها باعث ایجاد هدف گذاری در شما می شود و عادات اشتباه و خطرناک را در شما شکل خواهد داد و باعث می شود که به یک معامله گر ضررده در بازار تبدیل شوید.

نکته ۱۲: هرگز از اهداف خود با دیگران صحبت نکنید. زمانی که از اهداف تان با دیگران صحبت می کنید، آن اقدام و آن تصمیم در ذهن شما تیک می خورد و برای ضمیر ناخودآگاه شما به این معنی تلقی می شود که شما آن کار را انجام داده اید و دیگر نیازی به تلاش برای انجام آن ندارید. به همین خاطر است که بعد از صحبت کردن در مورد اهداف خود با دیگران، تلاش کردن برای تان بی معنی می شود و رفته رفته انگیزه شما از دست می رود. مطمئن باشید موفقیت های شما به گوش همه خواهد رسید.

نکته ۱۳: از ابزارهایی که در آزمایشگاه سایت قرار داده شده است استفاده کنید. تمامی این ابزارها به صورت کاملاً رایگان برای شما قرار داده شده است که بتوانید با آن کیفیت معاملات خود و میزان پیشرفت خود را اندازه گیری کنید.

ربات مشاور هوشمند بهترین ابزار آزمایشگاه است که می تواند به شما در هر زمان از شبانه روز که بخواهید مشاوره بدهد. حتما از این ابزار استفاده کنید.

نکته ۱۴: از سرمایه زیاد برای معامله کردن در بازار استفاده نکنید. هنر و افتخار شما به عنوان یک معامله گر بازار بورس باید این باشد که توانایی رشد سرمایه های کوچک را داشته باشید و آنها را به سرمایه های بزرگ و چشمگیر تبدیل کنید.

نکته ۱۵: هرگز سرمایه خود را به کسی ندهید که برایتان در بازار معامله کند. این کار فوق العاده اشتباه است. خودتان یاد بگیرید.

موفق باشید

معرفی حامی مالی نشر این کتاب:

پی سی ام، متشکل از مجموعه شرکتهایی با زمینه فعالیت مختلف در پنج قاره جهان است. فعالیتهای اصلی شرکتهای عضو این مجموعه، بیشتر بر کارگزاری معاملات آنلاین و خدمات فناوری مرتبط با این رشته و همچنین تجارت کالاها (کامادیتی) متمرکز است.

❖ پلتفرم معاملاتی PCM Trader

پلتفرم معاملاتی کارگزاری پی سی ام از نظر تنوع جفت ارزهای قابل معامله بدون شک یکی از پی رقیب ترین پلتفرمهای جهان است. در حال حاضر ۶۲ جفت ارز به اضافه طلا و نقره با قیمتهای اسپات بسیار رقابتی، همراه با دو قرارداد آتی طلا، نفت دبیلو تی آی و نفت برنت، یک قرارداد آتی نقره، یک قرارداد آتی گازوئیل و چندین ایندکس سهام اصلی جهان روی پلتفرم ما برای معامله گران بازارهای مالی قابل دسترسی مستقیم است.

❖ فعالیت های آموزشی بروکر پی سی ام:

کارگزاری بین المللی پی سی ام با سالها تجربه در زمینه آموزش و پژوهشهای مالی با همکاری معامله گران و مدرسان شناخته شده اولین قدم را مدتها پیش برداشت و تلاش زیادی برای ارتقای سطح علمی و توسعه سود جامعه معامله گران ایران از روش های مختلف انجام داد؛ از جمله:

- اسپانسی انجمن اینترنتی تریدرها با بیش از ۲۵ هزار عضو تریدر تاکنون به نشانی: <https://www.traderha.com>
- حمایت کامل از برگزاری چندین دوره آموزشی و معامله گری آنلاین و حضوری در شهرهای مختلف کشور
- برگزاری وبینارهای متعدد رایگان با موضوعات مختلف و همکاری با تحلیل گران برجسته و نام آشنا در این بازار
- حمایت و اسپانسی از انجام پروژه های تحقیقاتی و پژوهشی و انتشار کتاب در زمینه بازارهای مالی
- ایجاد بخش اختصاصی ترجمه معتبرترین منابع تحلیلی از بانک ها و موسسات مالی خارجی از جمله بورس ارز طلا و کالای دوی، بانک وارن گلد آلمان و چند موسسه مالی بزرگ دنیا
- ترجمه و ارائه رایگان مقالات معتبر در زمینه بازارهای مالی که تاکنون کمک زیادی به ارتقای سطح دانش در زمینه آنلاین تریدینگ واقعی کرده است.

❖ برای کسب اطلاعات بیشتر لطفا تارنمای این شرکت به نشانی زیر را ببینید:

<https://pcmfa.net>

درباره کتاب تحلیل سنتیمنتال:

مطالعه کتاب تحلیل سنتیمنتال را به همه فعالان بورس توصیه می‌کنم. به همه! هم آنها که سالهاست در این بازار معامله می‌کنند و هم آنها که به تازگی وارد این بازار شده‌اند. هم معامله‌گران سازمانی و هم معامله‌گران خرد. هم اقتصاد خوانده‌ها و اقتصاددانان و هم معامله‌گرانی که رشته دانشگاهی‌شان اقتصاد نیست. مطالعه این کتاب به شما کمک می‌کند تا واقعیت‌های نوسان قیمت‌ها در بورس را ببینید. با مطالعه این کتاب مسیر آسان کسب درآمد در بورس را می‌آموزید. این کتاب کوچک مفید را چند بار بخوانید.

شاد، سلامت و ثروتمند باشید.

مهدی حبیب الهی / پژوهشگر اقتصاد رفتاری

نشر شفاف

(ناشر عمومی و ناشر تخصصی اقتصاد)

www.shafaaf.ir

خرید اینترنتی از دیجی کالا

www.digikala.com

